

بسم الله الرحمن الرحيم

همراه با نماز

نوشته محسن قرائتی

با همکاری:

سید جواد بهشتی

فهرست مطالب

پیام مقام معظم رهبری	۷
مقدمه مؤلف	۱۱
بخش اول «تربیتی»	
نماز	۱۷
سؤال	۱۹
آثار فکر کردن	۲۳
لباس	۲۵
چند خاطره شیرین درباره لباس	۲۷
نکاتی درباره لباس	۲۹
دوست خوب	۳۱
ملاک ارزشها در قرآن	۳۳
دروغ گناهی بزرگ	۳۴
آثار دروغ	۳۶
عوامل دروغگویی	۳۸
نظافت	۴۰
نام و نامگذاری	۴۲
احترام به شخصیت افراد	۴۵
سلمان فارسی	۴۸
مشورت	۵۰
کودک	۵۳
مؤمن آینه مؤمن است	۵۵
شیوه تربیتی قرآن	۵۷
چند خاطره از معلم و شاگرد	۵۹
اسلام مکتب اعتدال	۶۱
انزواطلبی (گوشه گیری)	۶۳
عزم و اراده قوی	۶۶
دشنام	۶۹
استقامت بر هدف	۷۱

۷۳	از مسائل مهم غافل نشویم
۷۵	در غذای خود دقت کنید
۷۷	زینت و زیبایی

بخش دوم «اجتماعی»

۸۱	نماز جمعه
۸۳	امام خمینی (ره)
۸۶	نظام جمهوری اسلامی
۹۰	دشمن برای ما چه می‌خواهد
۹۳	انتقاد
۹۵	زن
۹۷	وظیفه زن و شوهر
۹۹	همه ما مسئول اجتماع خود هستیم
۱۰۱	آزادی
۱۰۴	علل شکست اُمته
۱۰۶	حق الناس
۱۰۹	شوری
۱۱۱	مسجد
۱۱۴	امنیت
۱۱۶	هجرت
۱۱۸	مقام شهید
۱۲۱	جهاد
۱۲۲	صله رحم و احترام بوالدین
۱۲۵	کار
۱۲۷	سوادآموزی
۱۲۹	اهمیت کشاورزی در اسلام
۱۳۱	دامداری
۱۳۳	حمایت حیوان
۱۳۶	صرفه‌جوئی
۱۳۸	روشهای دشمن برای کوبیدن اسلام
۱۴۰	راز سقوط بنی اسرائیل
۱۴۲	حجاب
۱۴۴	بیست دستور بهداشتی

بخش سوم «اخلاقی»

نقش انگیزه‌ها	۱۴۹
کنترل غرائز	۱۵۱
هشت نکته درباره دروغ	۱۵۳
نقش زبان	۱۵۶
مسخره کردن	۱۵۸
ایثار و گذشت	۱۶۱
تهمت	۱۶۳
مردم و دنیا	۱۶۴
بهترین‌ها کدامند؟	۱۶۵
بدترین مردم کیانند؟	۱۶۷
یک نقشه شیطانی	۱۶۹
سوز و شور	۱۷۱
غذا	۱۷۳
پاکی و نظافت	۱۷۵
دعا	۱۷۷
توبه	۱۷۸
غیبت	۱۸۰
سیمای معامله‌کنندگان با خدا	۱۸۲
میانه‌روی	۱۸۴
اسراف	۱۸۶
چگونه حرف بزنیم	۱۸۸

بخش چهارم «معارف»

عواملی که زیبایی دین را کم می‌کند	۱۹۳
تسلیم نشانه توحید	۱۹۵
مقدرات الهی	۱۹۷
اسلام و فطرت	۱۹۸
نیاز به پیامبران (با زبانی ساده)	۲۰۲
قرآن	۲۰۳
قرآن و امامت	۲۰۶
اهلیت (ع)	۲۰۷
تولی	۲۰۹
معرفی مرگ	۲۱۱

روزه	۲۱۳
خمس و زکوة	۲۱۵
امر بمعروف و نهی از منکر	۲۱۸
امتحان خدا (۱)	۲۲۰
امتحان خدا (۲)	۲۲۳
امتحان خدا (۳)	۲۲۵
تأثیر عمل در عمل	۲۲۸
چرا بعضی از دعاها مستجاب نمی شود؟	۲۲۹
چرا نعمتها گرفته می شود	۲۳۱
یک درس قرآنی	۲۲۳
آب	۲۳۴
ابرو باران	۲۳۶
باد	۲۳۸

بخش پنجم «احکام»

تقلید	۲۴۳
مطهرات	۲۴۵
تطهیر	۲۴۶
حتیٰ مستراح رفتن دستور دارد	۲۴۷
احکام آنها	۲۴۹
پاک کردن چیزهای نجس	۲۵۰
احکام وضو	۲۵۱
وضوی جبیره	۲۵۵
احکام غسل	۲۵۷
احکام تیمم	۲۶۰
مکان نمازگزار	۲۶۴
آداب مسجد	۲۶۹
لباس نمازگزار	۲۷۰
قبله	۲۷۴
اذان	۲۷۸
وقت نماز	۲۷۹
قرائت نماز	۲۸۱
گوشه ای از آداب نماز	۲۸۳

بسمه تعالی

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در سومین سمینار نماز

خدا را سپاس که تلاش مبارک شما دست اندرکاران ترویج فریضه نماز به سومین سالگرد رسید و کاری با چنین اهمیت به اهمی پیگیر و خستگی ناپذیر پیوست، راز موفقیت در دسترسی به هدفهای بزرگ و والا همین پی گیری و استمرار در طلب است این درس بزرگ را نیز در یکی از آثار مناجاتی مولای پرهیزکاران می آموزیم که **وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ** نماز در عرصه تکاپوی لایزال و ناگزیری که بشر بدان مأمور بلکه مطبوع گردیده است بزرگترین فریضه و مؤثرترین ابزار است شاید برخی این خصوصیت را برای نماز فقط در میدان تکاپوی فردی به سوی کمال شناخته و از نقش آن در صحنه جهاد جمعی و اجتماعی در برابر معارضات پر قدرت دنیایی سخنی نشنیده باشند.

از این رو باید دانست که پایمردی در همه گونه رویارویی وابسته به آن است که دلها و اراده ها از صفا و توکل و اعتماد به نفس و امید به فرجام لبریز باشد و نماز سرچشمه جوشانی است که این همه و بسی فیوضات دیگر را بردل و جان نمازگزار سرازیر می کند و از او انسانی روشن ضمیر و ثابت قدم و بی دغدغه و امیدوار می سازد. این که در قرآن و سخن والای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم نماز بازدارنده از فحشاء

و منکر و معراج مؤمن و تقرب دهنده پرهیزکار و در یک سخن بهترین نهاد دین معرفی شده و پیامبر مکرم آن را روشنی چشم خویش خوانده است باید ما را در فهم عظمت نماز به تأمل و ژرف نگری بیشتر بکشاند.

البته این نکته نیز شایان ذکر است که نماز همین بر زبان راندن کلمات و گزاردن حرکاتی معین نیست، آن همه فیض و برکت بر پدید آوردن امواج صوتی و اعمال بدنی بی آن که روح ذکر و توجه در سراسر این کالبد دمیده باشد مترتب نمی‌گردد، اگر چه حداقل تکلیف با آن ساقط می‌گردد. روح نماز، یاد خدا و خشوع و حضور در برابر اوست و این کلمات و اعمالی که با تعلیم الهی بر مکلف واجب گشته است بهترین قالب برای آن روح و نزدیکترین راه به آن سرمنزل مقصود است.

نماز بی ذکر و حضور، کالبدی بی روح است که اگر چه نام نماز بر مجاز نیست لیکن اثر و خاصیت نماز نیز بر آن مترتب نیست از این حقیقت در آثار دینی با عنوان قبولی نماز سخن رفته است و چنین آمده است که از یک نماز که تومی‌گزاری تنها هرآنچه با حضور و توجه آورده شده قبول است و بس.

اینک نماز موهبتی بی‌بدیل و سرچشمه فیضی لایزال در اختیار ما است که با آن نخست از خویش و سپس از هر آنکه بدو مهر می‌ورزیم، انسان صالح بسازیم، این دروازه‌ای است گشاده به عرصه‌ای پهناور و مصفا، دریغ است که آدمی عمری را در جوار بهشت مصفائی بگذراند و سری بدان نکشد و عزیزان خود را بدان سوق ندهد و حی الهی به پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و سلم چنین فرمان داد:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

امروز همه شما خود را طرف این خطاب بشمرید و نماز را این حقیقت مقدس و گوهر درخشان را، که عطیه الهی به امت محمد مصطفی

صلی الله علیه و آله است قدر بشناسید. در این وظیفه هرکس سهم ویژه‌ای دارد، پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند، معلمان، شاگردان مدارس و دانشگاه‌ها را در سمت و سوی این حقیقت درخشان به حرکت وادار نمایند. فضلا و علماء و روحانیون محترم امامت جماعت در مراکز آموزشی و اقامتگاههای دانشجویان، برای نسل نو فرصتی مغتنم بشمرند نویسندگان کتابهای درسی، رازها و رمزها و درسهای نماز را در کتابهای درسی بگنجانند.

وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما از هنر به ویژه هنر سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره نماز نمازگزار بهره بگیرند. هنرمندان عزیز با زبان شعر و قصه و نقاشی و جز اینها و با آفرینش آثار هنری با کیفیت، بلکه برجسته دست چیره هنر را به کاری چنین شایسته مشغول سازند، در مدارس، معلمان و مدیران و در همه مراکز مسئولان با حضور خود در صفوف نماز، نمازگزاران را تشویق کنند، در گردهمائی های علمی و فرهنگی و آموزشی و تبلیغی نماز را در وقت خود همچون الهام بخش صداقت و هدایت به جای آورند، نویسندگان و گویندگان دینی درباره نماز و مفهوم و فلسفه و هدف و آثار و برکات و احکام آن بگویند و بنویسند، مردم مساجد را با حضور در نمازهای جماعت که بهترین شیوه نمازگزاردن است رونق بخشند، در همه بناهای عمومی و جایهائی که همواره به طبع حال مردمی در آن گرد می‌آیند مانند فرودگاهها و ایستگاههای قطار و بندرها و عزیمتگاههای خودروهای همگانی و ادارات دولتی و بوستانهای شهری و مانند اینها نمازخانه‌ها یا مساجدی بنا کنند و افزون بر این مردم هرزمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد بشمار آورند و در آن به نماز بایستند.

از این گونه کار برای هرکسی و قشری از مردم هست که هرکس

باید کنکاش کند و سهم خود را از این فریضه همگانی بیابد و بدان دست زند.

در چنین وضعی است که جامعه اسلامی ما توانسته است نماز را اقامه کند و مصداق این آیه کریمه گردد که:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ غَافِقِبُهُ الْأُمُورَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

توفیق همه آحاد مسلمان را در درست انجام دادن این وظیفه الهی مسئلت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای

۷۲/۶/۱۶

مقدمه:

انسان دارای جسمی است و روحی؛ جسم انسان متعلق به عالم ماده و ناسوت بوده، دارای اقتضائات آن است ولی روح او فراتر از ناسوت است و استعداد پرواز تا بی نهایت را در آسمان معرفت و معنویت دارد.

پرواز روح انسان با دوابال معرفت و ایمان یا به اعتبار جایگاهشان عقل و قلب میسر است.

نماز از آنجایی که یاریگر عقل و قلب آدمی در پرواز روح او به معراج انسانی است، اهمیت می یابد، لذا کسانی که دغدغه نمازاندیشی و نمازگزاری دارند باید قلب و فکر خود و دیگران^۱، معارف و اذکار نماز آماده ساخته، برای معراج مهیا شوند.

معارف اسلام که در جای جای اذکار نماز گنجانده شده بطور اختصار حاکی از کلیت اسلام بوده، نمازگزاردن با توجه موجب

اشتغال قلب و عقل به معارف می شود.

به جماعت گزاردن نماز و توصیه به حضور در مسجد در روایات اسلامی مورد تأکید بسیار می باشد؛ چرا که حضور در جماعت مؤمنین در کمال نماز تأثیر بسزایی دارد. یکی از کارکردهای نماز جماعت چه در مسجد، چه در مکانهای دیگر نماز همچون ادارات، مدارس و... کارکرد معرفتی آن است.

این کارکرد به طریق اولی و بطور مختصر در سراسر نماز و به تبع آن در بین یا پس از نماز جماعت بطور مفصل نمود می یابد.

کتاب حاضر که «همراه با نماز» نام دارد، برای تأمین این منظور توسط استاد قرائتی و با همکاری اینجانب به رشته ی تحریر در آمده است که تاکنون در تیراژ بالا و بطور مکرر تجدید چاپ شده است. با امید به اینکه این متن مورد استفاده ائمه جماعت محترم و در نتیجه نمازگزاران گرامی قرار گیرد، در زیر قسمتی از مقدمه حضرت حجة الاسلام و المسلمین قرائتی را بر چاپ اول این کتاب که انگیزه تألیف آن می باشد، می آوریم:

«از جمله کارهایی که لازم بود بشود تهیه متنی بود که همراه با نماز جماعت در مدارس و مراکز دولتی و مردمی در اختیار امام جماعت باشد زیرا در بعضی از مناطق و مدارس امام جماعت روحانی نداریم و از وجود افراد متدین استفاده می شود و آنها شاید فرصت تهیه

مطلب نداشته باشند و بعضی از روحانیون جوان نیز نیاز به شیوه انتخاب یا دسته بندی مطالب و تلخیص داشته باشند که بتوانند در پنج الی هشت دقیقه سخنان مفید و پرمحتوا و کلاسه شده و متناسب با سن و نیاز و فرصت و حال نسل نو مطرح کنند. لذا از یادداشت‌هایی که داشتم نمونه‌هایی در اختیار حجة الاسلام سیدجواد بهشتی که سابقه بیست سال دوستی و ده سال همکاری نزدیک داشتم قرار دادم. مطالب را تنظیم و تکمیل کرده، در اختیار ائمه جماعات قرار دادیم. در این جا لازم است نکاتی را بیان کنم:

۱- گاهی کلمات کوتاه و مفید از سخنرانی‌های مفصل، پرمحتواتر و مطلوب تر است.

۲- شنیدن جملات دسته‌بندی شده و کاربردی که شنونده با علاقه گوش می‌دهد از خواندن درس‌های خشک و اجباری یا مطالبی که در زندگی او نقشی ندارد و فقط برای گرفتن نمره و امتحان می‌خواند سازنده تر است.

۳- شاید بتوان گفت هر سطر این کتاب اشاره به آیه یا حدیث یا مسئله‌ای فقهی باشد.

۴- در بیان مسائل فقهی توجه به فتوای حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) و آیه الله العظمی اراکی (ره) شده است.

۵- سعی شده مطالب هم متنوع باشد مثل قرآن؛ و هم دسته بندی مثل کلاس؛ هم ساده، هم پرمحتوا، هم کارساز.

۶- مراد ما این نیست که ائمه محترم جماعات فقط از متن این کتاب بگویند (گرچه اگر بگویند بسیار خوب است) ولی مراد ما آن است که نمونه هایی که برای نسل نو می گویند مشابه این کتاب باشد چون این مطالب و روش سابقه بیست سال تجربه دارد.»

سید جواد بهشتی

بخش اوّل
تربیتی

نماز

نماز در تمام ادیان آسمانی واجب بوده است. نماز یاد خداست. نماز تشکر از خداست. نماز اطاعت از خداست. تمام هستی در فرمان خداوند است. اگر انسان نافرمانی کند وصلهٔ هم‌رنگ هستی نخواهد بود. کسی که نماز نخواند، در قیامت دچار عذاب الهی می‌شود. اگر مال نداشته باشیم، دادن خمس و زکوة و انجام دادن اعمال حج واجب نیست، اگر مریض باشیم، روزه گرفتن و جهاد کردن واجب نیست. ولی نماز را در هر حال باید خواند. نماز را باید با علاقه خواند. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«نماز نور چشم من است» امام حسین (ع) در شب عاشورا فرمود:

«من نماز را دوست دارم». نماز انسان را از بدیها باز می‌دارد.

در نماز هر روز بالاترین قسمت بدن (پیشانی) را روی زمین و خاک می‌نهییم و اگر توجه به نماز داشته باشیم، دیگر گرفتار تکبر نمی‌شویم. کسی که هر روز پیشانی خود را به خاک می‌مالد، نباید متکبر باشد. نمازی که ما را از فساد و فحشا باز ندارد، در حقیقت نماز نیست. (آری دانه پوک سبز نمی‌شود.) نماز بعضی از ما همچون دانه پوک است. به هر حال نماز را باید آگاهانه و عاشقانه و با لباس پاک و آب حلال و تمیز و در مکان حلال به جا آورد.

در حدیث می‌خوانیم که نماز پیمان خدا است. نماز پرچم اسلام است. نماز وسیله شناخت مردم است. نماز نشانه دوستی با خداست. امام صادق (ع) در آستانه شهادت فرمود:

«هرکس نماز را سبک بشمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد». نماز در مسجد پاداش زیادتری دارد. نماز با جماعت، شکوه و اجر بسیاری دارد.

هنگام رفتن به مسجد باید بهترین لباس را بپوشیم و خود را خوش بو کنیم و از مسواک غافل نشویم؛ که یک رکعت نماز با مسواک از چندین رکعت نماز کسی که مسواک نمی‌کند بهتر است. نماز را باید با توجه و حضور قلب انجام داد زیرا نشانه رستگاری و ایمان، نماز عاشقانه و باتوجه است. نماز به قدری مهم است که در قیامت قبل از هر چیز از نماز سؤال می‌شود و چنانچه نماز رد شود، عبادات دیگر اثری نخواهد داشت. کسی که نماز نخواند نزد مسلمانان احترام ندارد.

سؤال

انسان فطرتاً جستجوگر است و همیشه سؤال می‌کند کودک از وقتی بزبان می‌آید پیوسته از هر چیزی سؤال می‌کند حضرت علی (ع) فرمود سؤال نصف علم است، سؤال کلید علم است امام باقر علیه السلام در شعری فرمودند:

شفاء العمی طول السؤال و انما

تمام العمی طول السکوت علی الجهل^۱

درمان نابینائی پرسش است و کسیکه حاضر نمی‌شود سؤال کند و بر جهل خود سکوت می‌کند برای همیشه کور خواهد ماند امام صادق علیه السلام فرمود: **إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لَا تَهُمُ لَا يَسْأَلُونَ^۲** دلیل نابودی گروهی از مردم سؤال نکردن آنهاست حضرت علی (ع) میفرماید رمز بدبختی جامعه چند چیز است یکی جاهلی است که از سؤال کردن خودداری می‌کند پیامبر (ص) فرمود وای به حال مسلمانی که روزهای جمعه را برای پرسش از مسائل دینی نگذارد^۳

در این درس به ۳ مطلب می‌خواهیم اشاره کنیم:

۱- به چه انگیزه‌ای سؤال کنیم؟

۱- بیست گفتار شهید مطهری. ۲- اصول کافی ج ۱ ص ۴۹. ۳- اصول کافی ج ۱، ص ۵۰.

۲ - چگونه سؤال کنیم؟

۳ - از کی سؤال کنیم؟

مطلب اول: به چه انگیزه‌ای سؤال کنیم؟

بعضی سؤال می‌کنند چون می‌خواهند بفهمند: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآيَاتِ ۚ** ای رسول ما از تو درباره تغییر شکل ماه سؤال می‌کنند. بعضی سؤال می‌کنند تا آزمایش کنند: مثل سؤالات معلّم از شاگردان.

بعضی سؤال می‌کنند تا خودنمایی کنند: **لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءُ** تا در حضور علما مباحث کنند.

بعضی سؤال می‌کنند تا دیگران را تحقیر کنند: **وَلَا تَسْأَلُ نَعْتًا** سؤال مشکل مطرح می‌کند تا طرف را بکوبد.

بعضی سؤال می‌کنند برای ایجاد شک و وسوسه: **يَسْأَلُ آيَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ** سؤال می‌کند قیامت کی میرسد؟

بعضی سؤال می‌کنند برای جاسوسی: **يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ** سؤال می‌کنند از اخبار شما.

بعضی سؤال می‌کنند برای شایعه‌سازی و جوسازی: می‌گویند آیا راست است فلانی فلان کار را کرده.

نوع سؤال معرف روحیه افراد است

اگر انگیزه و هدف ما از سؤال الهی باشد عامل رشد و قرب ما به خدا خواهد شد وگرنه هر سؤالی ارزش ندارد

۵ - اصول کافی ج ۱ ص ۴۷

۴ - بقره ۱۸۹

۷ - احزاب ۲۰.

۶ - قیامت ۶.

مطلب دوم: چگونه سؤال کنیم؟

- ۱- سؤال را خوب مطرح کنیم.
- ۲- با ادب سؤال کنیم. به استاد و عالم احترام بگذاریم
- ۳- از پرسیدن خجالت نکشیم. امام فرمود حیاء دو نوع است حیاء عقل و حیاء حُوق کسی که از پرسیدن حیا می‌کند احمق است
- ۴- به موقع پرسیم.
- ۵- از هر چیزی نپرسیم. سؤالات ما باید حسابشده - مفید و سازنده باشد حضرت علی فرمود قبل از اینکه مرا از دست دهید از من سؤال کنید شخصی پرسید تعداد موهای سر من چندتاست!
- ۶- اگر جواب نمی‌دانم شنیدیم جواب دهنده را تحقیر نکنیم.
- ۷- از سؤالات بیجا بپرهیزیم مثل بنی اسرائیل.
- ۸- در کنار پرسیدن عمل هم بکنیم. متأسفانه برای بعضی سؤال شغل شده. سؤالاتی آماده کرده‌اند بهرکس میرسند همانها را می‌پرسند هرکس هم بنحوی جواب میدهد او هم گیج می‌شود.

مطلب سوم: از کی سؤال کنیم؟

- ۱- از عالم: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۶ نحل) بهمان اندازه که سؤال کردن خوب است سؤال کردن از افراد نااهل خطرناک است مثل اینکه مریض را نزد فردی بی اطلاع ببریم
- ۲- از فقیه: در زمان غیبت امام زمان از فقیه اعلم سؤال کنیم فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَىٰ رُوَاةِ أَحَادِيثِنَا
- ۳- از افراد بی غرض و مرض سؤال کنیم

۴ - از کارشناس و متخصص سؤال کنیم
کتابهای پرسش و پاسخ - سؤال شما و پاسخ ما - توحید مفضل
و استفتات امام خمینی در این زمینه مفید است

آثار فکر کردن

تابلویی که پیش روی شماست چکیده‌ای از کلمات نورانی
رسول خدا و امامان معصوم درباره آثار فکر کردن است
فکر در نعمتها عامل دوست داشتن است
فکر در گناهان عامل توبه است
فکر در دنیا عامل زهد است
فکر در حوادث عامل تواضع است
فکر در مرگ عامل کنترل هوسها و شهوات است
فکر در بزرگان عامل مقایسه و رشد است
فکر در عواقب عامل مصونیت است
فکر در گذشت عمر عامل سعی و تلاش است
فکر در الطاف الهی عامل رجاء و امید است
فکر در قهر الهی عامل خوف است
فکر در تاریخ عامل عبرت است
فکر در مخلوقات عامل ایمان است
فکر در ضعفها عامل توکل است
فکر در مفسد اخلاق عامل تهذیب است
فکر در شدائد دیگران عامل استقامت است

فکر در خدمات والدین عامل احسان است
فکر در پدیده‌های هستی و زیبایی طبیعت عامل معرفت و خشوع
است.

لباس

لباس باید متناسب باشد با:

۱ — وضع تولید در جامعه: پیامبر(ص) فرمود لباسِ وصله دار خود از لباس زیبای بیگانه بهتر است.

۲ — وضع محرومان: پیامبر(ص) فرمود ای ابوذر کسیکه دو لباس دارد یکی را خودش بپوشد و دیگری را به برادر ایمانی اش بپوشاند.

وسائل ۳/۳۷۶

۳ — وضع روحی: امام سجاد علیه السلام لباس زیبایی برتن کرد از خانه خارج شد، بلافاصله برگشتند و فرمودند فَكَأَنِّي لَسْتُ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ گویا من علی بن الحسین نیستم. امام صادق علیه السلام فرمود لباس نرم در روح اثر میگذارد لباس ساده ای برتن امیرالمؤمنین بود اعتراض کردند حضرت فرمود يَخْشَعُ الْقَلْبُ وَيَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ هم در روح تأثیر دارد و انسان را خاضع می کند و هم اینکه توده مردم وقتی دیدند رهبرشان لباس ساده می پوشد از او تقلید میکنند.

۴ — وضع مالی پیامبر(ص) ثروتمندی را دید که لباسی کهنه و

مندرس بر تن کرده فرمود وقتی خداوند به کسی نعمتی میدهد دوست دارد اثر نعمت نمایان شود.

۵ - وضع سیاسی امام صادق (ع) فرمود اگر لباس شما مرتب و نظیف باشد جلوتبلیغات دشمن گرفته می شود.

امام کاظم (ع) فرمود ای شیعیان شما در جامعه رفت و آمد دارید پس سعی کنید در مقابل دیگران تا آنجا که توان دارید مرتب و منظم باشید.

۶ - وضع خانوادگی شخصی میگوید لباس خوشرنگی بر تن امام باقر علیه السلام دیدم حضرت فرمود: من داماد هستم با دختری از دختران قریش ازدواج کرده ام. اما مان معصوم به افراد خانواده سفارش فرموده اند که داخل خانه هم لباس تمیز و زیبا بپوشید و از پوشیدن لباسهای کثیف و مندرس و نامتناسب بپرهیزید.

چند خاطره شیرین درباره لباس

۱ — رسول خدا (ص) به علی (ع) دستور داد لباسی برایم خریداری کن حضرت علی (ع) ببازار رفته لباسی را به ۱۲ درهم خریداری کرد پیامبر فرمود اگر ارزانتر بود بهتر بود برگشتند به بازار کنیزی پولش را گم کرده بود و گریه میکرد حضرت ۴ درهم به او داد به بازار رسیده و لباس را پس داده لباسی ۴ درهمی خرید در راه بازگشت برهنه ای را دید لباس را به او داده باز برگشت و لباس دیگری به ۴ درهم خرید در راه بازگشت همان کنیز را دید که گریه میکند پرسید چرا گریه میکنی گفت چون دیر کرده ام می ترسم اربابم مرا تنبیه کند حضرت بخانه مولای او رفت و مولا به احترام رسول خدا کنیز را آزاد کرد حضرت بسیار خوشحال شد و فرمود چه ۱۲ درهم بابرکتی ۲ برهنه را پوشاند و یک برده را آزاد کرد و این همه برکات از صرفه جوئی در یک پیراهن بود

۲ — زنی خدمت رسول خدا (ص) رسیده و لباسی آورد و گفت با دست خودم برای شما بافته ام حضرت پذیرفت و پوشید از خانه که بیرون رفت شخصی گفت یا رسول الله (ص) چه لباس خوبی داری آن را به ما عطا فرما حضرت بخانه برگشت و لباس را از تن بیرون کرده برای او فرستاد مردم به او گفتند چرا این تقاضا را کردی؟ رسول خدا به آن لباس نیاز داشت. گفت می خواستم این لباس را کفن خودم قرار دهم.

۳ — شخصی به منزل امام باقر علیه السلام وارد شد لباس و فرش زیبایی دید ناراحت شد بلند شد که برود امام فرمود فردا هم به سراغ ما بیا میگوید فردا رفته‌ام خانه امام ساده بود. بر فرش حصیری نشسته و لباس کرباس پوشیده فرمود ای ابا خالد من تازه داماد هستم اطاقی که دیروز دیدی اطاق عروس بود چیزهایی که دیدی عروس آورده بود منهم مخالفتی نکردم این اطاق اطاق شخصی من است (مستدرک ۲۵۲/۳)

۴ — مصعب جوانی بود زیبا از خانواده اشراف بخاطر مسلمان شدن از خانه اخراج شد و از لباسهای فاخر محروم شد پوست گوسفندی را دور خود گرفت و نزد رسول خدا آمد پیامبر (ص) از دیدنش شاد شد و فرمود مردم بیائید به این مرد نگاه کنید خداوند قلبش را نورانی گردانیده در حالیکه می‌توانست از غذاهای مطبوع و بهترین لباسها استفاده کند همه را به عشق خدا و رسول رها کرد (مستدرک ۲۵۷/۳)

۵ — شب عروسی فاطمه زهرا رسیده بود پیامبر برای شب عروسی دخترش لباسی خریده بود در بین راه خانمی فقیر از فاطمه زهرا استمداد طلبید و لباسی خواست حضرت به خانه مراجعه کرده و لباس نورا از تن بیرون کرد به فقیر داد و لباس ساده‌ی قبلی را پوشید و فرمود این آیه قرآن مرا به این کار واداشت لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ به نیکی و بر نمیرسید مگر اینکه از چیزهاییکه خودتان دوست دارید در راه خدا بدهید.

۶ — امام صادق علیه السلام لباسی که امیرالمومنین در آن لباس ضربت خورد و خون فرقت بر آن لباس ریخته بود نگهداری میکرد و گاهی بمیان مردم می‌آورد و نشان میداد و می‌فرمود این همان پیراهن است از این ماجرا فهمیده می‌شود که باید خاطرات شهیدان و بزرگان را زنده نگهداشت (مستدرک وسایل ۲۶۰/۳)

نکاتی دربارهٔ لباس

۱ — امام علیه السلام فرمود وقتی می‌خواهید لباس نو بپوشید بگوئید خدایا این لباس را لباس تقوی و لباس سلامت و لباسی که در آن تورا عبادت کنم و در مسیر رضای توتلاش کنم قرار بده (مستدرک ۲۶۹/۳)

۲ — امام علیه السلام فرمود لباسهائیان را تمیز نگهدارید که خداوند از افراد کشیف بی‌زار است و بهنگام شب لباسهائیان را تا بزیند لباسهای بیرون را در خانه استفاده نکنید که این خود اسراف است بیشتر از رنگهای روشن استفاده کنید علی (ع) فرمود بهترین رنگ سفید است.

۳ — امام رضا علیه السلام به دعبل شاعر که در حضور مأمون عباسی اشعاری در مدح اهل بیت گفته بود لباسی داد و فرمود در این لباس هزار شب نماز خواندم در هر شبی هزار رکعت (یعنی ۱۰۰۰/۰۰۰)

۴ — در تاریخ پیامبر اسلام و ائمه طاهرين موارد بسیاری مشاهده می‌کنیم که مسلمین به لباس پیامبر و ائمه تبرک می‌جستند پیامبر مادر حضرت علی (ع) را در لباس خود کفن کرد و حضرت خدیجه در عبای رسول الله کفن شد لباس شهید آنقدر قداس است دارد که شهید با آن دفن شده و روز قیامت با کمال افتخار با همان لباس حاضر می‌شود.

۵ — علی علیه السلام فرمود مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ لباس نازک

دین انسان را رقیق و کمرنگ میکند امام صادق علیه السلام فرمود شایسته نیست که زن مسلمان روسری و لباسهای نازک بر تن کند رسول خدا فرمود مرد خانه نباید تحت تاثیر گفته های اهل خانه قرار گرفته و بر ایشان لباس نازک تهیه کند چنین مردی از صورت بر آتش خواهد افتاد.

۶ - فخر فروشی و خودنمایی با لباس از رفتارهای زشت ثروتمندان است امام رضا علیه السلام فرمود هرکس لباس بپوشد تا مباحات کند و جلوه گری نماید خداوند رحمتش را از او قطع می کند.

پیامبر به ابوذر فرمود در آخر زمان مردمانی می آیند که با پوشیدن لباسهای گرانبها بر همدیگر فخر می فروشند نفرین اهل زمین و آسمان بر آنان باد در اسلام پوشیدن لباس مرد برای زن و لباس زن برای مرد حرام است اسلام به شدت از لباس شهرت نهی فرموده یعنی لباسی که وضع استثنایی در دوخت یا رنگ یا جنس آن باشد تا نظرها را بخود جلب کند.

دوست خوب

دوست می‌تواند در انسان تأثیر زیادی بگذارد. تا آن جا که می‌گویند انسانها را از راه دوستان آنها می‌توان شناخت.

در اسلام برای انتخاب دوست دستوراتی آمده است از جمله:

این که امام صادق (ع) فرمود:

«بهترین دوستان من کسی است که عیوب مرا برای من بازگو

کند و مرا به عیب خود آگاه سازد». و نیز فرمود:

«با کسی که اهل نماز نیست دوست نشوید».

آری کسی که از آن همه نعمتهای الهی تشکر نمی‌کند و نماز

نمی‌خواند از دوستیها و خدمتهای توهم بی تفاوت خواهد گذشت.

پس با این گروه نیز نباید دوست باشیم. در قرآن می‌خوانیم که

روز قیامت گروهی دودست خود را به دندان می‌گیرند و از پشیمانی

می‌نالند و می‌گویند:

ای کاش با فلانی دوست نمی‌شدم که او در دنیا ما را گمراه کرد.

از بلاهایی که تنها از راه دوستان به انسان می‌رسد، بلای سیگار

و اعتیاد است. اکثر سیگاریها از راه دوستان خود گرفتار سیگار شده‌اند.

قرآن می‌فرماید:

«مؤمنین با هم برادرند و هرگاه میان دودوست اختلافی پیدا شد باید

برای اصلاح و آشتی همت کنیم».

در حدیث می‌خوانیم که دوست بر گردن دوست خود حقوق زیادی دارد از جمله: که باید به فکر دوست بوده و عیب او را بپوشاند. به او وام بدهد و اگر گرسنه است سیرش کند. اگر مریض است به عیادتش برود. اگر از دنیا رفت نسبت به خانواده‌اش کمال احترام و مهربانی را بنماید.

هر چه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد. برای او همچون آینه باشد که نقاط عیب و ضعف را بدون سر و صدا به خودش بگوید. دعوتش را بپذیرد. اگر مال و مسکن و مرکب و سرمایه‌ای دارد در اختیار دوست فقیرش قرار دهد. اگر از دنیا رفت سر قبر او رفته و برای او خیرات هدیه کند و دهها حق دیگر که اگر مردم انجام دهند، جامعه ما بسیار باصفا و زندگی بسیار شیرین خواهد شد. امام می‌فرماید:

جامعه زمانی به رشد خود می‌رسد که مردم به قدری به هم اطمینان کنند که بتوانند در کیسه یکدیگر دست برده و به مقدار نیاز خود، مالی را بردارند، بدون این که صاحب کیسه نگران باشد.

دید و بازدید دوستان مورد سفارش اسلام است. خداوند به همه ما توفیق عمل به اسلام را عطا فرماید.

ملاک ارزشها در قرآن

هر مکتبی برای خود جهان بینی و چارچوبی دارد و چیزهایی را ارزش و چیزهایی را ضد ارزش میداند قرآن که کتاب نجات بخش انسان است ملاک ارزشها را در موارد ذیل میداند و شخصیت مسلمان را می توان با این ارزشها ارزیابی کرد.

۱ - تقوی: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ**^۱ بزرگوارترین شما

باتقوی ترین شماست

۲ - جهاد: **وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا** خداوند مجاهدان را بر خانه نشستگان برتری داده

۳ - ایمان: **أَقَمْنِ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ**^۳ آیا

مومن با فاسق مساوی است

۴ - علم و آگاهی: **هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ**^۴ آیا کسانی که میدانند با کسانی که نمیدانند مساویند؟

۵ - سابقه: **السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ**^۵ سبقت گیرندگان از مقربان درگاه خداوند

۶ - هجرت: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ**^۶ کسانی که ایمان نیاورده هجرت نکرده اند حق رهبری ندارند.

۷ - گذشت و ایثار: **وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ**^۷ مهاجران در حالیکه خودشان در سختی و فشار بودند دیگران را

بر خود ترجیح میدادند

۱ - حجرات ۱۳. ۲ - نساء ۹۵. ۳ - سجده ۱۸. ۴ - زمر ۹.

۵ - واقعه ۱۰ و ۱۱. ۶ - انفال ۷۲. ۷ - حشر ۹.

دروغ گناهی بزرگ

فطرت انسان مخالف دروغ گفتن است، حتی کودکان از دروغ ناراحت می‌شوند. وقتی به کودک می‌گوئیم بیا این سیب را بگیر اما هنگامیکه آمد او را گول می‌زنیم کودک می‌فهمد که به او دروغ گفته‌ایم لذا عصبانی می‌شود. مطلب جالب اینکه دروغگو همیشه تلاش میکند دروغ خود را راست جلوه دهد.

تمام ادیان آسمانی دروغ را عملی حرام و ناپسند معرفی کرده‌اند. دروغ گناهی ساده است که نیاز به زور، پول، زمان و مکان ندارد.

امام عسکری علیه السلام فرمود اگر همه زشتیها و پلیدیها را در خانه‌ای جمع کنند کلید آن خانه دروغ است.^۱

رسول خدا (ص) فرمود: مومن ممکن است ترسو یا بخیل باشد اما ممکن نیست دروغگو باشد.^۲

شخصی به رسول خدا (ص) عرض کرد به گناهان زیادی آلوده هستم چکنم؟ حضرت فرمود عهد کن دروغ نگوئی او ابتدا فکر کرد راه حل آسانی است اما چون دید دست به هر گناهی که بخواهد بزند با

۱- تحف العقول. ۲- میزان الحکمة ج ۸ ص ۳۴۲.

دروغ همراه است مجبور شد با ترک دروغ همه گناهان را ترک کرده و خود را پاک کند.^۳

چند توصیه:

بیائید تمرین کنیم راست بگوئیم.
بیائید اگر دروغ گفتیم خودمان را جریمه کنیم.
بیائید با دروغگور فیک نشویم.
بیائید اگر دروغی گفتیم فوری توبه کنیم.
بیائید حتی به شوخی هم دروغ نگوئیم.
بیائید عهد کنیم جلو افراد دروغگورا بگیریم.
وبالاخره بیایید باور کنیم که دروغهای کوچک زمینه ساز دروغ های بزرگ است.

آثارِ دروغ

- از آنجا که دروغ گناهی کلیدی و به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام ریشه همه فسادها است توجه به آثار این گناه بزرگ لازم است
- ۱ - نفاق: امام علیه السلام فرمود **الْكَذِبُ يُؤَدِّي إِلَى التِّفَاقِ** دروغ آرام آرام انسان را به دوچهرگی و نفاق می‌کشانند
 - ۲ - بی اعتباری: در جامعه کسی به حرف دروغگو اعتماد نمی‌کند
علی (ع): **لَا خَيْرَ فِي عِلْمِ الْكَذَّابِينَ** (غرالحکم)
 - ۳ - بی حیایی: دروغگو چون آبرویش ریخته دیگر حرمتها را نگه نمیدارد
و شرم نمیکند قال علی (ع): **لَا حَيَاءَ لِكَذَّابٍ**
 - ۴ - بدبینی: دروغگو چون خودش آلوده شده خیال میکند دیگران هم به او دروغ می‌گویند لذا با عینک بدبینی به هم نگاه می‌کنند
 - ۵ - شرمندگی درونی: دروغگو پیوسته در آتش وجدانِ خویش می‌سوزد و در دادگاه وجدان شرمنده است آرامش ندارد دروغ می‌گوید اما ناراحت است
 - ۶ - اضطراب: دروغگو پیوسته در نگرانی است که نکند دروغش افشا شود و آبرویش بریزد در هیجان است که مبادا حرف امروزش با فردا تضاد نداشته باشد قال النبی: **الصِّدْقُ طَمَئِينَةٌ وَالْكَذِبُ رِيَّةٌ**

۷ - تحقیق: گاهی برای تفریح دروغگورا نقل مجلس کرده و او را مسخره میکنند و میگویند دروغی بساز ما بخندیم

۸ - رسوائی: در جامعه رسوائی و افتضاح از آثار دردناک دروغ است
قرآن میفرماید **وَاللّٰهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ** خداوند گروهی را در دنیا و گروهی را در آخرت رسوا کرده و آنچه پنهان میکردند افشا می‌کند بالاخره دروغگورسوا میشود ممکن است چند سال برادران یوسف خیال کنند برنده شده‌اند اما بزودی یوسف را بر تخت وزارت خواهند دید

عوامل دروغگوئی

با خطر گناه دروغ آشنا شدیم در این درس به بررسی انگیزه ها و عوامل دروغگوئی می پردازیم تا با بصیرت درد را شناخته درمان کنیم:

۱ - خجالت نابجا: امام فرمود حیاء دو گونه است حیای عقل و حیای حمق بعضی از حیاهای ریشه عقلانی و انسانی دارد اما بعضی موارد حیا و خجالت ضد عقل است عقل می گوید راست بگو واقع قصه را تعریف کن اما چون خجالت میکشد دروغ میگوید.

۲ - حسادت و کینه: چون حسادت میورزد حقایق و نقاط مثبت را وارونه جلوه میدهد گواهی دروغ علیه رقیب میدهد کمالات او را خنثی میکند برای او عیب تراشی می کند.

۳ - ضعف ایمان: چون خدا را شاهد نمی گیرد و چون توجه ندارد که سخنانش ثبت می شود و فردای قیامت بازخواست می شود لذا دروغ میگوید.

۴ - تبرئه خود: برای توجیه کار و تبرئه خود دروغ میگوید با این جملات آشنا هستیم

درس خوب بود معلم صفرم داد

قدرتم کم نبود دشمن زیاد بود

استعدادم خوب بود کنکور سخت بود

۵ — تفریح و شوخی: بسیاری از موارد دروغ از شوخی شروع می‌شود و

کم کم به جدی کشیده می‌شود بهمین خاطر امامان ما

فرمودند از دروغ پرهیزید چه شوخی چه جدی رسول خدا

فرمود:

وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ فَيَضْحَكُ بِهِ الْقَوْمُ وَيَلُّ لَهُ

وَيْلٌ لَهُ وَيَلُّ لَهُ (نهج الفصاحه / ۳۱۸۹)

وای بر کسیکه در سخنانش دروغ می‌گوید تا جمعی را

بخنداند وای بر او وای بر او وای بر او

۶ — احساس کمبود: احساس کمبود میکند با دروغ می‌خواهد خودش را

بیشتر از آنچه هست جلوه دهد

۷ — طمع در مال و مقام: حساب می‌کند بدون دروغ کارش پیش نمی‌رود

اگر دروغ نگوید مالش، حقوقش، مقامش، درجه‌اش،

نمره‌اش افت می‌کند نمی‌تواند خود را قانع کند لذا دروغ

می‌گوید.

سمرة بن جندب ۴۰۰ هزار درهم گرفت تا دو حدیث را

جابجا کند و آن این بود که گفت آیه مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي

نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ درباره ابن ملجم و آیه وَمِنْ النَّاسِ

مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا

فِي قَلْبِهِ^۲ درباره علی بن ابیطالب^۳ است.

۱ — بقره ۲۰۷. ۲ — بقره ۲۰۴. ۳ — سفینه البحار ج ۱ ص ۶۵۴.

نظافت

جمله **التَّزَافَةُ مِنَ الْايمان** از شعارهائی است که همه مردم با آن آشنا هستند. نظافت جزئی از ايمان است. مومن پاکیزه و تمیز است، چنانچه بهشت جای پاکان و پاکیزگان است. رسول خدا فرمود: **لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا تَظْفِيفٌ**^۱ وارد بهشت نمی‌شوند مگر انسانهای نظیف و پاکیزه. مسلمان باید با بدن و لباس تمیز، موها و دندانهای تمیز و مرتب و بوی خوش و معطر در جامعه حاضر شود. مسلمان مستحب است در حال نماز لباس سفید و تمیز بپوشد. کسی که در تمیز نگهداشتن محیط عبادت (مسجد) تلاش می‌کند محبوب خداست. خداوند به حضرت ابراهیم می‌فرماید با اسماعیل خانه مرا تطهیر کن^۲.

باد و باران، آفتاب و گیاهان همه در سلامت محیط زیست میکوشند. چه زیباست که ما هم خود را با آنها هماهنگ کنیم.

در روایتی آمده: شخصی وارد مسجد شد در حالیکه پاهایش بوی عرق میداد امام باقر علیه السلام به او فرمود: تو با این کارت مردم را از محیط عبادت فراری میدهی. روزی حضرت علی (ع) با لباس مرطوب مشغول خواندن خطبه نماز جمعه شد، بعد از نماز شخصی از حضرت

۱ - میزان الحکمة ج ۱۰ ص ۹۳. ۲ - بقره ۱۲۵.

پرسید: چرا پیراهن شما مرطوب بود؟ حضرت فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم در نماز جمعه با لباس تمیز حاضر شوید و من چون پیراهنم را شسته بودم و فرصت هم کم بود و پیراهن دیگری نداشتم. هنوز خشک نشده پوشیدم. حضرت علی (ع) لباس وصله دار می پوشید اما همیشه تمیز بود. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) را از عطر و لباسش می شناختند. حضرت علی (ع) در تمیز کردن و جارو کردن خانه کمک می کرد حتی اسلام عزیز میفرماید میت را در پارچه ای سفید و نظیف بپیچند اگر تاریخ اروپا را مطالعه کنید ملاحظه می کنید که دویست سال پیش در اروپا حمامی نبوده است و حمام ارمنان مسلمانهاست که به دنیای غرب راه یافته است. اما با کمال تأسف باید گفت امروزه غربی ها در عمل به این دستور مهم اسلامی یعنی نظم و نظافت از ما جلوتر هستند.

نام و نامگذاری

نام، عامل شناخت انسانها از یکدیگر است.
 انتخاب اسم، علامت دید، تفکر، ایده، آرمانها و معیارهاست.
 اسم شعاع و حریم آبروست. در اسلام آنچه درباره آبرو سفارش
 شده درباره اسم هم آمده است.

پیامبر(ص) فرمود: روز قیامت با اسمهایتان فرا خوانده می‌شوید.^۱
 رسول خدا(ص) فرمود: اگر سفیر و قاصدی فرستادید سعی کنید
 نام زیبایی داشته باشد.^۲

نامگذاری گاهی جنبه سیاسی پیدا میکند. در زمان بنی امیه
 معاویه سعی داشت تا نام علی را از خاطره‌ها محو کند لذا امام حسین(ع)
 فرمود: اگر خداوند صد پسر بمن عطا فرماید نام همه را علی خواهم
 گذاشت. امام کاظم(ع) فرمود خداوند هر چه به من دختر بدهد نامشان
 را فاطمه خواهم گذاشت.

امام باقر(ع) فرمود: شیطان از نام محمد و علی متنفر است.^۳
 شخصی از امام صادق(ع) پرسید: ما اسامی شما و پدرانتان را
 برای فرزندان خود انتخاب می‌کنیم آیا برای ما فایده‌ای دارد؟

۱- بحار ج ۱۰۴ ص ۱۳۱ ۲- نهج الفصاحة جمله ۱۲۳ ۳- وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۲۶

حضرت فرمود: بلی والله آیا دین چیزی غیر از حُب و بغض است؟^۴

نام نیک، اثر تربیتی دارد، اثر تلقینی دارد، صاحب نام سعی میکند آن نیکی را در خود ایجاد کند در حدیث می‌خوانیم روز قیامت خداوند به افرادی که نامشان محمد است می‌فرماید: تو همانم حبیب من محمد هستی آیا خجالت نکشیدی گناه کردی؟ رسول خدا (ص) به خلافتکاری که نامش نیک بود تخفیف داد. رسول خدا (ص) با تشکیل حکومت نام اماکن و اشخاص را تغییر میداد یثرب را به مدینه (محل تمدن) و عاصیه (گنهکار) را به آسیه تغییر داد.

مطلب بسیار مهم در نام و نامگذاری رعایت احترام در صدا زدن اشخاص است پیامبر اسلام همه مردم و بخصوص کودکان را با احترام صدا میزد و در زمانه‌ای که بانوان قدر و منزلتی نداشتند میفرمود بانوان را با احترام صدا بزنید قرآن میفرماید ای اهل ایمان همدیگر را بد صدا نزنید لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ^۵

متأسفانه بعضی بدلیل نداشتن تربیت صحیح و یا به انگیزه شوخی یا تحقیر مردم را بد صدا میزنند غافل از اینکه این حرکت تاثیرات نامطلوبی دربر خواهد داشت.

جالب اینجاست که بعضی خودشان مراعات احترام نمی‌کنند ولی انتظار دارند دیگران محترمانه آنان را صدا بزنند حضرت علی (ع) فرمود: دیگران را خوب صدا بزنید تا جواب دلپسند بشنوید أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ^۶

بارها رسول خدا (ص) به مسلمانان فرمودند: خود را شبیه کفار و

۴ - مستدرک ج ۲ ص ۶۱۸. ۵ - حجرات ۱۱. ۶ - کودک فلسفی ج ۲ ص ۱۱۹

بیگانگان نکنید و در لباس و غذا و نام و... اصالت و شخصیت خود را
حفظ کنید. بخاطر بسپارید که نامهای بیگانه موجب رنجش پیامبر اکرم
خواهد شد.

احترام به شخصیت افراد

یکی از اصول تربیتی اسلام احترام به شخصیت و کرامت انسانی افراد است ما همه افراد یک خانواده هستیم و توهین و تحقیر دیگران توهین به ماست با ورود اسلام به جامعه بشری انسان کرامت واقعی خود را پیدا کرد قشرهای ذلیل و توسری خور عزیز شدند پیامبر اسلام (ص) به بانوان، کودکان، محرومان و روستائیان شخصیت میداد و احترام میگذارد قرآن میگوید نام همدیگر را با احترام ببرید و یکدیگر لقب بد ندهید (لا تنابزو باللقاب)^۱.

یکدیگر را مسخره نکنید چه بسا دیگران از شما بهتر باشند.
با همدیگر مشورت کنید حتی ابراهیم بزرگ در یک امر مهم از فرزندش اسماعیل نظرخواهی میکند.
پیامبر در جنگها مشورت میکرد و به رزمندگان شخصیت میداد و به نظر آنان احترام می گذاشت.

در جلسه ای که پیامبر حضور داشت نابینایی فقیر وارد شد بعضی عبوس کرده و او را مورد بی مهری قرار دادند آیه نازل شد عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَانَهُ الْأَعْمَى^۲.

۱- حجرات ۱۱. ۲- عبس ۱.

رسول خدا (ص) میفرماید کودکان را محترمانه صدا بزنید و در بازگشت از جبهه امام حسن و امام حسین را بدوش خود سوار میکرد و به رزمندگان میفرمود کودکان را بر دوش خود سوار کنید .

امام علیه السلام فرمود: **قَالَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ وَلِيًّا فَقَدْ آذَى** **لِمُحَارِبَتِي**^۱ کسی که به بنده ای از بندگان خدا توهین کند به جنگ خدا رفته در اسلام حرمت و ممنوعیت غیبت و عیب جوئی و تهمت در اسلام بخاطر احترام به شخصیت انسانهاست.

امامان ما در کمک به محرومان و فقرا خیلی کریمانه برخورد میکردند امام رضا علیه السلام به مسافر محترمی که پولش گم شده بود فرمود برو ساعتی دیگر بیا و میخواست که حرمتش نگهداشته شود. امام حسین علیه السلام از پشت در به فقیر کمک کرد تا او خجالت نکشد.

امام مجتبی (ع) بدعوت بردگان پاسخ گفته بر سر سفره ساده آنان نشست و با آنان هم غذا شد آنگاه آنانرا به منزل خویش دعوت کرد. پیامبر میفرمود عرب و عجم، سفید و سیاه، فقیر و غنی یکی هستند ملاک امتیاز به تقواست.

امام صادق علیه السلام فرمود اگر کسی مسلمانی را بخاطر فقرش تحقیر کند مورد خشم پروردگار قرار خواهد گرفت مگر اینکه جبران کند رسول خدا به کسانی که اهل ایمان را تحقیر میکنند هشدار داد که خداوند روز قیامت تلافی کرده و آنها را افتضاح می کند.

روزی که رسول خدا (ص) وارد شهر مدینه شد افراد زیادی بودند که افتخار میزبانی آنحضرت را داشتند اما حضرت فرمود هر جا که شتر من

بخوابد در همان خانه اقامت خواهم کرد و شتر بدرِ خانهٔ محقرِ مردی فقیر
بنام ابویوب انصاری خوابید و پیامبر با این کارش به تمام محرومان و
مستضعفان جامعهٔ بشری پیام داد که جای من در خانه شماست امید من
دست و بازوی شماست و افتخار من این است که منم مانند شما زندگی
ساده دارم.

سلمان فارسی

سلمان فارسی اهل روستایی در اطراف اصفهان می‌باشد و نامش قبل از اینکه مسلمان شود «روزبه» بود. او اول به دین مسیحیت ایمان آورد و پس از آشنایی با اسلام مسلمان شد. حضرت محمد (ص) درباره او می‌فرمایند:

«سلمان از اهل بیت ماست».

سلمان مردی تیزهوش و خوش فکر بود. ابتکار او در جنگ خندق، مسلمانان را از خطری بزرگ نجات داد. زیرا به پیشنهاد سلمان برای مقابله با دشمن دور شهر را خندق کردند و دشمن نتوانست از این خندق عبور کند و مسلمانان پیروز شدند.

سلمان فارسی بعد از وفات رسول خدا (ص) تمام سعی و کوشش خود را در یاری امیرالمؤمنین علی (ع) به کار برد و پس از فتح ایران، به سفارش علی (ع) حکومت مدائن را پذیرفت.

وقتی مردم مدائن فهمیدند که استاندار جدید سلمان فارسی یار نزدیک پیامبر (ص) است بسیار خوشحال شدند و مراسم پرشکوهی برای استقبال از او ترتیب دادند. سلمان سوار بر الاغی بسیار ساده وارد شهر شد! هیچکس او را نشناخت حتی از او پرسیدند:

ای پیرمرد آیا تود راه استاندار و همراهانش را ندیدی؟

سلمان وقتی که فهمید اینها برای استقبال از او آمده‌اند گفت اگر سلمان را می‌خواهید که برای خدمتگزاری به شما آمده خود من هستم. مردم از این همه سادگی شگفت زده شده بودند.

سلمان در خانه‌ای ساده ساکن شد و با سادگی زندگی می‌کرد و در خدمت مردم بود. سرانجام پس از یک عمر طولانی (در حدود ۲۵۰ سال) به رحمت خدا رفت.

منزلت و مقام سلمان آن قدر بود که امیرالمؤمنین (ع) از کوفه به مداین آمد تا بر بدن او نماز بخواند و او را با دست خویش به خاک سپرد.

در پایان شش وصیت پیامبر (ص) به سلمان را ذکر می‌کنیم:

۱ — همیشه در زندگی به آدمهای پایین‌تر از خودت نگاه کن و به آدمهای بالاتر از خودت حسودی مکن.

۲ — به فقیرها مهربانی کن و آنها را دوست داشته باش.

۳ — همیشه حرف حق را بگو اگر چه شنونده ناراحت شود.

۴ — همیشه به دیدن اقوام و آشنایان برو اگر چه آنها به دیدن تو

نیایند.

۵ — از کسی گدایی مکن.

۶ — این جمله را زیاد بخوان (لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ).

مشورت

انسان موجودی است اجتماعی مشکلاتش متنوع و نیازهایش نامحدود است و ناچار است از فکر و نظر دیگران استفاده کند در حدیثی می‌خوانیم مردم سه دسته هستند انسان، نیمه انسان و غیرانسان. انسان کسی است که هم فکر میکند و هم با دیگران مشورت مینماید، نیمه انسان کسی است که فکر میکند اما مشورت ندارد، غیرانسان کسی است که نه فکر و نه مشورت میکند.

اسلام به مسئله مشورت بسیار اهمیت میدهد و مسلمانان را چه در شرائط مکه و خفقان طاغوتی و چه در زمانی که در مدینه حکومت تشکیل داده بودند به مشورت توصیه میکند چنانچه آیه **وَأَفْرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ**^۱ در مکه و آیه **وَلِشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ**^۲ در مدینه نازل شد در روایات ما آثار و فوائد زیادی برای مشورت بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ — ضریب خطا را کم می‌کند قال علی (ع): **مَنْ عَرَفَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا**^۳ کسی که با نظریه‌های گوناگون آشنا شود به اشتباهات خود پی خواهد برد.

۲ — استعدادها را شکوفا میکند

پدر و مادری که از فرزندانش نظرخواهی میکند، معلمی که

۱ — شوری ۳۸. ۲ — آل عمران ۱۵۹. ۳ — کتاب شوری از جناب آقای استادی

با شاگردانش مشورت می‌کند، مدیری که با کارمندان
گفتگو میکند زمینه شکوفایی آنان را فراهم می‌نماید و آنها
خود را برای پاسخگویی به سؤالات بعدی آماده می‌کنند.

۳ — جلو استبداد را میگیرد

زیرا تک‌روی خودبینی را بدنبال خواهد داشت و پایان
خودبینی غرور مستی و استبداد رأی است مشورت برای
خود مشورت کننده اثر تربیتی دارد.

۴ — جلو حسادتها و ملامتها را می‌گیرد

اگر در اثر مشورت با شخصی کامیاب شدیم حسود نداریم
چون مردم موفقیت ما را از خودشان میدانند، من به او گفتم
چنین کند، ترقی او از فکر من است و چون از فکر خودش
میداند حسد نمی‌ورزد همانگونه که پدر به کمال فرزند
حسد ندارد و در صورتی که شکست بخوریم ما را ملامت
نمی‌کنند چون می‌گویند بیچاره با من هم مشورت کرد.

۵ — امداد الهی را بدنبال دارد چون یدالله مع الجماعة

۶ — طرح و برنامه جامع می‌کند علی (ع) فرمود: مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَ
فِي عُقُولِهِمْ هر که با مردم مشورت کند در فکر و اندیشه
آنها سهیم می‌شود.

۷ — عامل شخصیت دادن است

ممکن است در مشورت مطلبی جدید بدست نیاوریم اما به
افراد شخصیت داده‌ایم.

۸ — وسیله شناخت مردم است

با مشورت بخوبی می‌توان درجه علمی و فکری و قدرت

۱ — کتاب شوری نوشته جناب آقای استادی

اجرائی افراد را شناخت.

مشورت کننده لازم است با هرکس مشورت نکند بلکه از افراد عاقل و دیندار و باتقوی و باتجربه استفاده کند. مشاور را متهم نکند، اطلاعات کافی در اختیار او بگذارد و با افراد کارشناس و دلسوز مشورت کند. مشورت شونده هم لازم است رازدار باشد و اگر در موضوع مورد نظر اطلاعی ندارد با صداقت بگوید و خیانت نکند و نظریه خلاف شرعی ندهد زیرا **شَرُّ الْأَرْاءِ مَا خَالَفَ الشَّرِيعَةَ** بدترین نظریه ها نظری است که مخالف دین باشد.

کودک

اسلام به کودک بسیار احترام می‌گذارد. لقمان بزرگ به پسر خود می‌فرماید: پسر من نماز بخوان و در میان مردم، خوبیها را تشویق کن و از فسادها جلوگیری نما.

حضرت ابراهیم (ع) که حدود صد سال داشت با فرزند نوجوان خود در ساختن کعبه همکاری کرد.

پیامبر اسلام (ص) همین که خواست به کافران نفرین کند، کودکان خود را نیز همراه خود برد.

رسول خدا (ص) فرمود: هرکس در خانه کودک دارد، باید خودش را همچون کودک کند و بازیهای کودکانه و زبان کودک را یاد بگیرد. کودک نیاز به محبت دارد و پدر و مادر حق ندارند میان کودکان خود فرقی بگذارند. پیامبر اسلام (ص) نام کودکان را با احترام می‌برد.

اگر کودکی خلاف کرد، نباید او را کتک زد. کتک زدن کودک را پررو می‌کند لیکن تأدیب اشکال ندارد. اسلام می‌فرماید:

کودکان خود را قبل از بلوغ به نماز وادار کنید و هنگام کمک به فقرا با دست کودکان اتفاق کنید تا کمک به مردم را فراگیرند.

کودک یتیم احترام بیشتری دارد و کودکانی که از خانواده شهدا هستند نیز بیش از همه باید مورد احترام قرار گیرند.

پیامبر اسلام (ص) به کودکان سلام می‌کردند. گاهی از بالای منبر پایین می‌آمدند و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را که در آن روزها کودک بودند، در بغل می‌گرفتند و روی زانوی خود می‌نشاندند. در میان کودکان، احترام دختران کوچک از پسران لازم‌تر است. اگر چیزی خریداری کردیم و به خانه آوردیم، باید اول به دختران بدهیم بعد به پسران. .

کودکان هشت سال به بالا دختر یا پسر هرکدام باید در رختخواب جداگانه بخوابند. اگر پدر و مادر در بعضی مسائل اختلاف داشتند، نباید در برابر کودکان، در خانه مطرح نمایند.

چنانچه کودکی خلاقی داشت والدین برای مدت کمی (یک یا چند ساعت) فقط با او قهر نمایند. ولی نباید این عمل طول بکشد. محبت و تشویق کودک باید به مقدار معمول باشد تا کودکان لوس و مغرور نشوند و از سوی دیگر دچار کمبود مهر و محبت نشوند.

کودک امانتی است که از طرف خداوند نزد ماست ما باید سعی کنیم که در این امانت خیانت نکنیم.

مؤمن آینه مؤمن است

امامان ما گاهی در قالب یک مثال و تشبیه به اندازه یک کتاب با ما حرف زده اند حدیث زیبایی است از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود:
الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ نکاتی جالب از این حدیث استفاده می شود که حاوی آئین دوست یابی است:

- ۱ — آینه عیب و ایراد و آلودگیها را نشان میدهد مومن هم باید عیب برادرش را بگوید و ترس و خجالت و... مانع نشود.
- ۲ — آینه در کنار عیبها زیباییها را هم نشان میدهد مومن هم باید در کنار نقاط منفی نقاط مثبت را هم مطرح کند.
- ۳ — آینه عیب را روبرو میگوید مومن هم نباید غیبت کند بلکه به خود شخص بگوید.

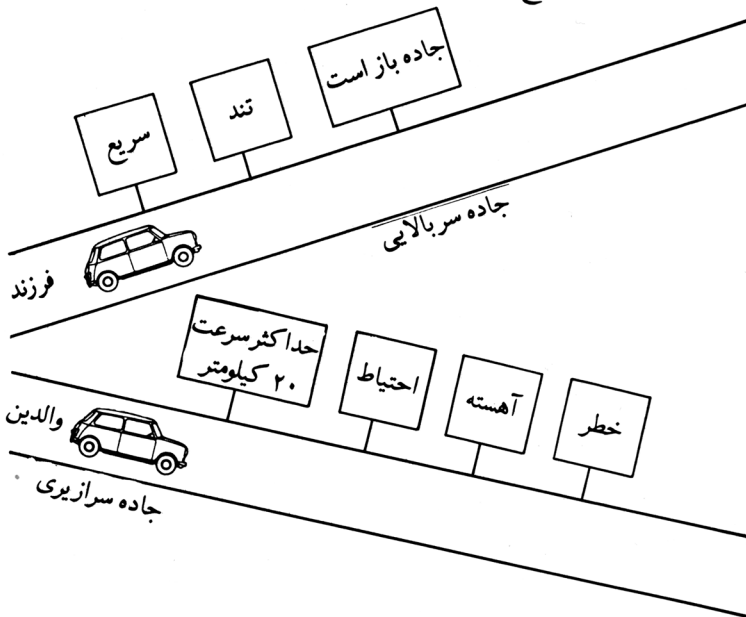
دوست دارم که دوست عیب مرا همچو آئینه روبرو گوید
 نه چنان شانه با هزار زبان پشت سر رفته موبمو گوید
 ۴ — آینه عیب را بزرگ نمیکند به همان اندازه که هست نشان میدهد مومن هم باید انصاف داشته باشد عیب برادرش را بزرگ نکند
 ۵ — آینه عیب را بی سروصدا می گوید مومن هم باید آرام بدون اینکه داد و فریاد کرده و آبروریزی کند برادرانه عیب برادرش را مطرح کند

- ۶ — آینه بخاطر صاف بودنش عیب را می‌گوید مومن هم باید از روی صفا و صمیمیت نه کینه انتقاد کند
- ۷ — برای آینه همهٔ مردم یکسان هستند برای او تفاوتی ندارد شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد، صاحب مقام و ثروت و... مومن هم نباید تحت تاثیر شخصیت افراد قرار گیرد بلکه باید بخاطر خدا انتقاد کند.
- ۸ — اگر آینه را بشکنند هر قطعه‌ای از آینه‌های شکسته کار خودش را می‌کند دست‌بردار نیست. مومن هم هر چه تحت فشار قرار گیرد ساکت نمی‌شود و انتقاد خود را می‌کند.
- ۹ — اگر روی آینه گرد و غبار بنشیند دیگر عیب را نشان نمیدهد مومن هم اگر خودش آلوده باشد حرفش اثر ندارد.
- ۱۰ — ما از مقابل آینه راضی برمی‌گردیم هیچ وقت از آینه ناراحت و عصبانی نمی‌شویم لذت می‌بریم که عیب ما را گفت و جلورسوایی ما را گرفت مومن هم وقتی عیب ما را گفت نباید از او رنجیده شویم.

شیوه تربیتی قرآن

سؤال: چرا قرآن مکرر به فرزندان می‌گوید به پدر و مادر احسان کنید اما به والدین کمتر سفارش میکند که به فرزندان احسان کنند

پاسخ: در جاده سراسیمگی با فاصله‌های خیلی کم تابلوهای احتیاط نصب می‌کنند اما در جاده‌های سربلندی موانع را برداشته و راننده را تشویق به رفتن سریع و رسیدن به مقصد میکنند



والدین چون بطور اتوماتیک و طبیعی به فرزند علاقه دارند نیازی به سفارش ندارند او در جاده ای قرار گرفته که ممکن است لیز شود پرت شود در دره سقوط کند لذا قرآن به پدر و مادرها می گوید مواظب باشید بچه ها شما را از یاد خدا غافل نکنند نکند بخاطر آنان دست بخلاف بزنید آهای آهسته! خودت را هلاک نکن احتیاط! نکند بخاطر فرزند جهنمی شوی

اما در مورد فرزندان سفارش می کند مکرر سفارش می کند با تاکید سفارش می کند

پنج بار در قرآن فرموده و بالوالدین احسانا^۱ و در تمام موارد از عبادت خدا و دوری از شرک این مسئله ذکر شده خود خداوند سفارش فرموده و وصینا الانسان ناراضی کردن والدین را خطرناک توصیف کرده در روایات می خوانیم کسیکه والدین از او ناراضی است نمازش مقبول نیست و از رحمت خدا بدور است.

۱ - بقره ۸۳ و نساء ۳۶ و انعام ۱۵۱ و اسراء ۲۳ و احقاف ۱۵.

چند خاطره از معلم و شاگرد

۱ — مردی از ۶۰۰ کیلومتری بدیدن شهید رجائی آمد گفتند کارش زیاد است، فرصت ندارد ساعتها نشست تا اینکه آقای نخست وزیر از اطاق بیرون آمد مرد دستِ رجائی را بوسید و گفت این ادای دینی بود به معلمی که بسیار چیزها را بمن آموخته بود و من این راه طولانی را فقط برای همین کار آمدم (مجله حوزه ۱۶)

۲ — شهید مطهری وقتی نام اساتیدِ خود را می برد با احترام و تعظیم بسیار زیاد همراه می ساخت مثلاً وقتی بنام علامه طباطبائی میرسید می گفت روحی له الفداء جانم فدایش باد و در مورد استاد دیگرش میرزا علی آقا شیرازی میگوید شب و روزی نیست که خاطره اش در نظرم مجسم نگردد و از وی یاد نکنم (جلوه های استاد)

۳ — سیدرضی گردآورنده نهج البلاغه استادی داشت غیرمسلمان وقتی این استاد از دنیا رفت در قبرستان غیرمسلمانها دفنش کردند هر وقت سیدرضی از این قبرستان عبور میکرد از اسب پیاده می شد و تا آخر قبرستان به احترام استاد پیاده میرفت بعد سوار میشد علت اینکار را پرسیدند فرمود: آخر معلم من در این قبرستان خوابیده است

۴ — شخصی خدمت امام سجاد رسید و گفت این مرد پدرم را کشته و من می خواهم قصاص کنم قاتل هم به قتل اعتراف کرد حضرت

فرمود می‌توانی قصاص کنی اما بگو ببینم آیا این مرد تابحال به تو خدمتی نکرده، که بجای قصاص دیه بگیری عرض کرد فقط چند روزی بمن درس داده حضرت فرمود چه می‌گویی؟ حق ارشاد بیش از خون ارزش دارد او هم از قصاص گذشت و نوبت دیه رسید قاتل توانایی نداشت صد شتر بدهد امام فرمود حاضری ثواب هدایت و ارشادت را بمن بدهی و من صد شتر بجای تو بدهم او گفت: اگر فردای قیامت مقتول جلو مرا بگیرد هیچ توشه‌ای غیر از این درس دادن ندارم امام به خانواده مقتول فرمود اگر از او بگذری روایتی از پیامبر برایتان می‌خوانم که از همه دنیا برای هردو شما با ارزش تر باشد او هم از حق خود بخشید (آقای مشکینی / نماز جمعه ۶۶/۸/۱)

۵ — به اسکندر گفتند چرا معلم را بیش از پدرت تعظیم می‌کنی گفت چون پدر مرا از عالم ملکوت به زمین آورد و معلم مرا از زمین به آسمان میبرد (کشکول شیخ بهائی)

۶ — ابن سینا در سن ۲۰ سالگی تمام علوم زمان خود را فرا گرفته بود روزی به مجلس درس ابن مسکویه حاضر شد و با کمال غرور گردویی را جلو استاد گذاشته و گفت مساحت این گردو را حساب کن استاد جزوه‌ای در علم اخلاق جلو ابن سینا گذاشت و گفت تاول اخلاق خود را اصلاح کن تا من مساحت گردو را حساب کنم (داستان راستان)

۷ — آخوند خراسانی ۱۲۰۰ شاگرد داشت که ۵۰۰ نفر از آنان مجتهد بودند یکی از شاگردان جوانش آیت الله بروجردی بود روزی ابن شاگرد جوان به حرف استاد اشکال کرد استاد گفت یکبار دیگر بگو آقای بروجردی حرف خود را تکرار کرد استاد فهمید که حرف شاگرد درست است گفت: الحمد لله که نمردم و از شاگرد خود استفاده کردم (حماسه حسینی ۲۹۸/۱)

اسلام مكتب اعتدال

با نگاهی به مردم می‌توان انسانها را به چند دسته تقسیم نمود:
 بعضی در دنیا غرقند و از آخرت غافل مانده‌اند.
 برخی در نماز و دعا و مسجد محو شده‌اند و از تفریح و زندگی
 خانوادگی منزجرند.
 بعضی در کتاب و کتابخانه خلاصه شده‌اند و از عبادت و
 سیاست بی‌خبرند.
 گروهی با ورزش آمیخته‌اند و با درس و عبادت و سیاست
 بیگانه.

اما اسلام عزیز به تمام ابعاد زندگی توجه دارد. به این نمونه‌ها
 توجه کنید:

۱ — هم رابطه با خدا، هم رابطه با مردم: **أَقِمْ الصَّلَاةَ وَ
 آتِ الزَّكَاةَ**^۱

۲ — هم ایمان، هم عمل: **آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**^۲
 ۳ — هم دعا، هم شمشیر: **رُحِبَّانُ بِاللَّيْلِ أُسَدُّ بِالنَّهَارِ**^۳
 (عبادت کنندگان شب و شیران روز)

۴ — هم تویی، هم تبری: **اَشْدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ**^۴
 ۵ — هم اجتماع، هم خانواده: **وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ**

۱ — بقره ۴۳. ۲ — بقره ۲۵. ۳ — نهج البلاغه خطبه هفتم ۴ — فتح ۲۹.

آهله

۶ - هم احسان بوالدین، هم تسلیم خدا: وبالوالدین احسانا...
وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ لِتْشُرِكَ بِی مَا لَیْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ بِهِ
پدر و مادر نیکی کنید و اگر خواستند شما را به شرک دعوت کنند از آنها
اطاعت نکنید

انزواطلبی (گوشه گیری)

انسان فطرتاً اجتماعی است و همیشه دوست دارد با اجتماع بجوشد اسلام هم مردم را به حضور در صحنه های اجتماعی تشویق کرده است نمونه های آنرا در سفارشات اسلام به مسافرت، انتخاب دوست، دید و بازدید و صله رحم، امر بمعروف و نهی از منکر، ارشاد و تعلیم و تربیت و... می توان مشاهده کرد.

در قرآن می خوانیم که خداوند به پیامبرش میفرماید چرا از بهره ورهای حلال (مثل تفریح، غذا، همسر و...) دوری میکنی.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ^۱

همینکه رسول خدا (ص) شنید گروهی از ترس جهنم ترک دنیا کرده اند در حالیکه عباى حضرت روی زمین کشیده می شد به مسجد آمده بر منبر رفته و فرمودند برای چه بعضی از اصحاب من گوشت نمی خورند و از عطر استفاده نمی کنند و نسبت به همسران خود بی رغبت هستند: مَا بَالِ اقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا يَشْمُونَ الطِّيبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ^۲.

اسلام سهمی را برای تالیف قلوب غیرمسلمانها قرار داده تا آنها را

۱- تحریم ۱. ۲- وسایل ج ۱۴ ص ۷۴.

به اسلام جذب کند اسلام از مسافرت تنهایی، غذا خوردن تنهایی، خوابیدن تنهایی نهی میکند عن النبی (ص): لَعَنَ اللَّهُ الْآكِلَ وَخَدَّهُ وَ التَّائِمُ فِي الْبَيْتِ وَخَدَّهُ وَالزَّاكِبُ فِي الْفَلَاةِ وَخَدَّهُ^۳.

گوشه گیری زمینه ساز بدبینی، تبلی، خمودگی، غرور و خاموش شدن استعدادهاست.

گوشه گیری زمینه سازی تفاوتی نسبت به مفاسد اجتماعی و دردهای مردم و ترک امر بمعروف و نهی از منکر است.

گوشه گیری سبب محروم شدن از افکار و تجربیات دیگران و عقب افتادن از قافله و دانش بشری است.

نتیجه گوشه گیری پیدا شدن تفکر جدایی دین از دنیا و سیاست از دیانت است.

با یک بررسی کوتاه می توانیم خفقان، فساد اجتماعی، شکست در زندگی، اختلافات خانوادگی، کمبود محبت، فرار از مسئولیت، تحقیر و بی توجهی به شخصیت انسانها را از عوامل گوشه گیری به شمار آوریم.

ما می توانیم با شخصیت دادن و احترام گذاشتن، با مشورت و شنیدن نظریات دیگران، با تشویق و قبول عذر خطا کاران با قبول پیشنهادات با مسئولیت دادن به جوانان و با برخورد های عادلانه افراد گوشه گیر جامعه را نجات داده به آغوش گرم اجتماع برگردانیم.

لازم به تذکر است که اولاً گاهی گوشه گیری و فاصله گرفتن شایسته است مثل کناره گیری از دوستان ناباب و مجالس نامناسب قرآن بارها میفرماید **أَعْرِضْ عَنْهُمْ**^۴ از فاسدها کناره گیری کن.

مطلب دوم اینکه برای ارزیابی رفتار و عملکرد گذشته خودمان و

توبه و جبران گذشته‌ها و تصمیم‌گیری برای آینده و خودسازی گاهی لازم است در خود فرو رفته و برای مدتی کوتاه از جامعه کناره‌گیری کرده و مجدداً به جمع برگردیم.

عزم و اراده قوی

گاهی یک ناراحتی مختصر اساس افکار و برنامه های ما را درهم می ریزد، یک حادثه تلخ یک شکست در تحصیل یا شغل ما را عقده ای میکند در تاریخ نام کسان زیادی می درخشد که با استفاده از عزم و اراده خود بر کوه مشکلات سوار شده و ندای پیروزی سر دادند ما به چند نمونه از آن اشاره می کنیم.

۱ — مصعب نوجوانی زیبا از خانواده ای ثروتمند بود وقتی مسلمان شد با مخالفت شدید پدر و مادرش روبرو شد مصعب میدانست اگر مقاومت کند از غذای مطبوع و لباس شیک و رفاه زندگی محروم خواهد شد اما با اراده ای آهنین از خانه فرار کرد و نزد رسول خدا آمد، حضرت او را بعنوان نماینده خود به مدینه فرستاد تا مردم را به اسلام دعوت کند تاریخ میگوید مصعب خانه به خانه میرفت و بذریعای ایمان را در دل خانواده ها می پاشید بطوریکه بیشتر مردم مدینه بدست او مسلمان شدند و قرآن آموختند مصعب افتخار برگزاری اولین نماز جمعه را در تاریخ اسلام دارد او از سرداران رشید اسلام است پس از پیروزی جنگ بدر افتخار فرماندهی و پرچمداری جنگ احد را داشت در همین جنگ بود که دودستش قطع شده به لقاء حضرت حق پرواز کرد.

۲ — حضرت یوسف نوجوان پاکدامنی که بدست برادران حسود

خود در چاه افتاد. اما در ته چاه مایوس نشده به لطف پروردگار امیدوار بود خداوند هم اسباب نجات او را فراهم کرده گروه نجات رسیدند و یوسف را به شهر مصر بردند در اولین روزها به کاخ عزیز مصر راه یافت در ناز و نعمت می‌زیست و مورد احترام همه بود اما خودش را نباخت وقتی صحنه گناه پیش آمد تصمیم گرفت پاک بماند. بهمین سبب مورد تهمت قرار گرفت و بزندان افتاد. یوسف در زندان با اراده‌ای محکم مشغول به تربیت و ارشاد زندانیان شد بی گناهیش ثابت شده و از زندان آزاد و بعنوان وزیر خزانه داری مصر برگزیده شد.

۳ — حنظله جوانی مومن بود که پدرش از رهبران مشرکین بود با دختری پاکدامن ازدواج کرد که پدرش رهبر منافقین مدینه بود این زن و شوهر جوان تصمیم گرفتند که تحت تاثیر خانواده‌های خود قرار نگیرند و در این راه مقاومت بسیار کردند سرانجام حنظله در جنگ احد قهرمانانه جنگید و به شهادت رسید و همسرش با کمال افتخار در خط اسلام باقی ماند و فرزندی غیر تربیت کرد که در مقاومت مردم مدینه درخشید

۴ — آسیه از زنان قهرمانی است که قرآن مجید او را بعنوان الگو و اسوه اهل ایمان معرفی میکند^۱ همه امکانات رفاهی برایش فراهم بود از طرفی جاسوسان فرعون همه جا را تحت نظر داشتند اما این زن قهرمان با اراده خود راه ایمان را انتخاب کرده و بر این راه استقامت کرد تا اینکه بطرز فجیعی به شهادت رسید.

۵ — حتماً نام شیخ طوسی بنیانگذار حوزه علمیة نجف را شنیده‌اید ابتدا مرکز فعالیت او در شهر بغداد بود دانشگاه و کتابخانه بزرگی در بغداد داشت که با حمله مغولها با خاک یکسان شد شیخ شبانه از بغداد فرار

کرد و به نجف آمد و بدون اینکه این حادثه بزرگ در روح او تأثیری بگذارد با سرعت و دست خالی حوزه علمی نجف را بنیان گذاشت پس می‌شود گفت حوزه هزارساله نجف اشرف مرهون اراده قوی دانشمندی شکست خورده غریب و بی چیز است.

۶ — با مطالعه سرگذشت مخترعان و مکتشفان به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر آنان در فقر و سختی بسر می‌بردند و بدون داشتن امکانات چشمگیر بخاطر داشتن اراده‌ای قوی قُلل رفیع علم و دانش را فتح کرده‌اند.

۷ — رُشید هجری از یاران امیرالمومنین است که دستها و پاهایش بدستور حجاج بن یوسف قطع شد مردم در حالیکه می‌گریستند به عیادت رُشید آمدند این قهرمان با اراده در آن حالت به مردم گفت به جای گریه کردن قلم و کاغذی بیاورید تا حدیثی از علی (ع) برایتان بگویم.

دشنام

دین اسلام براساس کرامت و شخصیتِ انسان بنیان گذاری شده و نشانهٔ مسلمان ادبِ اوست رسولِ خدا فرمود بهشت بر کسی که دشنام میدهد و شرم نمی‌کند که چه کلامی میگوید حرام است پیامبر ما فرمود: بدترین مردم کسانی هستند که مردم با آنان رفت و آمد نمی‌کنند چون بددهن و فحاش هستند **إِنَّ مِنْ شَرِّارِ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالِسْتَهُ بِفُحْشِيهِ** (کافی)

پیامبر فرمود دین من دین محبت و برادری است به مردم دشنام ندهید چرا که عداوت و کینه زیاد می‌شود و تار و پود جامعه اسلامی از هم می‌پاشد.

حضرت علی (ع) در جنگ صفین به سربازانش فرمود من ناراحت هستم از اینکه شما به معاویه دشنام بدهید سرباز علی نباید دشنام بدهد شما بجای دشنام حقایق را بگوئید جنایات معاویه را برملا کنید این بهتر است حتی قرآن میگوید به بت پرستان دشنام ندهید چون بت پرستان هم متقابلاً به مقدسات شما توهین میکنند از نظر اسلام کسیکه دشنام میدهد و یا نسبت ناروا می‌دهد باید تنبیه شود گرچه به تکلیف نرسیده باشد کیسهٔ پول یکی از حاجیان گم شده بود امام صادق علیه السلام در حال نماز بود گریبانِ امام را گرفته و گفت کیسهٔ پولم را تو برداشته‌ای امام او

را به خانه برد و هزار دینار به او داده وقتی مرد به خانه اش رفت دید اشتباه کرده و کیسه پول در خانه است خدمت حضرت رسید عذرخواهی کرد امام بدون اینکه خاطره داخل مسجد را یادآوری کند پولها را به او بخشید و با این برخورد آن مرد را شرمندہ کرد.

شخصی بی ادب در نامه ای به خواجه نصیرالدین طوسی جسارت کرده و نوشته بود ای سگ پسر سگ خواجه با کمال بزرگواری در جواب نوشت تو در نامه ات مرا به سگ خطاب کردی در حالیکه سگ چهار پا است و من دو پا دارم او بدنش از پشم پوشیده است و بدن من مودارد او فاقد قوه ناطقه است و من ناطق هستم پس تو اشتباه نوشته ای.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به غلامش فحش مادر داد امام با شدت به او اعتراض کرد عرض کرد ای پسر رسول خدا مادر غلام من هندی و بت پرست است حضرت فرمود انسان که هست تو چرا بخود اجازه دادی به انسانی فحش بدهی و امام صادق علیه السلام بخاطر همین یک فحش با او قطع رابطه کرد.

دو نفر به هم فحش میدادند امام کاظم علیه السلام فرمود اَلْبَادِي مِنْهُمَا أَظْلَمُ وَوِزْرُهُ وَوِزْرُ صَاحِبِهِ عَلَيْهِ.

شروع کننده ستمکارتر و جرمش بیشتر است.

قرآن میفرماید خردمندان بگونه ای هستند که اگر کسی کلام جاهلانه ای به آنان گفت آنها با بزرگواری سکوت کرده و میگذرند.

استقامت بر هدف

حیات واقعی ترکیبی از عقیده و جهاد است انسان بی عقیده و مسلمان بی تحرک مرده هست شخصیت انسان به این است که خط فکری صحیحی پیدا کند و از این عقیده تا پای جان حمایت کند و از نیش و نوشها نهراسد. در پایان سوره مطفّفین می خوانیم که مجرمین ۴ نوع برخورد با مؤمنین دارند و مؤمنین در مقابل همه آنها صبر میکنند.

۱ - إِنَّ الَّذِينَ آجَرُوا كَأَنُومًا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ مجرمین

به مؤمنین می خندند.

۲ - وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ وقتی از کنار مومنین میگذرند

چشمک میزنند.

۳ - وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِم انْقَلَبُوا فَكِهِينَ در جلسات

خودشان برای اهل ایمان فکاهی می گویند.

۴ - وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ وقتی مومنین را

می بینند می گویند اینها راه را گم کرده اند منحرفند، عقب مانده اند، مرتجعند.

اما مؤمنین نه تنها تحت تاثیر جوسازی و سم پاشی آنان قرار

نمی گیرند بلکه با اراده و استقامت و استمداد از خداوند بر راه خود

ثابت قدم می‌مانند قرآن می‌فرماید روز قیامت مومنین در حالیکه بر تختها
تکیه زده‌اند جایگاه سخت کافران را می‌بینند و به آنان می‌خندند **فَالْيَوْمَ**
الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ .

از مسائل مهم غافل نشویم

انسان موجودی فراموشکار است. گاهی از مسائل مهم و حیاتی غافل شده، در معرض هلاکت قرار میگیرد در این درس با استفاده از قرآن نگاهی داریم به این مسائل تا با یادآوری آنها سعادت آینده خود را تضمین کنیم.

۱ — انسان خدا را فراموش می‌کند: **نَسُوا اللَّهَ**^۱ و از اینکه این جهان آفریننده‌ای دارد که بر اعمال او نظارت دارد غافل می‌شود در نتیجه این غفلت به گناه کشیده می‌شود اگر ما ایمان بخدا را در خود تقویت کنیم و پیوسته با نماز و ذکر و دعا به یاد خدا باشیم دست ما به گناه آلوده نخواهد شد.

۲ — انسان جهان آخرت را فراموش می‌کند: **نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ**^۲ روز حسابرسی، روز دادگاه عدل الهی، روز بررسی ریز و درشت اعمال روزی که بیش از هزار آیه قرآن بر حتمی بودن آن تصریح دارد آری انسان از چنین روزی غافل می‌شود و به قول قرآن حساب مردم نزدیک است اما هیچ توجهی ندارند و در غفلت به سر می‌برند **لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ عَنْهَا مُمْرِضُونَ**^۳ رسول خدا (ص) فرمود یاد مرگ و تلاوت قرآن

۳ — انبیاء ۱.

۲ — ص ۲۶.

نه ۶۷.

قلب را جلا می‌دهد.

۳ — انسان خودش را فراموش می‌کند **تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ** ^۴ از قدر و منزلت خویش، از شخصیت گرانبهای خویش از مسئولیت بزرگی که خداوند بدوش او گذاشته غافل می‌شود هدفش را گم می‌کند زندگی را در خوراک و پوشاک و شغل و مسکن خلاصه می‌کند بهمین منظور حضرت موسی بن جعفر (ع) ما را تشویق می‌کند که وضعیت خود را بررسی کنیم بزرگان اخلاق کتابهایی در زمینه محاسبه النفس یعنی حسابگری خود نوشته‌اند به امید اینکه در گرداب غفلت غرق نشویم.

۴ — انسان تذکرات مصلحان و خیراندیشان را فراموش می‌کند: **نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ** ^۵ بی‌اعتنایی به تذکرات اولیاء خدا و فراموش کردن آنها قلب انسان را سخت و روح انسان را کدر می‌کند.

درمانی که قرآن برای تمام این غفلتها پیشنهاد می‌کند توجه و ذکر خداست و بالاترین ذکر نماز است **اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِهِ** ^۶.

در غذای خود دقت کنید

در این درس نکاتی درباره آیه **فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ** که از تفاسیر و محققان استفاده شده تقدیم می‌شود:

- ۱ — نگاه کن لقمه‌ای که می‌خوری حلال است یا حرام
- ۲ — نگاه کن چه نیروهائی بکار افتاده تا این غذا سر سفره‌ت حاضر شده؟

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا توانائی بکف آری و بغفلت نخوری

- ۳ — نگاه کن چگونه این غذا در بدن تبدیل به گوشت و پوست و استخوان و مو... می‌شود.

- ۴ — نگاه کن این غذا از چه بوجود آمده است؟ قدرت نمائی خدا را تماشا کن از آب و خاک صدها نوع میوه
- ۵ — نگاه کن غذائی که می‌خوری برای بدن تو مفید است یا مضر؟

- ۶ — نگاه کن لابلای غذا استخوانی، سنگی و یا چیزی که مزاحم دستگاه گوارش است نباشد.
- ۷ — نگاه کن تا غذایت خوب هضم شود چون آرامش و نشاط هنگام خوردن در هضم غذا مؤثر است.

- ۸ - نگاه کن به غذای خود تا مهمانها سیر بخورند.
- ۹ - نگاه کن و فکر کن که آیا دیگران هم چنین غذایی دارند یا ندارند؟
- ۱۰ - نگاه کن قدرتی که از این غذا بدست میآوری کجا مصرف می‌کنی.
- ۱۱ - نگاه کن هدف از این غذا چیست؟ لذت است، رفع گرسنگی است و یا...
- ۱۲ - نگاه کن این غذا از چه اجزائی ترکیب شده.
- ۱۳ - نگاه کن این غذا به نجاست تبدیل می‌شود اگر انسان هدفی عالی نداشته باشد با حیوانات تفاوتی ندارد.
- ۱۴ - امام علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: انسان باید توجه کند علومش را از چه کسی می‌آموزد و نسبت به غذای روح حساس باشد.

زینت و زیبائی

انسان فطرتاً زیبائی را دوست دارد و از لباس زیبا، صدای زیبا، منظره زیبا. کلام شیوا، خط خوش، بوی خوش لذت میبرد. در فصل جوانی گرایش انسان به زیبائی و خودآرائی و شیک پوشی بیشتر نمودار می‌گردد. اسلام عزیز هم درصدد تعدیل این غریزه است لذا دستور میدهد که مسلمان نظیف و آراسته و مرتب باشد، محیط عبادت و مسجد باید رغبت انگیز باشد و نمازگزاران هنگام ورود به مسجد تمیز و خوشبو باشند، پیامبر اکرم به جوانی که موهای ژولیده‌ای داشت فرمودند یا موهایت را کوتاه کن و یا شانه بزن، خود آن بزرگوار هنگام خروج از منزل در مقابل آینه سر و صورت خود را مرتب کرده و می‌فرمود: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ. وارد بهشت نمی‌شوند مگر افراد نظیف، امامان معصوم ما در وقت نماز بهترین لباسهای خود را می‌پوشیدند و یارانشان را به پوشیدن لباس سفید و یا با رنگ روشن توصیه می‌فرمودند. از طرفی اسلام برای زینت و خودآرائی مرزهایی قرار داده که باید مراعات شود تا کرامت انسان خدشه دار نشود. توجه داشته باشیم که:

۱ - زینت و خودآرائی به تجمل پرستی کشیده نشود زیرا مانع حق پرستی میگردد.

۲ - زینت و خودآرائی به مُدپرستی کشیده نشود زیرا مانع

استقلال فرهنگی و فکری میشود.

۳- زینت و خودآرائی به چشم و هم چشمی نکشد که مانع آرامش روانی میشود.

۴- زینت و خودآرائی به اسراف نرسد که مانع صفا و یکپارچگی میگردد.

۵- زینت و خودآرائی به خودنمائی و فسادانگیزی نکشد که مانع عبودیت و تربیت انسان خواهد شد.

آری اسلام زینت را اگر به قصد تکبر و تحقیر دیگران و اسراف و غفلت زان باشد ممنوع اعلام کرده اسلام زینت کردن مرد را با طلا حرام دانسته است.

اسلام در کنار زینتهای مادی زینتهای معنوی را مطرح میکند. امام فرمود: وقتی در مقابل آینه قرار می‌گیری این دعا را از خدا بخواه: خدایا همانگونه که ظاهر مرا زیبا قرار دادی اخلاقم را زیبا قرار بده **اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي** در احادیث اسلامی می‌خوانیم:

زینت دین صبر و تسلیم

زینت زمامداری عدالت

زینت انسان ایمان

زینت خدمت متت نگذاشتن

زینت مجالس نام علی بن ابی طالب (ع)

زینت زن عفاف و حجاب

وزینت کشور سپاه و ارتش قدرتمند است.

بخش دوم
اجتماعی

نماز جمعه

یکی از برکات انقلاب اسلامی، توجه به نماز جمعه است. نماز جمعه برای دوستان دلگرمی و برای بدخواهان خار چشم است. روز جمعه روز شریفی است.

امام باقر(ع) فرمود:

«اگر خواستید به محرومان کمک کنید آن را در روز جمعه انجام دهید». سفارش شده است هدایایی که برای کودک می‌خرید در روز جمعه به او تحویل دهید تا اطفال شما به آن روز علاقه مند شوند. جمعه عید مسلمین است.

در عید قربان و عید فطر و در هر عیدی مسلمانان سه وظیفه دارند: وظیفه در رابطه با خود که نظافت و غسل جمعه و عید است. وظیفه در رابطه با محرومان جامعه که دادن زکات فطر و گوشت قربانی و هدایای جمعه است و وظیفه در رابطه با خداوند که نماز جمعه و نماز عید است.

نماز جمعه دو رکعت است که به جای نماز ظهر با جماعت خوانده می‌شود. امام جمعه باید بایستد و در دست سلاح بگیرد و در خطبه‌ها علاوه بر سفارش به تقوی باید مشکلات اجتماعی مردم را نیز مطرح کند و اخبار جهان را به مردم بگوید. هنگام ایراد خطبه‌ها همه باید به آن گوش دهیم و با بهترین لباس و بوی خوش در نماز جمعه شرکت

کنیم.

ایستادن امام جمعه نشانه بیداری، آمادگی و توجه است.
نماز جمعه مردم را در صحنه حاضر می‌کند و تبلیغات دشمنان را
خنثی می‌سازد و ترس را از مسلمین می‌زداید.

امام کاظم (ع) از روز پنجشنبه خود را آماده نماز جمعه می‌کردند.
حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

«چنانچه غذا و دوائی سبب ضعف در شما می‌شود از خوردن آن
قبل از نماز جمعه خودداری کنید تا مبادا از شرکت در نماز جمعه محروم
شوید».

زندانیان را برای شنیدن خطبه‌های نماز جمعه در نماز حاضر
نمایید. سفر خود را قبل از خطبه‌ها انجام ندهید.

کسانی زودتر به بهشت می‌روند که زودتر در نماز جمعه حاضر
شوند.

امام خمینی (ره)

امام خمینی (رض) در شهرستان خمین به دنیا آمد. کودک بود که پدر بزرگوارش را شهید کردند. اول در خمین بعد در اراک و قم مشغول تحصیل شده به خاطر فهم و استعداد و نبوغی که داشت، در قم از علما و مراجع تقلید شد. بهترین دانشمندان شاگرد او بوده اند.

در سال ۱۳۴۲ علیه نظام شاهنشاهی قیام کرد. طلاب قم پیام او را در بالای منابر، در تمام شهرها به گوش مردم می‌رساندند. حکومت شاه به وحشت افتاد. ماموران اول به مدرسه فیضیه قم ریختند و عده‌ای از طلاب را با کتک، قتل و ناسزا تهدید کردند. امام خمینی از فریاد خود دست برنداشت. فریاد او علیه شاه و آمریکا و به خاطر زیر پا گذاشتن قوانین آسمانی و ظلم به مردم بود.

امام خمینی را از قم گرفتند و به زندان بردند. امام نترسید همین که آزاد شد باز علیه حکومت قیام کرد. حکومت شاه او را به ترکیه و عراق تبعید کرد. امام حدود پانزده سال در عراق در حوزه علمیه نجف مشغول تعلیم و تربیت طلاب و فضلا شد.

او سالها پیام خود را به سایر کشورها رساند. بعضی از عاشقان او بهر نحوی که بود از سراسر دنیا خود را به عراق رسانده و به زیارتش

می‌رفتند.

او در عراق علیه نظام دیکتاتوری شاه فعالیت داشت. حکومت عراق از او درخواست کرد یا سکوت کند و یا از عراق بیرون رود. او فرمود: من اهل سکوت و سازش نیستم. از عراق به سوی کویت حرکت کرد. حکومت کویت از ورود امام ترسید و به او اجازه ورود نداد. او به پاریس رفت و از آنجا به هر طریق ممکن با مصاحبه، فرستادن پیام... فریاد خود را به دنیا رساند و از راه دور هر لحظه مردم را هدایت کرد. هر روز فریادها بلندتر و صفهای مردم فشرده‌تر می‌شد.

در تمام ایران علیه رژیم شاه راه‌پیمایی میلیونی شد. شاه چندین نقشه کشید و بارها مردم را به رگبار بست؛ ولی فایده نداشت. حتی در ۱۷ شهریور چندهزار نفر را در تهران به خاک و خون کشید. لیکن مردم آرام ننشستند شاه فرار کرد. امام فرمود:

«من به ایران می‌آیم.» بختیار جلودارها را بست. مردم علیه او شعارها دادند. راه باز شد. امام در ۱۲ بهمن به ایران آمد. پنج میلیون نفر از او استقبال کردند و هر روز حوادث مهمی رخ می‌داد. عوامل و مهره‌های شاه را در ایران می‌گرفتند و محاکمه و مجازات می‌کردند. تمام آمریکاییها فرار کردند. نظام شاهنشاهی در روز ۲۲ بهمن سال ۵۷ سقوط کرد. در ۱۲ فروردین مردم به جمهوری اسلامی رای دادند. به هرحال امام خمینی مؤسس و بانی و معلم انقلاب است. او شخصی بود که تمام مسلمانان جهان را بیدار کرد. دلهره و وحشت در تمام طاغوتها به وجود آورد. از فرزندان ایران نسل انقلاب و ایثار ساخت و فرمان تشکیل سپاه پاسداران، کمیته امداد، کمیته انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی را داد و با نصب نماینده در سازمانها و ارگانها، ایجاد وحدت میان سپاه و ارتش، تغییر نظام آموزشی و گزینشی در سازمانها،

فتوای بی نظیر اعدام سلمان رشدی، دعوت رهبر کمونیستها به اسلام،
تصفیه حوزه‌ها از روحانی‌نماها، تشکیل نماز جمعه‌ها، فریاد اعلام برائت
در حج، دمیدن روح امید در مسلمانان فلسطینی، افغانی و به جنب و
جوش درآوردن تمام حرکت‌های اسلامی و قرار گرفتن فرماندهی کل قوا
برای اولین بار به دست یک مجتهد و مرجع عادل و صدها ابتکار دیگر از
کارهای امام خمینی (ره) است.

امام خمینی (ره) در همسرداری، تربیت فرزندان، نظم، اخلاق،
اشک و گریه در عزای امام حسین (ع)، نظافت، نماز شب، عدالت
واقعی، عشق به مردم، ارزش داد به خصوص به خانواده‌های شهدا،
نهراسیدن از هیچ طاغوت و حتی در حملات زمینی در طول چند سال
جنگ و پیام‌ها و وصیت‌نامه مهم خود و در تمام کارهای خوب دیگر مردی
بود که بعد از امامان معصوم تاریخ اسلام نظیرش را سراغ ندارد.

نظام جمهوری اسلامی ایران

چند هزار سال افرادی بر ما حکومت می‌کردند؛ بدون آن که از ما بپرسند که آیا ما آنان را می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم نام آن طاغوتها شاه بود. همه مردم بدون چون و چرا باید تسلیم دستورات آنان می‌شدند. هرکجا را که می‌خواستند ملک خود قرار می‌دادند و هرکاری که می‌خواستند انجام می‌دادند.

اسلام و قرآن و انبیا و علما با این روش مخالفند، خداوند به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «به سراغ فرعون برو، چون طاغوت است؛ طغیان کرده و مردم را اسیر خود قرار داده است». همیشه افراد محروم و پابرنه اطراف انبیا جمع می‌شدند و طاغوتها مخالفان انبیا بودند. به همین دلیل بود که در زمان ما شخصی از نسل پیامبر اکرم (ص) همزمان با روز تولد فاطمه زهرا (ع) در خمین به دنیا آمد. در کودکی پدر بزرگوارش را شهید کردند ولی لطف خداوند او را همچنان بزرگ و حفظ کرد تا عالمی برجسته شد و کم‌کم به مقام مرجعیت رسید و سپس رهبر کبیر انقلاب شد.

شاه او را به زندان و سپس به ترکیه و بعد به بغداد و نجف تبعید کرد و پانزده سال در تبعیدگاه خود، مشغول مطالعه و تدریس و انس با حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود و توفیق زیارت داشت. ولی طاغوت بغداد

ایشان را از عراق نیز اخراج کرد.

امام خمینی (ره) رهسپار کویت شدند. دولت کویت به ایشان اجازه ورود نداد. ایشان به فرانسه رفتند. خبرنگاران دنیا با ایشان زیاد مصاحبه می‌کردند و پیام ایشان را به دنیا می‌رساندند. امام از خارج به مردم مسلمان ایران پیام می‌دادند. مردم به خیابانها ریخته و تظاهرات کردند. اولین حرکت مردم، در ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ در شهر مقدس قم انجام شد که رژیم پهلوی آنان را به گلوله بسته و هشتاد نفر را شهید کرد که از طرف علما و مراجع قم، عزای عمومی اعلام شد.

مردم تبریز در اربعین شهدای قم به حمایت از خون مقدس آنان به پا خاستند دولت شاه آنان را نیز به رگبار بست.

مردم یزد به حمایت از شهدای تبریز، حرکت کردند. در یزد نیز خونها ریخته شد. مردم مازندران و تهران و مشهد و شیراز و اهواز، یک پارچه در ایران راه پیمایی کردند. فاجعه ۱۷ شهریور پیش آمد. هزاران زن و مرد تهرانی، در خیابانها به رگبار بسته شدند. شاه به وحشت افتاد. نخست وزیر عوض کرد. مردم از پا نیفتادند. وزرا را عوض کرد؛ مردم مقاومت کردند؛ به تمام دیوارها عکس شاه را به طور معکوس زده و شعار مرگ بر شاه را سر می‌دادند و آن را بر در و دیوار می‌نوشتند.

هزاران آمریکایی احساس خطر کردند و از ایران گریختند.

شاه بختیار را نخست وزیر کرد. مردم علیه او شعارهای زیادی می‌دادند. شاه از ایران گریخت و امام همچنان از پاریس پیامها و دستورهای خود را صادر می‌فرمودند. تا اینکه فرمود: «من به ایران می‌آیم» بختیار فرودگاهها را بست. مردم علیه او شعار دادند فرودگاهها باز شد.

امام وارد تهران شد. حدود ۵ میلیون نفر از فرودگاه تا بهشت زهرا از امام استقبال کردند. امام وارد بهشت زهرا شدند و سخنرانی مهمی ایراد

کردند و در آن سخنرانی فرمودند:

«من دولت تعیین می‌کنم، مجلس تعیین می‌کنم. من ارتش را از شر شاه نجات می‌دهم». بختیار هم از ایران گریخت.

درگیری میان طرفداران شاه و مردم بالا گرفت. جنگ تن به تن آغاز شد. پادگانها سقوط کردند. امرای ارتش شاه فرار کردند. در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ اسلام حاکم شد.

امام نخست وزیر تعیین فرمودند. دولت موقت شروع به کار کرده دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، لائۀ جاسوسی آمریکا را که به نام سفارتخانه بود گرفتند. آمریکا اولین سیلی را در دنیا از جوانان ما خورد. امام (ره) فرمود: «این حرکت از اصل انقلاب کمتر نبود» آمریکا مأیوس شد.

در تمام حرکات، مردم در صحنه بودند. اولین فرماندوم ایران در روز ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ بود که بیش از ۹۸ درصد مردم، به جمهوری اسلامی رأی دادند. سپس نمایندگان مجلس خبرگان را انتخاب کردند قانون اساسی تصویب شد. بار دیگر به قانون اساسی رأی دادند. بعد مردم به نمایندگان مجلس و آن گاه به ریاست جمهوری رأی دادند. در این میان صدها نقشه و حيله عليه امت مسلمان ايران كشيده شد كه با لطف خداوند همه آنها خنثی گردید.

چون روزه به روز بر قدرت جمهوری اسلامی اضافه می‌شد صدام را وادار به حمله به ایران کردند.

مردم علیه او بسیج شدند و به حمایت از ارتش و سپاه به جبهه‌ها حرکت کردند و هر سال که از عمر جنگ می‌گذشت قدرت جبهه و عده رزمندگان و ابتکارات ارتش و سپاه بیشتر می‌شد.

تا این که با لطف خداوند، متجاوزانی که چند استان ایران را

اشغال کرده بودند بیرون رانده شدند.

در کشور ما مردم، رهبر و ریاست جمهوری و نماینده مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی را تعیین می‌کنند و قانونی خلاف قانون اسلام تصویب نمی‌شود و ما تسلیم هیچ قدرتی نمی‌شویم و به هیچ کشوری بدهکار نیستیم.

خود مردم جنگ را اداره کردند و شهید و مجروح و اسیر و مفقود الاثر دادند و نماز جمعه را پرجمعیت و توطئه‌ها را خنثی کردند.

عامل پیروزی ایران سه چیز بود:

(۱) عشق به اسلام (۲) اطاعت از امام (۳) وحدت مردم و هرگاه یکی از این عوامل تضعیف شود، بار دیگر همه خطرات قبلی، ما را تهدید خواهد کرد.

دشمن برای ما چه می‌خواهد!

قرآن کریم از توطئه‌های دشمنان اسلام پرده برداشته و مسلمانان را به هوشیاری و بیداری فرامی‌خواند.

رسول خدا (ص) فرمود: بهترین شما کسی است که بیش از دیگران، دشمن و نقشه‌هایش را بشناسد^۱ قرآن مجید ما را به آمادگی همه‌جانبه در مقابل دشمن فرمان می‌دهد: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ**^۲

اکنون با مراجعه به قرآن می‌خواهیم توطئه‌های دشمن را بشناسیم و خود را برای مقابله آماده کنیم:

۱ - تضعیف ایمانها: **وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا**^۳

بیشتر کافران دوست دارند شما از ایمانتان دست بردارید، دشمن می‌خواهد شما را به انحراف و فساد و گمراهی بکشانند یکی از هدفهای اصلی دشمن سُست کردن عقیده‌ها و ایمانهاست مسلمین باید بدانند دشمن فقط با توپ و تانک و هواپیما به جنگ ما نمی‌آید کتاب، نوار،

۱ - دشمن‌شناسی سید رضا تقوی. ۲ - انفال ۶۰. ۳ - بقره ۱۰۹.

عکس و فیلم به مراتب اثرش از بمب های مخرب بیشتر است.

۲ - اختلاف افکنی: اِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ اَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ
الْبَغْضَاءُ^۴

شیطان که بزرگترین دشمن شما است می خواهد بین شما
اختلاف افکنی کند قرآن مسلمین را به وحدت و
یکپارچگی و صمیمیت و محبت دعوت میکند.

۳ - اغفال: وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلَحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ^۵

دشمنان شما دوست دارند شما از سلاح ها و امکانات خود
غافل شوید دشمن با انواع برنامه های سرگرم کننده
می خواهد ما را از مسائل اصلی و استعداد های توانا بازدارد
چه بسا در یک موقعیت حساس سیاسی با ایجاد یک برنامه
ورزشی، تفریحی و سرگرم کننده همه ذهنها را منحرف
می کند.

۴ - ایجاد دردسر: وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ^۶ دوست دارند شما را به زحمت بیندازند
آسایش و راحتی شما را نمی خواهند پیوسته برنامه هایی تهیه
میکند که آرامش جامعه شما را مخدوش کنند.

۵ - سازش: وَدُّوا لَوْ تَذْهَبُ فِئْدُهُنْ^۷ دشمنان شما دوست دارند شما را
به سازش بکشانند تا خود هم کنار بیایند حتی به پیامبر
اسلام پیشنهاد سازش می کنند اما پیامبر قاطع جواب میدهد
لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ^۸ تربیت شدگان مکتب اسلام هم
گول نمی خورند امام خمینی فرمود: اسلام با کفر هیچ گونه

۴ - مائده ۹۱. ۵ - نساء ۱۰۲. ۶ - آل عمران ۱۱۸. ۷ - قلم ۹. ۸ - سوره کافرون.

سازشی ندارد.

پس در این درس با گوشه‌ای از توطئه‌های دشمن آشنا شدیم
تهاجم فرهنگی و تضعیف ایمانها، تفرقه و اختلاف افکنی، غفلت از
توانائی‌ها، ایجاد دردسر، پیشنهاد سازش از جمله آنهاست آیا با اینهمه
توطئه خطرناک باز می‌توانیم به آنها امیدی داشته باشیم.

انتقاد

یکی از نشانه‌های جامعه زنده و فعال و حضور مردم در صحنه انتقاد کردن از عملکرد افراد است و اسلام این حق را به همه افراد جامعه داده که وضع جامعه خود را نقد و بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت آنرا گوشزد نمایند از آنجایی که در تمام امور حد افراط و حد تفریطی هست در انتقاد هم افراط و تفریط وجود دارد افراط در انتقاد انسان را به عیبجوئی و تفریط در آن سبب بی تفاوتی می‌گردد برای اینکه انتقاد جنبه سازنده و الهی داشته باشد خوب است نکات زیر را رعایت کنیم:

۱ — انگیزه و هدف از انتقاد ارشاد خیرخواهانه باشد، نه حسادت، نه سوءظن، نه خیانت، نه خباثت، نه کینه و نه افشاگری...
۲ — با اطلاع دقیق انتقاد کنیم و از تکیه کردن بر شایعات پرهیزیم.

۳ — انتقاد با احترام همراه باشد.

۴ — در انتقاد انصاف داشته باشیم و در کنار اشکالات موجود، خدمات انجام شده را هم در نظر بگیریم.

۵ — انتقاد باشد نه انتقام در انتقاد کردن صفا و صمیمیت حاکم باشد نه کینه توزی.

۶ — در انتقاد کردن از توهین به شخصیت افراد پرهیزیم.

- ۷ — سعی کنیم در انتقاد از غیبت، تهمت و بهتان دوری کنیم.
- ۸ — انتقاد به تجسس کشیده نشود یعنی در زندگی خصوصی افراد وارد نشویم.
- ۹ — تمام جوانب مسئله را در نظر بگیریم تا انتقاد ما حربه دست دشمن نشود.
- ۱۰ — شغل ما انتقاد نشود.
- ۱۱ — همه انتقادهای را یکجا نگوئیم.
- ۱۲ — در مورد زمان و مکان انتقاد فکر کنیم.
- ۱۳ — ظرفیت افراد را در نظر بگیریم.
- ۱۴ — شرایط سنی، شغلی، تحصیلی، اجتماعی خود و انتقادشونده را در نظر بگیریم.
- ۱۵ — از خودمان هم انتقاد کنیم واعظ و معلم خود نیز باشیم.
- ۱۶ — از انتقاد دیگران نرنجیم و انتقاد دیگران را با آغوش باز بپذیریم همانگونه که وقتی آینه عیب ما را نشان میدهد او را نمی شکنیم بلکه او را دوست داریم.

زن

تقریباً نیمی از مردم جهان زنان هستند. در تاریخ به زن ظلمها شده است. قبل از اسلام همین که دختری به دنیا می‌آمد، پدرش از غصه سیاه می‌شد و در فکر فرو می‌رفت که چه کند! آیا او را زنده زیر خاک کند یا با ذلت و خواری نگاهداری نماید. اسلام به دختر مقام داد. زن و مرد را بنده خدا و آزاد و به هردو حق مالکیت، انتخاب همسر، تعلیم و تعلم داد. هردو را در جامعه مسئول دانست و به مردان دستور داد که باید با زنان خود خوش رفتاری نمایند.

حقوق و رأی زن در اسلام محترم است. در حدیث می‌خوانیم خدا لعنت کند هر که حق عائله خود را ضایع نماید. همین که حضرت علی (ع) به خواستگاری حضرت فاطمه زهرا (س) آمد، پیامبر اکرم (ص) فرمود: باید خود زهرا (س) نظر مساعد بدهد. زن در عبادات و معاملات و رشد معنوی با مرد برابر است. اگر در اسلام حق ارث زن کمتر است به خاطر آن است که بار زندگی کمتر بدوش اوست و اگر جریمه کشته شدن مرد از زن بیشتر است به خاطر آن است که نان آور خانه از دست رفته است. نه اینکه مقام مرد بالا تر یا خونس رنگین تر است. در قرآن می‌خوانیم تمام مردان و زنان باید زنی را الگوی خود قرار دهند و آن زن، همسر فرعون بود. اگر در اسلام زن وظیفه جهاد و حق قضاوت ندارد، به خاطر آن است که

جهاد و قضاوت تکلیف است نه مقام و پست. پیامبر اکرم (ص) دست فاطمه زهرا (س) را می‌بوسید و فرمود: هر که با همسرش خوشرفتاری کند، ایمانش کاملتر است و سپس فرمود: من خودم بیشترین محبت را به همسرانم دارم.

حجاب برای زن یک ارزش است. در کشورهایی که بی‌حجابی است، هوسها شعله می‌کشد و دنبال هوسها مردان و زنان به فکر فساد رفته و هزاران خطر متوجه جامعه می‌شود.

قرآن از دختران حضرت شعیب (ع) که یکی از پیامبران الهی است، ستایش می‌کند که در کوچه با حیا راه می‌رفتند. مقام و حق زن در جامعه محفوظ است و چنانچه اختلافاتی میان زن و شوهر رخ دهد باید یک نماینده از طرف زن و یک نماینده از طرف مرد حضور داشته باشند. رسول اکرم (ص) حتی زنانی را برای آبرسانی، خدمات، پشتیبانی، پانسمان به جبهه می‌بردند. حضور زن در صحنه‌های سیاسی لازم است. فاطمه زهرا (س) در مسجد رسول اکرم (ص) خطبه خواند. حضرت زینب (س) در بازار کوفه و شام با آن همه داغ مصیبت و اسارت سخنرانی مهمی ایراد فرمود. زن بلکه یک دختر ۹ ساله بالغ حق دارد به عالیت‌ترین مقام مسئول نهی از منکر نماید. در انقلاب ما نقش زنان بر کسی پوشیده نیست. بلکه نقش زن بیش از مرد است. چون مرد چند روزی در جبهه و در چند دقیقه‌ای شهید می‌شود. ولی این زن است که باید سالها کودکان بی‌سرپرست را با صبر و تحمل خود نگهداری نماید.

وظیفه زن و شوهر

پیامبر اسلام (ص) فرمود: بهترین زنان کسانی هستند که مهربان، بچه‌آور، عقیف، در فامیل خود محترم و بزرگوار، ولی نسبت به شوهر با خضوع باشند و تنها برای شوهر آرایش کنند و نسبت به دیگران خود را حفظ نمایند سخن شوهر خود را گوش کنند. امر او را اطاعت نمایند و خواسته او را بپذیرند امام کاظم (ع) فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری کردن اوست.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: زنی که حق شوهر را ادا نکند، حق خدای خویش را ادا نکرده است. هریک از زن و شوهر که به یکدیگر بگویند، من از تو خیری ندیدم، پاداش از کارهای خیر خود نزد خداوند ندارند. در اسلام سفارش شده که انسان به همسرش بگوید من ترا دوست دارم که اثر این کلمه برای همیشه در روح همسر باقی می‌ماند. شوهر باید با همسر خود زندگی خوبی داشته باشد. از لباس و مسکن و خوراک و مخارج دیگر او را تأمین کند حتی المقدور در زندگی موجبات آسایش نسبی زن و فرزند را فراهم آورد. به آنان سخت نگیرد. عذرشان را بپذیرد. کارها و خدماتی که زن در خانه می‌کند ثواب دارد. همان‌گونه که تلاشهای مرد در بیرون خانه بی‌پاداش نیست و ثواب آزاد کردن برده را خواهد برد.

روزی رسول خدا به منزل فاطمه زهرا (س) آمد و دید که حضرت علی (ع) عدس پاک می‌کند و فاطمه (ع) در کنار دیگ مشغول پختن غذاست. بسیار شاد شد و فرمود: خدمت مرد در خانه توفیقی است که خداوند به هرکس نمی‌دهد؛ بلکه این توفیق برای بندگان بسیار خوب خداوند نظیر صدیق یا شهید و کسانی است که خداوند خیر دنیا و آخرت را برایشان خواسته است. هریک از زن و شوهر خودشان را برای یکدیگر آرایش نمایند و در غیر این صورت خطر آن می‌رود که مرز عفت شکسته و همسر به فساد کشیده شود. در حدیث می‌خوانیم که حتی زنان پیر برای شوهرشان دست از خضاب و حنا برندارند. پیامبر اکرم (ص) به عطر زدن و نظافت ظاهر خود بسیار توجه داشتند و در حدیث دیگری می‌خوانیم لقمه‌ای که مرد برای همسر خود آماده و به نشانه محبت در دهان او می‌گذارد از طرف خداوند متعال پاداش می‌برد.

یکی از یاران پیامبر اکرم (ص) از دنیا رفت رسول خدا (ص) با پای برهنه جنازه را تشییع کرد و فرمود فرشتگان هم در این مراسم شرکت کرده بودند. مادر این شخص گفت گوارا باد بر تو مرگی که پیامبر و فرشتگان در تشییع جنازه‌ات شرکت کردند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: او یکی از اولیاء خدا بود لیکن به خاطر بد اخلاقی که در منزل نسبت به همسر داشت اکنون که دفن شد در فشار قبر قرار گرفت. از این ماجرا می‌فهمیم که حتی اگر مردان درجه یک در اخلاق خانوادگی ضعیف باشند، مورد عفو قرار نمی‌گیرند.

همه ما مسئول اجتماع خود هستیم

طبع دنیا طوری است که عملکرد و سرنوشت فرد یا افراد بر دیگران اثر قهری دارد خوبان در بدها و بدها در خوبان لذا ما وظیفه داریم علاوه بر حفظ خود حافظ اجتماع خود باشیم در این زمینه از قرآن کمک می‌گیریم

۱ — شما مسلمانها به شرطی بهترین مردم هستید که امر بمعروف

کنید و نهی از منکر نمائید

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۱ (آل عمران)

۲ — آتش قهر خدا تر و خشک را می‌سوزاند هم ظالم مورد قهر

خدا قرار می‌گیرد و هم ساکت

وَأَنقَضُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا خَاصَّةً^۲ (انفال)

۳ — راز سقوط بنی اسرائیل بی تفاوتی نسبت به فساد و منکرات

بود

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ^۳ (۷۹)

(مائده)

۴ — بی تفاوت مسلمان نیست

۱ — آل عمران ۱۰۹ . ۲ — انفال ۲۵ . ۳ — مائده ۷۹ .

قال النبی: مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ^۴

۵ - بین عنصر امر بمعروف و نهی از منکر و وحدت اجتماعی

رابطه عمیق هست / آیه امر بمعروف در میان دو آیه وحدت قرار گرفته

۱ - وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۵

۲ - وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۶

۳ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا^۷

یعنی راه احیاء امر بمعروف و نهی از منکر تحکیم همبستگی و

وحدت و یکرنگی مردم و دوری از تفرقه و اختلاف است.

۵ - آل عمران ۱۰۳.

۴ - بحار ج ۷۴ ص ۳۳۸.

۷ - آل عمران ۱۰۵.

۶ - آل عمران ۱۰۴.

آزادی

۱ — برخلاف همه موجودات خداوند انسان را آزاد و مختار آفرید.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^۱ در انتخاب دین اکراهی نیست.
 إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ^۲ قرآن یادآوری است هرکس
 خواست پند میگیرد.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى^۳ اگر خدا میخواست
 همه را هدایت میکرد،

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۴ ما راه راست را
 نشان میدهم گروهی شاکر و برخی کفران می‌ورزند.

۲ — اگر این آزادی مطلق و همه‌جانبه باشد هرج و مرج می‌شود برای
 کنترل این آزادی خداوند وجدان را در نهاد انسان قرار داد.

فَالْهَمُّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا^۵ — بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ
 بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ^۶

۳ — برای اینکه وجدان در مقابل طوفان شهوات و تمایلات شکست نخورد
 پیامبران را فرستاد.

یک مثال: کرات آسمانی بخاطر وجود دونیرودر مدار خود

۱ — بقره ۲۵۶. ۲ — عبس ۱۱. ۳ — انعام ۳۵. ۴ — انسان ۳. ۵ — شمس ۷.
 ۶ — قیامة ۱۴.

می‌چرخند. } - نیروی جاذبه
نیروی فرار از مرکز

انسان هم با این دو } انواع آزادی‌ها }
نیروزنده است } وجدان }
آزادی قلم }
آزادی بیان }
آزادی غذا }
آزادی شهوت }
آزادی فکر }

اسلام آزادی را کنترل می‌کند و جهت می‌دهد نه اینکه خواهان استبداد و خفقان باشد به این دلایل:

- ۱ — بارها در قرآن از تقلید مذمت شده.
- ۲ — بارها در قرآن انسان به مطالعه آفاق و انفس تشویق شده.
- ۳ — از جاهلان انتقاد شده **أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ**.
- ۴ — بارها دعوت به تفکر و تعقل کرده.
- ۵ — از بحث آزاد و گفتگوهای علمی استقبال میکند **وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتِجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ**^۷.
- ۶ — اسلام می‌گوید همانگونه که غذاهای مادی در دستگاه گوارش بررسی شده مواد مفید جذب و مواد مضر دفع می‌گردد مطالبی هم که وارد مغز می‌شود باید پالایش شده و معارف مفید جذب و مطالب مضر آن دفع شود **فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ**^۸.

۷- توبه ۶. ۸- زمر ۱۸.

البته نباید فراموش کرد که غذا گاهی بطور طبیعی میل می‌شود و گاهی با آمپول تزریق می‌شود اگر بهترین ویتامینها از طریق آمپول تزریق شود هرگز تاثیر غذایی که بطور طبیعی میل می‌شود نخواهد داشت مطالب هم نباید تزریقی باشد بلکه باید انسان با فکر و تعقل درک کند.

علل شکست ملتها از دید قرآن

۱ — طغیان: لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي^۱

طغیان و سرکشی نکنید که قهر و غضب من بر شما نازل خواهد شد.

۲ — گناه: فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ^۲

بخاطر گناهانشان آنان را هلاک کردیم.

۳ — عقبگرد: إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ^۳

بنی اسرائیل که با داشتن پیامبری چون حضرت موسی بدنبال گوساله پرستی رفتند شایسته غضب الهی شدند.

۴ — ترس و بی تفاوتی: أَنَا هِيَهْنَا قَاعِدُونَ^۴ وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ^۵

در مقابل تذکرات بی تفاوت هستند. بنی اسرائیل به حضرت موسی گفتند تو با خدایت با ستمگران بجنگ ما

اینجا نشسته ایم.

۵ — تفرقه: وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا^۶

اختلاف نکنید که سست و بی اقتدار خواهید شد.

۱ — طه ۸۱. ۲ — انعام ۶. ۳ — اعراف ۱۵۲. ۴ — مائده ۲۳. ۵ — صافات ۱۳.

۶ — انفال ۴۷.

۶ — التَّقَاطُ: أَقْتُمُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^۷

آیا به بعضی از آیات کتاب خدا ایمان آورده و بعض دیگر را انکار میکنید عاقبت این کار بدبختی دنیا و آخرت است.

۷ — بخل و دنیاپرستی: أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ^۸

در راه خدا انفاق کنید و با دست خود خود را نابود نکنید.
۸ — سستی: لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ وَغَضَبْتُمْ^۹

وعدۀ خداوند راست بود شما در جنگ احد با کمک خدا حس دشمن را گرفتید اما وسط جنگ سست شدید، اختلاف کردید و از فرمان فرمانده سرپیچی کردید لذا شکست خوردید.

۹ — و در یک جمله امام سجاد فرمود: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْکَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْهَمِّ وَالْغَمِّ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَالْفَقْرِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالشَّهْوَةِ

امام سجاد (ع) عوامل بدبختی و سقوط ملتها را در بی نشاطی، کم کاری، بی حالی، غم و غصه خوری، بخل و دنیاپرستی، ترس و فقر، غفلت و قساوت قلب و بالاخره در شهوت پرستی میداند.

۷ — بقره ۸۵. ۸ — بقره ۱۹۵. ۹ — آل عمران ۱۵۲.

حق الناس

زیباترین و دقیق ترین قوانین حقوق بشر را باید در مکتب اسلام جستجو کرد با نگاهی به آیات و احادیث می توان به اهمیت حق الناس از نظر اسلام پی برد بارها در قرآن کلمه حلالاً آمده بارها مسئله دین و پرداخت آن مطرح شده بارها از استفاده نامشروع از مال مردم نهی شده.

اسلام بدهکاری که برایش مقدور است و بدهی خود را نمی دهد سارق معرفی کرده در رساله احکام می خوانیم اگر کسی در حال نماز بود و بدهکار بدهی خود را طلب کرد نماز را بشکند و حق مردم را پردازد.

در احکام نماز می خوانیم لباس و مکان نماز گزار نباید غضبی باشد و نماز در مکان و لباس غضبی باطل است حتی اگر یک تکمه و یا نخ غضبی باشد نماز باطل است.

در روایات می خوانیم خداوند از حق خودش ممکن است صرف نظر کند اما حق الناس را نمی بخشد حتی تمام گناهان شهید بخشوده می شود مگر دیونی که از مردم بعهده او بوده که باید در دادگاه قیامت تصفیه شود. امام صادق علیه السلام فرمود کسی که حق مردم به گردن دارد ورودش به بهشت ممنوع است در روایات زیادی امان ما یکی از شرائط قبولی توبه را جبران خسارات و پرداخت حق مردم دانسته اند.

رسول خدا فرمود حتی به شوخی به وسایل دیگران دست نزنید و اگر برداشته‌اید برگردانید اگر زمان کودکی و نوجوانی به کسی خسارتی وارد کرده‌ایم و یا از جایی چیزی برداشته‌ایم مسئول هستیم گرچه سالها از آن روزها گذشته بهر وسیله‌ای شده باید حق را به صاحبش برگردانیم ممکن است بگوئید آن شخص را نمی‌شناسم و یا مبلغ را نمیدانم طبق این فرمول عمل کنید. رابطه ما و حق الناس یکی از این چهار حالت است:

۱ — شخص را می‌شناسیم و مبلغ را میدانیم — باید بطور مستقیم یا غیرمستقیم بدست او برسانیم.

۲ — شخص را نمی‌شناسیم ولی مبلغ را می‌دانیم (مثلاً از لبوفروش لبوخریدیم ده تومانی دادیم فکر کرد دویست تومانی است ۱۹۵ تومان بما پس داد ما هم خوشی کرده بروی خود نیاوردیم اما الان آدرسی از او نداریم) باید ردّ مطالب بدهیم.

۳ — شخص را می‌شناسیم ولی مبلغ را نمیدانیم — باید به نحوی مصالحه کرده و رضایت او را جلب کنیم.

۴ — نه شخص را می‌شناسیم و نه مبلغ را میدانیم — باید با فقیه عادل یا نماینده او مصالحه کنیم و روی مبلغی توافق کنیم.

ممکن است کسی بگوید من در نوجوانی خسارتی وارد کرده‌ام و یا چیزی برداشته‌ام الان خجالت می‌کشم بگویم من دزدی کرده‌ام جواب میدهم که:

اولاً: اگر شما اینکار را بکنی نه تنها کوچک نمی‌شوی بلکه محبوب و عزیز هم می‌شوی.

ثانیاً: بر فرض شرمنده شدی این شرمندگی در مقایسه با رسوایی قیامت هیچ است.

ثالثاً: لازم نیست رو در روضه و قضیه را علنی کنید بلکه می‌شود همان مبلغ را بطور غیرمستقیم به صندوقش انداخت — به حسابش ریخت — در مغازه یا کیفش گذاشت — با پُست فرستاد و یا... اسم و مشخصات هم لازم نیست. حتی ممکن است خود شما پول را بدهی و بگویی شخصی به شما بدهکار بوده.

شوری

مشورت یعنی همفکری در کارها و استفاده از رأی و علم و عقل و سلیقه دیگران. در اسلام به این گونه همفکریها سفارش زیاد شده است. دعا و نماز دسته جمعی و مسافرت گروهی و همفکری گروهی، بسیار ارزش دارد. یکی از دستورات اسلام، مشورت کردن است. در قرآن می‌خوانیم که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد: «با مردم مشورت کن» یا در آیه دیگری می‌خوانیم که «یکی از کارهای مؤمنان، مشورت کردن با یکدیگر» است.

کسی که به سلیقه و رأی خود عمل کند و با دیگران مشورت نکند، بدبخت می‌شود. مشورت با مردم علاقه‌ها را زیاد می‌کند. انسان با مشورت کردن شریک در عقل دیگران می‌شود و اگر در کاری شکست خورد، مشاورانش او را کمک می‌کنند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با افراد بخیل و ترسو مشورت مکن زیرا تو را از رشد باز می‌دارند.» مثلاً اگر فردی با ترسو مشورت کند که آیا شنا یاد بگیرم یا نه؟ می‌گوید: نه زیرا ممکن است غرق شوی و با این گونه سخنان تو را از یاد گرفتن شنا باز می‌دارد. مشورت با افراد عاقل و کاردان و دلسوز و عالم، بسیار ارزش دارد. گاهی پیامبر اکرم (ص) به احترام رأی مردم کاری را انجام می‌داد با این که شخصاً نظرش چیز دیگری بود (نمونه

آن را در انتخاب محل جنگ احد که آیا در شهر باشد یا خارج از شهر
مدینه مشاهده می‌کنیم)

در مشورت باید حقیقت را گفت و حتی ملاحظه غیبت و خوش
آمدن و یا بد آمدن این و آن را نکرد.

در حدیث می‌خوانیم:

«با کسانی مشورت کنید که باتقوی و خداترس باشند تا در
پاسخگویی به شما خیانت ننمایند». هرگاه خواستید در کاری مشورت
نمایید مشاور خود را در جریان تمام اسرار و خصوصیات آن کار بگذارید
تا آن شخص با آگاهی عمیق پاسخ شما را بدهد.

حضرت علی (ع) فرمود:

«هر که در مشورت حقیقت را نگوید و خیانت کند، من که
امیرالمؤمنین هستم از او بیزار و متنفرم».

اگر گاهی با شما مشورت شد ولی به رأی شما عمل نکردند،
دل‌سرد نشوید و مسلمان نباید توقع داشته باشد که همیشه حرف او به
کرسی بنشیند و نظریه او مورد تایید و عمل قرار گیرد.

ما باید در جلسات مشورت که مربوط به مسایل اجتماعی است،
شرکت فعال داشته باشیم.

ضمناً بدانیم که مشورت کردن مخصوص مواردی است که اسلام
نظر روشن و خاصی نداشته باشد. در مواردی که اسلام دستور صریح
دارد، مثلاً نماز صبح دو رکعت است و یا حضرت رسول در غدیر خم به
فرمان خداوند، با صراحت فرمود: «بعد از من علی ابن ابیطالب رهبر مردم
است.» در این گونه موارد جای مشورت با مردم نیست.

مسجد

مساجد مرکز فریاد و توحید و همبستگی هستند. انقلاب شکوهمند ایران از مساجد شروع شد. مسلمانان باید هنگام نماز به مساجد روی آورند و مساجد را از غربت نجات دهند. هر چه مساجد شلوغتر باشد دلگرمی مسلمانان بیشتر است. مسجد خانه خدا و مرکز عبادت و اجتماع و پایگاه وحدت است.

در قرآن و روایات می‌خوانیم، هنگام رفتن به مسجد، با زینت یعنی با لباس پاکیزه و خوشبو و باوقار باشید. هر کس که با سوادتر و باتقوی‌تر است امام می‌شود.

در نماز جماعت مردم از هر شهر و از هر نژاد و در هر شرایطی که هستند، در یک صف قرار می‌گیرند. حرکات همه در نماز جماعت هماهنگ است. همه در یک لحظه حاضر می‌شوند. همه در موقع قرائت امام جماعت ساکت هستند. هیچ کس قبل از امام اعمال نماز را انجام نمی‌دهد.

شانه به شانه، دوش به دوش، نفس‌ها خاموش، امام عادل جلو، صفها منظم به سوی قبله به امر خداوند نماز می‌خوانند. در مسجد مسلمانان یکدیگر را ملاقات و احوال‌پرسی می‌کنند. از درد و گرفتاری و حضور و غیاب یکدیگر باخبر می‌شوند. مشکلات منطقه خود را حل می‌نمایند.

مسجد باید مورد احترام کامل قرار گیرد. افرادی که عذر شرعی دارند نباید وارد مسجد شوند. اگر مسجد نجس شد، فوری باید تطهیر شود. برای نظافت کردن و روشن نمودن مسجد پاداش زیاد مقرر شده است. در مسجد نصب کردن عکس و اعلان گمشده‌ها مکروه است. در مسجد حرف دنیا زدن بد است. پیامبر اکرم (ص) در مسجد مردم را تعلیم می‌داد و در صدر اسلام از مسجد به سوی جبهه‌ها حرکت می‌کردند. حضرت علی (ع) در مسجد کوفه قضاوت می‌کردند. خوابیدن در مسجد مکروه است. بلندگوی مسجد و مراسم سخنرانی و عزاداری نباید همسایگان مسجد را رنج دهد. در اموال مسجد و موقوفات آن نباید برخلاف نظر واقف عمل نمود. اموال مسجد را به مسجد دیگر نباید انتقال داد. هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شویم و در نماز جماعت افراد باتقوی‌تر در صف اول قرار گیرند. امام سجاد (ع) هنگام ورود به مسجد کمی تأمل می‌کرد و می‌گفت: «خدایا این مسجد خانه‌ی توست و من که وارد می‌شوم، مهمان تو هستم، ای میزبان کریم، از مهمانی همچون من با عفو خود پذیرایی فرما».

فرزندان خود را با مسجد آشنا کنیم. در مسجد میان مردم فرقی نگذاریم. هرگاه شخصی در مکانی از مسجد نشسته است، او را بلند نکنیم. آثار صفا و وحدت باید در مساجد به عالیترین اوج خود برسد. از ساختن مساجد در نزدیک هم دوری کنیم و از تزیینات و رقابت بازیهایی که بعضی در ساختن مساجد دارند، پرهیز نماییم.

همسایگان مسجد سعی کنند نمازهای خود را در مسجد انجام دهند. در حدیث می‌خوانیم که اگر عده‌ی نمازگزاران جماعت به ده نفر رسید، به قدری ثواب برای انسان ثبت می‌شود که حتی فرشتگان آسمان نمی‌توانند حساب آن را داشته باشند.

خدمت در مسجد به قدری ارزش دارد که مادر حضرت مریم قبل
از تولد وی نذر کرد که فرزندش خادم مسجد باشد و لذا همین که حضرت
مریم متولد شد، او را در کنار مسجد برای خدمت جای دادند.
آری در قرآن آمده است که:
«فقط افراد باایمان، حق تعمیر مسجد را دارند».

امنیت

در اسلام بهترین شعار سلام است. سلام یعنی شما از طرف من از هر جهت در امان هستی، یعنی من برای شما سلامتی می‌خواهم. شعار اهل بهشت هم سلام است (تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) زیرا محیط بهشت برای اهلس امن و آرام است.

اسلام صدها قانون برای برقراری امنیت وضع کرده، در جامعه اسلامی کسی حق حمل سلاح غیرمجاز را ندارد. اگر کسی به روی شخصی اسلحه بکشد گرچه او را نکشد و تیری هم شلیک نشود باز هم مفسد فی الارض شناخته می‌شود بخاطر اینکه امنیت جامعه را مختل نموده است. حضرت علی علیه السلام به کسانی که سر کوچه می‌ایستادند هشدار دادند که در برقراری امنیت کوشا باشند. یکی از اموری که موجب بهم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود شایعه‌سازی است. چه بسا یک شایعه گروهی از مردم را بجان هم می‌اندازد، یکی از خطرات دروغ نیز بهم زدن آرامش و امنیت جامعه است.

رسول خدا (ص) فرمود بدترین مردم کسی است که دیگران از روی ترس و بخاطر در امان ماندن از آسیب، وی را احترام کنند شَرُّ النَّاسِ الَّذِينَ يُكْرَمُونَ اتِّقَاءَ شَرِّهِمْ^۱

۱ - بحار ج ۷۵ ص ۲۸۳.

امنیت ابعادی دارد

- ۱ — امنیت در فکر و روح: آرامش و امنیت روحی و فکری در سایه جهان بینی صحیح و عقیده و ایمان به خدا بدست می آید.
 - ۲ — امنیت در مال: اموال مردم محترم است و اگر کسی در راه دفاع از اموالش کشته شود شهید محسوب می شود.
 - ۳ — امنیت در جان: جان مردم احترام دارد و اگر کسی ضرر جانی به فردی بزند اسلام میگوید طرف مقابل حق قصاص دارد.
 - ۴ — امنیت در ناموس: ناموس مردم احترام دارد و هیچ کس حق تعرض به ناموس و حریم مسلمین را ندارد.
- برای هریک از این موضوعات در اسلام دستورات و قوانین خاصی بیان شده است.

هجرت

یکی از ملاکهای ارزشی در قرآن هجرت است. هجرت یعنی گذشت از وطن و تحمل آوارگی بخاطر خدا. هجرت مسلمین به حبشه حاصل صدور انقلاب و گسترش اسلام به آن قاره شد و هجرت پیامبر از مکه به مدینه آغاز فصل نوینی در شکل گیری حکومت اسلامی بود و به پیشنهاد حضرت علی (ع) مبداء تاریخ شد گویا تاریخ اسلام با هجرت آغاز می شود. آیات قرآن و احادیث معصومین هجرت با این هدفها را مقدس و ارزشمند می شمارد:

- ۱ — برای تشکیل حکومت اسلامی (هجرت به مدینه)
- ۲ — برای فرار از فشار طاغوت (هجرت اصحاب کهف)
- ۳ — برای تحصیل (فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ^۱)

۴ — برای تجارت (رَحَلَةَ الشَّيْءِ وَالصَّيْفِ^۲)

۵ — برای ارشاد (رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) که به یمن میرفت فرمود اگر یکنفر را هدایت کنی از همه دنیا برای توبهتر است)

پوشش گناهان، رضوان خدا، رزق حسن، رحمت خدا، فوز و

۱- توبه ۱۲۲. ۲- قریش ۲.

رستگاری و بهشت برین جوایزی است که خداوند برای مهاجرین سختی کشیده در نظر گرفته. کشورهای زیادی در دنیا هستند که بخاطر هجرت یک عالم یا یک گروه از تاجران یا دانشجویان به اسلام گرویدند.

متأسفانه طرفداران کلیسا در این زمینه از ما مسلمانان خیلی جلوتر هستند چه بسا جوانان مسیحی سالها در مناطق بد آب و هوا می‌مانند و سختیهای فراوانی را تحمل میکنند تا بتوانند تبلیغ مسیحیت کنند اگر جوانان طلبه و دانشجویان هجرت به نقاط محروم را استقبال کنند کشوری آباد و مستقل خواهیم داشت.

از بهترین و سازنده‌ترین هجرتها هجرت معنوی و گذشت از دنیای پلیدیها و گناهان به دنیای پاکیهاست بیائیم هجرت کنیم از وضعی که در آن هستیم به وضعی که باید باشیم.

مقام شهید

بر هر زن و مرد مسلمان لازم است هنگام حمله و هجوم به کشور اسلامی دفاع کنند. شهید شدن در راه اسلام بالاترین مقام است. تمام امامان ما در راه حفظ دین شهید شدند.

مسلمانان باید آموزشهای نظامی را قبلاً دیده باشند. پدران و مادران باید تیراندازی و شنا را به فرزندان خود یاد دهند.

امام حسین (ع) به ما یاد داد که هرگاه طاغوت بر کشور اسلامی حاکم شد باید از همه فرزندان در راه نجات اسلام و مسلمین گذشت.

قرآن می‌فرماید: خیال نکنید کسانی که جان خود را در راه خدا دادند مرده‌اند، بلکه آنان زنده هستند؛ گرچه شما نمی‌دانید. مردن همچون لباس عوض کردن است. مردن شخص با ایمان همچون بو کردن گل است.

ما چند نوع زندگی داریم: زندگی در رحم مادر، زندگی در دنیا، زندگی در برزخ و زندگی در قیامت و برای هر نوع زندگی، شرایط و خصوصیتی است. پیامبر اکرم (ص) در جنگ بدر بالای سر کفار که کشته شده بودند آمد و با آنان سخن گفت. شخصی پرسید آیا شما با مردگان حرف می‌زنید؟ حضرت فرمودند: «آنان همچون شما می‌شنوند». آری در روایات اسلامی می‌خوانیم که انسان بعد از مردن،

روحش در بدنی که شبیه همین بدن مرده‌اش است رفته و اگر از نیکوکاران باشد خیر می‌بیند و اگر از بدکاران باشد، غضب خداوند او را می‌گیرد و این وضع تا قیامت ادامه دارد و همین که قیامت شد ذرات پوسیده و پخش شده بدنش دوباره یکجا جمع شده و به صورت همان قیافه دنیایی درمی‌آید. جمع شدن ذرات پخش شده بدن انسان همچون جمع شدن ذرات چربی دوغ در مشک است. یعنی همان گونه که ذرات چربی در مشک دوغ با تکان دادن جمع می‌شوند، ذرات پوسیده بدن انسان هم با زلزله‌ای که در قیامت رخ می‌دهد، یکجا جمع می‌شود.

در میان اهل برزخ، شهدا، مقام بسیار بلندی دارند. به گفته قرآن آنان در شادی به سر می‌برند. از طرف خداوند، رزق به آنان داده و کامیاب می‌شوند.

فرزندان شهدا که عزیزترین سرمایه خودشان را برای اسلام داده‌اند حق بزرگی به گردن ما دارند همه ما مدیون و بدهکار به این عزیزان هستیم.

آنان هم کودک هستند و هم یتیم هستند و هم فرزند شهید؛ بنابراین از چند جهت احترامشان بر همه ما لازم است.

حضرت علی (ع) به طور ناشناس به منزل خانواده‌های شهدا می‌رفت و با محبت به کودکان، از آنان احوال‌پرسی می‌کرد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «کسانی که یتیمی را تکفل نمایند و زندگی او را محترمانه اداره کنند، در بهشت در کنار من خواهند بود.» این همه پاداش برای یتیم عادی است تا چه رسد به طفل یتیمی که بازمانده شهید است.

شهدا به گردن ما خیلی حق دارند. زندگی معنوی و شرف و استقلال و حکومت اسلامی ما به خاطر خون مقدس آنهاست. تمام امامان

ما شهید شدند شهدا سر دادند تا تن به ذلت ندهند، انبیا شهید شدند. علمای بزرگی از ما شهید شدند.

در دهه انقلاب، ائمه جمعه در محرابها شهید شدند. حضرت علی (ع) شهادت را دوست داشتند. امام سجاد (ع) در دعا‌های خود شهادت را از خداوند می‌خواستند. حضرت قاسم فرزند امام حسن (ع) در کربلا به عموی خود امام حسین (ع) گفت: شهادت نزد من از غسل شیرینتر است.

شهدا در قیامت مقام والایی دارند و از در مخصوصی وارد بهشت می‌شوند. هیچ عملی بهتر از جهاد در راه خدا نیست. شهدا در روز قیامت از دیگران شفاعت می‌کنند. شهید تمام هستی خود را در راه خدا می‌دهد. وظیفه ما آن است که به آرمانها و خواسته‌های الهی شهدا عمل کنیم و به فرزندان و بستگان او کمال احترام را بگذاریم و باید تلاش کنیم که روح آن عزیزان از ما ناراحت نشود و در قیامت در دادگاه عدل الهی، شرمندۀ آنان نباشیم. کسی که در مقام دفاع از مال و جان و ناموس و حتی همسایه خود کشته شود شهید است. خداوند به زنانی که در حال زایمان از دنیا بروند پاداش شهید می‌دهد. کسانی که قدرت بر گناه و فساد دارند ولی به خاطر رضای خداوند عفت به خرج داده و خودداری می‌کنند، همچون شهید ثواب می‌برند.

جهاد

خداوند انسان را آفرید تا در راه او گام بردارد و بنده او باشد و برای هدایت مردم پیامبران را با قانون آسمانی فرستاد.

گروهی قانون خدا را پذیرفته و گروهی کافر شده و جلوایمان آوردن دیگران را هم می گیرند.

اسلام در اول کار برای طاغوتها و کافران پیام می دهد. پند می دهد و معجزه و دلیل می آورد و همین که دید آنان در برابر عقل و پیامبران لجابت می کنند با آنان درگیر می شود. که نام این تلاش و درگیری را جهاد می گذاریم.

جهاد برای آزاد کردن انسانها از شرک و طاغوت.

جهاد برای از بین بردن افراد فاسدی که قابل هدایت نیستند و همچون خاری بر سر راه دیگران قرار گرفته اند.

جهاد در اسلام برای کشورگشایی، تجاوز، قدرت نمایی، گرفتن سرمایه دیگران و انتقام نیست. جهاد برای رضای خدا و باز کردن راه خدا برای مردم است و گاهی جهاد برای حفظ جان و مال و آبروی فرد مسلمان یا کشور اسلامی است که نام آن دفاع است.

صله رحم و احترام به والدین

بارها قرآن در آثار ایمان به خداوند، مسأله احسان به والدین را مطرح نموده و گفته است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» ما باید طبق دستور قرآن، از خدمات والدین تشکر کنیم و نسبت به آنان تواضع نماییم. با آنها به نرمی سخن بگوییم و برایشان دعا کنیم و هرگز با آنان عبوسانه برخورد نکنیم. به خصوص حق مادر که از پدر بیشتر است.

زنی خدمت رسول اکرم (ص) رسید. حضرت بسیار به او احترام کرد و آن زن رفت بعد برادر آن زن خدمت پیامبر (ص) رسید ولی رسول... با او گرم نگرفت. مردم دلیل آن را پرسیدند. حضرت فرمود: «آن زن بیش از برادرش به پدر و مادرش احترام می‌گذارد». حضرت علی (ع) فرمود: کسانی که امروز به والدین خود احترام نمایند در آینده مورد احترام فرزندان خودشان قرار خواهند گرفت. خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود:

«فلان دوست تو که شهید شد به خاطر اصراری که بر عاق والدین داشت به دوزخ افتاد. آری من از کسی که عاق والدین باشد و پدر و مادرش از او ناراحت باشند، هیچ عملی را قبول نمی‌کنم، حتی شهادت را».

پیامبر اکرم (ص) جوانی را در لحظه مرگ دید که زبانش بسته

شده است و هر چه می‌خواهد بگوید: لا اله الا الله نمی‌تواند. رسول خدا از زنی که در کنار جوان بود پرسید: این جوان مادر دارد؟ آن زن گفت بله من خودم مادرش هستم فرمود: آیا از او راضی هستی؟ گفت: نه! رسول خدا فرمود: به خاطر من از او راضی باش مادر به احترام پیامبر (ص) راضی شد. همین که مادر راضی شد، زبان جوان باز شد و گفت: لا اله الا الله.

نگاه با محبت به صورت والدین عبادت است. امام سجاد (ع) در دعای خود از خداوند می‌خواهد که: «خداوندا عبادتم را برای والدین ثبت فرما.

خداوندا به من توفیق مرحمت فرما که خواسته والدین را بر خواست خودم مقدم بدارم و از آنان کمال احترام و حساب را ببرم.» بعد از والدین نوبت به بستگان می‌رسد.

در حدیث می‌خوانیم:

کسانی که مادر ندارند، به خاله خود احترام زیاد بگذارند و برادر بزرگ همچون پدر است. صله رحم عمر را طولانی می‌کند. رسیدگی به فامیل مورد سفارش آیات قرآن است. گرچه این عمل با سلام کردن و یا یک شربت دادن باشد.

امام باقر (ع) فرمود: «صله رحم اعمال انسان را نزد خداوند بارور می‌کند، بلا را دور می‌سازد. حساب قیامت را آسان می‌گرداند. عمر و روزی را زیاد می‌کند. صله رحم مورد سفارش اسلام است، گرچه یک سال راه فاصله باشد».

امام صادق (ع) در آستانه شهادت وصیت نمود: به فلانی پول بدهید، شخصی ناراحت شد و گفت فلانی مخالف شماست، امام فرمود: بله، لیکن چون از بستگان است، می‌خواهم بدین وسیله صله

رحمی کرده باشم. کسی که فامیل فقیر داشته باشد و به دیگران صدقه بدهد و اتفاق کند، کارش بی ارزش است.

یکی از کارهای بسیار خوب، احترام به دوستان قدیمی است. رسول خدا (ص) را دیدند که به پیرزنی بسیار احترام می گذاشت. پرسیدند که ایشان کیست؟ فرمود: از دوستان قدیمی خدیجه (س) است، زمانی که خدیجه (س) زنده بود، او به منزل ما رفت و آمد می کرد.

احترام به والدین و صلۀ رحم و برخورد های عاطفی نباید در حدی باشد که ضرری به راه خدا برساند و هرگاه مسیر والدین و بستگان، خلاف راه خدا باشد ما با کمال قدرت باید در راه خدا باشیم.

حضرت علی (ع) فرمود: ما در جنگها در برابر پدران و فرزندانمان می ایستادیم و به خاطر وابستگی و عواطف، حاضر نبودیم دست از جنگ و قتال با آنان برداریم. همسر حضرت نوح و لوط فاسد بودند. عموی رسول الله (ص) ابولهب و همسرش فاسد بودند. فرزند نوح فاسد بود. لیکن قهر خداوند که آمد، همه فاسدها روسیاه می شوند گرچه از بستگان رسول و ولی خدا باشند.

کار

اسلام نسبت به کار سفارشهای زیادی دارد؛ تا آنجا که می‌فرماید: خدا لعنت کند کسی را که بار و مخارج زندگی خود را به دوش دیگران بیندازد.

امام کاظم (ع) می‌فرماید: انسان بیکار مورد غضب خداوند است و کارگر امین محبوب خداست. پاداش کارگر همچون پاداش رزمنده و مجاهد در راه خداست.

بهترین کارها کار بازاری و هنر است و پیدا کردن رزق حلال از بهترین عبادات به حساب می‌آید. واقعاً انصاف نیست که تمام هستی در خدمت ما باشد ولی ما بیکار باشیم. زمین یک دانه را از ما بگیرد و یک خوشه دهد. گاو علف بخورد و شیر دهد. ماهیان در دریا و حیوانات در صحرا خود را برای انسانها پرورش دهند. خورشید و اقیانوس و ابر و باران و باد و کوه و گیاه همه برای ما آماده بهره‌برداری باشند و ما با داشتن بهترین نوع فکر و سلیقه و استعداد از وجود خود و این همه نعمت بهره‌مند نشویم.

زنان نیز که نیمی از مردم هستند باید کار کنند. لیکن زنان باید کار سبک و اختیاری و محیط آرام داشته باشند. تا با کسالت‌های زایمان و بچه‌داری و شیر دادن و مدیریت خانه آنان سازگار باشد. امام صادق (ع)

فرمود:

«به زنان خود بافندگی و ریسندگی یاد دهید».

ناگفته پیداست که ریسندگی هم سبک است و هم اختیاری و هم در محیط خانه است. فاطمه زهرا (س) در منزل کار می‌کردند. کار کردن مرد در خانه و کمک به همسر بسیار مورد سفارش است. حضرت علی (ع) در خانه گاهی به آب کشیدن از چاه و جارو کردن و عدس پاک کردن و امثال آن مشغول بودند و به حضرت فاطمه زهرا (س) کمک می‌کردند. تمام انبیا کار می‌کردند. بعضی از انبیا چوپانی می‌کردند. حضرت نوح نجاری می‌کرد و دیگری خیاطی. به هر حال به دست آوردن رزق حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. نقش کار برای سلامت بدن و ابتکار و رشد استعداد و رفع بی‌حوصلگی و کمک به مخارج زندگی و تند کردن چرخ اقتصاد و استقلال و رفاه در زندگی قابل تردید نیست.

سوادآموزی

حضرت علی (ع) فرمود: «بی سوادی مایه و ریشه هر شری است».

اولین آیه ای که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد جمله (اقرا) یعنی (بخوان) بود. حضرت رسول (ص) گاهی که در جنگها اسیر می گرفتند می فرمودند: هر اسیری ده مسلمان را تعلیم دهد آزاد است. برای یاد گرفتن زمان و مکان مطرح نیست. از گهواره تا گور^۱، از شرق تا غرب^۲.

پیامبر اسلام (ص) وارد مسجد شدند. گروهی را دیدند که مشغول عبادت هستند و گروه دیگری را دیدند که مشغول گفتگوی علمی هستند. حضرت هردو را پسندیدند؛ ولی خودشان در کنار گروهی قرار گرفتند که گفتگوی علمی داشتند.

به افرادی که روز قیامت از خلافتکاری خود عذرخواهی کرده و می گویند خداوندا ما نمی دانستیم. گفته می شود چرا یاد نگرفتید؟

احترام معلم بر شاگرد لازم است. معلم پدر علمی انسان است. شاگردان امام صادق (ع) به امام می گفتند: خداوندا جان ما را قربان شما کند. ما باید نسبت به معلم خود علاقه شدیدی داشته باشیم که او چشم ما را به کتاب باز و دست ما را با قلم آشنا نمود.

دنیای امروز، دنیای علم است. دلیل حکومت کفار بر مسلمانان، قدرت علمی آنهاست. همین که آنها هواپیما و ماشین و تراکتور ساختند و ما نساختیم آنها بر ما مسلط می‌شوند. قرآن می‌فرماید:

نباید کفار بر مسلمانان مسلط شوند. در قرآن و روایات، تحصیل علم بسیار سفارش شده است.

مادری که سواد ندارد، فرزندش زودتر مریض و دیرتر خوب می‌شود.

کشاورزی که سواد ندارد، نمی‌تواند درست از تراکتورش استفاده کند. انسان بی‌سواد همیشه در جامعه خود را ضعیف می‌داند. در انتخابات چون نمی‌تواند نام نماینده خود را بنویسد، گاهی ممکن است کلاه سرش برود و نام دیگری را به جای شخص مورد دلخواه او نوشته و به صندوق بیندازند. در صدی از فرزندان که در تحصیل ناموفق می‌باشند، از خانواده‌هایی هستند که پدر و مادرشان سواد ندارند. کسی که سواد داشته باشد بهتر و بیشتر می‌تواند از آب و خاک استفاده کند. به هر حال اکنون که به فرمان امام (ره) کلاسهای نهضت سوادآموزی در اختیار ما قرار گرفته است، همه می‌توانیم با شرکت در این کلاسها باسواد شویم. ان شاء الله

اهمیت و ارزش کشاورزی در اسلام

پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید:

«کشاورزان گنجینه‌های ثروت ملتند و محصولات خوبی را که به قدرت الهی به ثمر می‌رسد برداشت می‌کنند. آنان از همه مردم مقامی نیکوتر و موقعیتی والاتر دارند و افرادی مفید و با برکت هستند».

شغل بسیاری از پیامبران خدا کشاورزی بود و آنان در زندگی خود کشاورزی می‌کردند. در تاریخ نقل شده روزی امام کاظم (ع) در مزرعه خود مشغول کار و اصلاح زمین خود بودند و عرق از تمام بدن مبارک امام سرازیر بود. مردی که از آنجا عبور می‌کرد رو به امام کرد و گفت: چرا این کار را به عهده دیگران بگذارم در صورتی که پیامبران و حضرت امیرالمؤمنین و همه پدران و نیاکان من از من بهتر بودند همه کشاورزان می‌کردند.

ما مسلمانان هم که پیروان آنان هستیم و در انقلاب اسلامی شعارمان: استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است، باید برای رسیدن به استقلال و پیاده کردن اهداف جمهوری اسلامی تلاش کنیم و خودکفا باشیم؛ زیرا خودکفایی در کشاورزی یکی از ارکان استقلال هر کشوری است. کشاورزی و کشاورزان قدر ارزش و اهمیت دارد که حضرت رسول (ص) به حضرت علی (ع) سفارش فرمود:

«یا علی سعی کن به کشاورزان در حکومت تو ظلم و ستمی نشود. کشاورزان بیشتر از دیگران به خداوند توکل دارند. چون برداشت محصول قابل پیش بینی دقیق نیست. گاهی با سرما و گرما و حشرات و آفات دیگر از بین رفته و گاهی چند برابر محصول می دهد. بنابراین کشاورز، بیش از هرکس چشم به راه لطف خداوند است و توکل او از هر انسان دیگری بیشتر است».

و نیز امام باقر(ع) می فرماید: «هیچ کاری از زراعت بهتر و فایده آن عمومی تر نیست؛ زیرا نیکوکار و بدکار، چرنده و پرنده از آن نفع می برند و به زبان حال کشاورزان را دعا می کنند».

دامداری

دامداری یکی از کارهای مفید و مبارک است. پیامبر اسلام (ص) فرمود:

«هرکس در خانه خود گوسفند یا گاو و یا شتر شیرده داشته باشد سرچشمه برکت را دارد و فرمود: گوسفند مال خوبی است».

پیامبر گرامی اسلام (ص) پیش از آن که به پیغمبری برانگیخته شوند خود گوسفندان را به چرا می بردند و برای پرورش و حمایت آنها کوشش می کردند. در زندگی بسیاری از پیغمبران نقل می شود که آنان نیز به پرورش و حمایت و اداره دام اهتمام می ورزیدند.

حضرت موسی (ع) چند سال از عمر خود را به چرانیدن گوسفندان حضرت شعیب (ع) گذراند و حتی با لباس شبانی بر او وحی نازل و به پیامبری برانگیخته شد.

عصای معجزه آسایش همان چوبی بود که با آن به دنبال گله راه می افتاد و به شاخ درختان می زد تا برای گوسفندان برگی فرو ریزد.

قرآن از چهار پایان و حیوانات اهلی حلال گوشت به عنوان نعمتهای خوب خداوند نام برده است و فواید گوناگونی که مردم از گوشت و پشم و پوست آنها می برند و نیز از سواری و باربری به وسیله آنها استفاده می کنند، به خوبی یاد می کند.

قرآن چهار پایان را برای مردم و در خدمت آنان می‌داند. پیغمبر اسلام (ص) می‌فرمود: «بر شما باد دامپروری و گوسفندداری و زراعت». و نیز در کلمات آن حضرت است که: «آن کسی که گوسفند شیرده و یا بزغاله و یا گاوی نگهداری کند همه‌اش برکت است».

حمایت حیوان

اسلام نسبت به حیوانات سفارشهایی دارد از جمله: هرگاه در محلی پیاده شدید حیوانات را با علوفه سیر کنید. هرگاه به آبی رسیدید، سیرابش نمایید.

هرگز به صورت حیوان نزنید و غیر از هنگام حرکت، بر حیوان سوار نشوید. بیش از طاقت بر او بار ننهید. حضرت علی (ع) هنگام تقسیم غنایم جنگی، برای اسب سواران سهم بیشتری معین می فرمود تا مخارج اسب هم پرداخت شود. اگر حیوان چموشی کرد او را بزنید ولی اگر لغزشی داشت و به زمین خورد، هرگز او را نزنید.

پیامبر اسلام (ع) فرمود: هرکس گنجشکی را بکشد، روز قیامت مسئول خواهد بود.

اسلام می فرماید: گوسفند را در برابر چشم گوسفند ذبح نکنید. پرنده بی بال را شکار نکنید و هنگامی که حیوان خواب است به سراغ او نروید. هنگام شیر دوشیدن، ناخن خود را کوتاه نمایید تا پستان حیوان با ناخن شما آزار نبیند و بیش از دو نفر سوار حیوان نشوید و هرگاه شیر می دوشید، مقداری از شیر در پستان حیوان برای بچه اش بجا بگذارید و اگر شتر و گاو را به عنوان زکات می گیرید، میان حیوان و بچه اش جدایی نیندازید.

حضرت امیر(ع) در شب ۱۹ رمضان به دخترشان فرمودند: اگر نمی‌توانی به مرغها و خروسهای منزل رسیدگی کنی، آنها را نگهداری مکن. هنگام ذبح به آنها آب بدهید و حتماً با آهن تیز ذبح کنید تا زجرکش نشوند. برای حفظ و نگهداری حیوانات پاداش زیاد مقرر شده است.

امام سجاد(ع) بارها به مکه سفر کردند ولی هرگز به حیوان خود تازیانه ای نزدند.

به هرحال در اسلام در مورد حیوانات نیز سفارشهای زیادی شده است که این چند جمله برای نمونه بیان شد.

حیوانات هرکدام دارای مرحله ای از شعور و آگاهی هستند که قرآن به آن اشاره می‌کند. مثلاً حضرت سلیمان(ع) نطق پرندگان را می‌فهمید و سخن مورچه ای که با سایر مورچه ها حرف می‌زد، می‌شنید و هدهد نیز با حضرت سلیمان سخن می‌گفت. در قرآن آمده است که بعضی از حیوانات عامل اجرای فرمان و اراده خداوند قرار می‌گیرند. از جمله:

خداوند، لشکر فیل سواری را که برای خراب کردن کعبه وارد مکه شده بودند، توسط پرندگان به نام ابابیل با سنگ ریزه‌هایی که در منقار داشتند هلاک کرد.

به هرحال تمام حیوانات، برای خدمت به انسان آفریده شده‌اند. مثلاً هر روز در دریاها و اقیانوسها هزاران ماهی می‌میرند که اگر اینها از دریاها پاکسازی نشوند، آبها بدبو و زندگی انسانها نیز در خطر قرار می‌گیرد.

خداوند برای پاکسازی میلیون‌ها ماهی مرده، نهنگ را مأمور خوردن ماهیهای مرده قرار داده است تا بدینوسیله حافظ آنها باشد. و آنها را سالم نگهدارد و زندگی ما در رفاه باشد.

آری نهنگها برای زندگی انسانها زباله های دریا را می بلعند و
همه موجودات برای خدمت کردن به ما آفریده شده اند و شرط انصاف
نیست که ما قدر این نعمتها را ندانیم و از خداوند تشکر نکنیم.
سعدی:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبیری

صرفه جویی

در جهان بیش از هشتصد میلیون گرسنه وجود دارد که عامل آن استثمار قدرتمندان و اسراف طبقات غنی و متوسط است ما یا باید گرسنگان را بحال خود واگذاریم تا بمیرند و یا با صرفه جوئی حیات آنانرا برگردانیم البته در کنار مبارزه با مستکبران.

علی علیه السلام فرمود: قناعت و صرفه جوئی سرمایه ای تمام نشدنی است **الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ**^۱

باید بدانیم که صرفه جوئی بمعنای بخل نیست بلکه استفاده به حدّ نیاز و دوری از زیاده روی و اسراف است
با کمی دقت درمی یابیم که صرفه جوئی

عامل سلامتی بدن است زیرا بیشتر امراض از پر خوری است
عامل تعاون و انسان دوستی و انفاق به دیگران است

عامل مقاومت در برابر تهدیدات دشمن و رسیدن به خود کفائی است
اگر هر نفر در روز یک تومان پول و یا به اندازه یک تگه نان یا به اندازه یک قاشق غذا صرفه جوئی کند آنوقت است که میلیونها گرسنه به نوائی میرسند

باید دانست که صرفه جوئی دارای ابعادی است صرفه جوئی در

۱ - غررالحکم.

عمر، صرفه جوئی در مال، صرفه جوئی در بیت المال و اموال عمومی، صرفه جوئی در غذا و... بیائیم سفارش حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) را برنامه زندگی خود قرار دهیم که فرمود: **يَا بُنَيَّ وَاقْتَصِدْ فِي مَعِيشَتِكَ**^۲ پسر جان در مصرف میانه رو باش و از اسراف دوری گزین البته اگر بخواهیم در صرفه جوئی موفق باشیم باید در زندگی برنامه داشته باشیم امام فرمود: **الْتَقْدِيرُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ** امام فرمود دعای افراد ولخرج مستجاب نمی شود ما می توانیم الگوی مصرف خود را در زندگانی علی علیه السلام و ائمه معصومین پیدا کنیم بیشترین تلاش و کمترین برداشت سیره آن بزرگواران بوده است.

روشهای دشمن برای کوبیدن اسلام

۱ - تضعیف مکتب:

با تحریف: يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ^۱ کلمات خدا را از

جای خود تغییر می‌دهند

با بدعت: قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ وَيَقُولُونَ

هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ^۲ وای بر آنها که مطالبی با دست خود

می‌نویسند سپس می‌گویند از طرف خداست

با التقاط: أَفْتُمُونُ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ^۳

آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و

به بعضی کافر می‌شوید

با سوژه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا^۴

ای افراد با ایمان نگوئید راعنا بلکه بگوئید انظرنا (زیرا کلمه

اول دو معنا دارد هم بمعنای بما مهلت بده و هم بمعنای ما

را تحقیق کن و دشمن معنای دوم را سوژه قرار می‌دهد

با ایجاد موسسات جانبی: وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ

كُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ^۵ آن کسانی که مسجدی

۱ - سوره مائده آیه ۱۳. ۲ - سوره بقره آیه ۷۹.

۳ - سوره بقره آیه ۸۵. ۴ - سوره بقره آیه ۱۰۴. ۵ - سوره توبه آیه ۱۰۷.

ساختند برای ضرر رساندن و کفر و جدائی افکندن میان
مؤمنان

۲ - تضعیف رهبر:

شخص مهمی نیست: **بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ**^۶ بشری است مثل شما
ریاست طلب است: **يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ**^۷ می خواهد بر
شما آقایی کند
منحرف است: **يُبَدِّلْ دِينَكُمْ**^۸ موسی (ع) می خواهد دین و
مرام شما را عوض کند.
وطن فروش است: **يُخْرِجُكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ**^۹ می خواهد شما
را از کشورتان بیرون کند

۳ - تضعیف مردم:

با تحقیر: **أَنْتُمْ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ**^{۱۰} آیا همچون سفیهان
ایمان بیاوریم
با تهدید: **لَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ**^{۱۱} دست
و پایتان را بریده پس از آن همه را بدار خواهم آویخت
با ارباب: **إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ**^{۱۲} لشکر
بسیاری علیه شما فراهم شده بر حذر باشید
با مسخره: **يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ**^{۱۳}
ثروتمندان کمکهای مومنین را مسخره می کنند

۶ - سوره ابراهیم آیه ۱۱. ۷ - سوره مؤمنون آیه ۲۴. ۸ - سوره غافر آیه ۲۶.

۹ - سوره اعراف آیه ۱۱۰. ۱۰ - سوره بقره آیه ۱۳. ۱۱ - سوره اعراف آیه ۱۲۴.

۱۲ - سوره آل عمران آیه ۱۷۳. ۱۳ - سوره توبه آیه ۷۹.

راز سقوط بنی اسرائیل

حدود ۹۰۰ آیه قرآن مجید درباره حضرت موسی و بنی اسرائیل است مردمانی که سالیان دراز زیر ستم فرعون سوختند و ساختند و با قیام حضرت موسی^۱ از شر فرعون نجات یافته حکومتی مستقل برهبری پیامبر خدا یعنی حضرت موسی تشکیل دادند و خداوند درباره ایشان فرمود **إِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ** ای بنی اسرائیل من شما را بر جهانیان برتری دادم شما آقای جهانیان هستید اما در جای دیگر قرآن می خوانیم **قَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ** گرفتار قهر و غضب الهی شدند راستی چرا؟ چگونه یک ملت عزیز ذلیل می شوند خود قرآن راز قصه را اینگونه بیان میکند:

۱ — علماء و دانشمندان یهود قانون آسمانی را تغییر دادند
(يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ^۱)

۲ — تجار و بازرگانان به سراغ رشوه و ربا رفتند (وَآخَذِهِمُ الرِّبَا^۲)

۳ — گروهی جذب گوساله طلائی شده به دنبال او رفتند^۳

۴ — عموم مردم رفاه طلب شده و از جنگ و دفاع فرار میکردند
(حضرت موسی^۱ به آنان فرمود در این شهر جبار و ستمگری هست برویم و با او بجنگیم آنها گفتند **إِذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا** انا ههنا فاعِدُون تو

۱ — مائده ۴۱. ۲ — نساء ۱۶۶. ۳ — اعراف ۱۴۸.

با خدایت بجنگ برو ما همین جا نشسته ایم)^۴
به این دلایل خداوند فضیلت آنها را به قهر و غضب تبدیل کرد^۵
فَضْرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ

حجاب

خداوند در میان مخلوقاتش تنها انسان را بداشتن لباس کرامت

فرموده:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ^۱ حجاب و لباس یک هدیه آسمانی است قدانزلنا.

لباس به سه نیاز انسان پاسخ می‌دهد:

۱ - حفظ عفت و شرم و حیا

۲ - آراستگی و زیبایی

۳ - حفاظت از سرما و گرما

شما جنس مرغوب را در کادو می‌پیچید، روی تلویزیون پارچه می‌اندازید، کتاب قیمتی را جلد می‌کنید، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمی‌دهید. بنابراین جلد و حجاب نشانه ارزش است. خداوند برای چشم که ظریف است و خطرات آنرا تهدید می‌کند حجاب قرار داده. حجاب باعث تمرکز فکر مردان که بخش عمده تولید جامعه بدست آنان است می‌گردد در کشورهایی که بی حجابی است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا می‌کند. اسلام بخاطر حفظ حیا، کرامت و جلال، جلوگیری از تشّت و هوسبازی و گسستن نظام خانواده

۱ - اعراف آیه ۲۶.

حجاب را واجب فرموده.

باید دانست که حجاب مانع تولید نیست بزرگترین صادرات ایران بعد از نفت قالی است که تولیدش بدست زنان باحجاب است.

حجاب مانع تحصیل نیست صدها هزار دانشمند زن در کشور اسلامی ایران شاهد این ادعاست حجاب آرم جمهوری اسلامی ایران است. دنیا انقلاب اسلامی ایران را با حجاب بانوان می شناسد و ابرقدرتها از این نشانه پرارزش انقلاب آنقدر هراس دارند که چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامی بر سر کلاس درس تحمل نمی کنند.

امام خمینی می فرمود: من به بانوان ایران افتخار می کنم و آنان را به رهبری قبول دارم.

بیست دستور بهداشتی

حضرت امیرالمؤمنین فرمود بالاترین خطر برای جامعه فقر است و بالاتر از آن مرض و بیماری جسمی و بالاتر از آن بیماری روح است^۱ در این درس ترجمه بیست حدیث از احادیث اسلامی را ارائه می‌کنیم

۱ — دندانهای خود را مسواک کنید که خدا را راضی، شیطان را خشمگین، دهان را خوشبو، دندانها را سفید، لثه‌ها را محکم، اشتها را زیاد، معده را سالم، حافظه را افزون و فرشتگان را شاد می‌کند^۱

۲ — دارو مثل صابون است گرچه صابون لباس را تمیز میکند اما از استحکام آن میکاهد.

۳ — از ظرف ترک دار و شکسته چیزی نخورید.

۴ — مابین غذا خوردن زیاد آب ننوشید.

۵ — در حال راه رفتن غذا میل نکنید.

۶ — پرخوری نکنید که جسم را بیمار و قلب را مریض میکند.

۷ — فقط وقتی اشتها دارید غذا میل کنید و هرگز با شکم سیر

غذا نخورید.

۸ — در خوردن عجله نکنید و با کمال آرامی و نشاط غذا میل

کنید.

۱ — بحار ج ۷۶ ص ۱۳۷.

- ۹- آب را جرعه جرعه بنوشید و یکدفعه نبلعید.
- ۱۰- روی ظرف آب را بپوشانید.
- ۱۱- قبل و بعد از غذا خوردن دستهایتان را بشوئید.
- ۱۲- هیچگاه با دندان ناخنهایتان را نگیرید.
- ۱۳- لباس نظیف بپوشید تا روحیه شاد داشته باشید.
- ۱۴- موهای خود را تمیز نگهداشته و آنها را شانه بزنید.
- ۱۵- از حوله، شانه و مسواک دیگران استفاده نکنید.
- ۱۶- آبهای راکد و جاری و اطراف آنها را آلوده نکنید (در آب بول نکنید).
- ۱۷- مسجد را تمیز نگهدارید تا در قیامت خندان باشید.
- ۱۸- ایستاده ادرار کردن و نگهداشتن ادرار موجب بیماری میگردد.
- ۱۹- سعی کنید از غذای بازار استفاده نکنید مگر در مواقع ضروری.
- ۲۰- اول و آخر غذا نمک میل کنید.

بخش سوم
اخلاقی

نقش انگیزه‌ها

یک سلیلی بر صورتی نواخته می‌شود، اما باید دید نیت در این عمل چه بوده؟

۱- آزمایش هیجان طرف

۲- آزمایش نیروی خود

۳- به درد آوردن صورت طرف

۴- توهین و تحقیر

۵- تربیت و تنبیه

۶- اجراء فرمان مافوق

۷- بهوش آوردن

دو نفر چاقو میزنند و شکم پاره می‌کنند یکی به قصد کشتن، دیگری به قصد جراحی. از چاقوکش پول میگیرند، به جراح پول میدهند. یکی مورد نکوهش قرار میگیرد اما نسبت به دیگری احترام قائلند. گرچه ظاهراً یک عمل انجام شده اما باید دید آن عمل بر طبق چه انگیزه‌ای و نیتی انجام گرفته است.

دو مهمان بر حضرت رضا علیه السلام وارد شدند که از شهری دور آمده بودند از حضرت حکم نمازشان را پرسیدند حضرت به یکی فرمود نمازت را تمام (چهار رکعتی) بخوان چون به قصد زیارت مأمون آمده‌ای و

قصدت گناه است و مسافری که برای حرام سفر میکند نمازش تمام است اما به دیگری فرمود نمازت را (شکسته) بخوان چون به قصد زیارت من آمده‌ای ما باید توجه داشته باشیم که در کارها چه انگیزه‌ای داریم انگیزه مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، دنیائی، آخرتی، علمی، هنری، فقی، سیاسی و... اگر دوست داریم کارمان باقی و جاوید بماند باید تلاش کنیم برای رضای خدا انجام دهیم. در انتخاب رشته، در انتخاب دوست، در انتخاب همسر، در عبادت و خدمت فقط خدا را در نظر بگیریم.

در روایت می‌خوانیم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** اعمال ما را براساس نیت‌ها ارزش گذاری میکنند چه بسا در قیامت به کاری پاداش داده می‌شود گرچه ناتمام مانده بدلیل اینکه انگیزه‌ای الهی در کار بوده و به کاری هیچ پاداش داده نمی‌شود زیرا نیت خیر در کار نبوده بیائیم انگیزه‌ها و نیت‌های خود را خالص کنیم و شعاع همت خود را از دنیا به آخرت بکشانیم و کاری کنیم که پس از مرگ هم باقی بمانیم.

کنترل غرائز

اگر مسیر لوله‌های کپسول گاز را آزاد بگذاریم جز انفجار و آتش‌سوزی و آلودگی و خطر نتیجه‌ای ندارد اما اگر مسیر گاز را کنترل کنیم هم بما گرما و حرارت می‌دهد هم محل زندگی ما را روشن میکند و هم خطری پیش نمی‌آید غرائز در وجود انسان همینطور است اگر آزاد ورها باشند باعث سقوط انسان خواهد شد و از انسان گرگی خونخوار و عقربی جرّار و خوکی کثیف خواهد ساخت اسلام می‌خواهد انسان را تربیت کند لذا برای کنترل غرائز دستوراتی داده تا هم انسان از غرائز استفاده کرده و لذت ببرد و هم سعادت آخرت را بدست آورد اما چگونه ممکن است غرائز سرکش را تعدیل نمود و خوشبخت شد

۱ — با یاد خدا از خدا کمک بطلبیم، به او پناه ببریم قرآن می‌فرماید: **إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي**^۱ نفس سرکش انسان را به بدی امر میکند مگر اینکه پروردگار من رحم کند یعنی لطف خدا از تمایلات سرکش جلوگیری میکند

۲ — توجه به کرامت انسانی

حضرت علی (ع) می‌فرماید: **مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ**

شَهْوَتُهُ^۲

۱ — یوسف ۵۳. ۲ — نهج البلاغه حکمت ۴۴۹.

کسی که برای خود شخصیت و کرامت انسانی قائل است
شهوات برایش بی ارزش خواهد بود

۳ - یاد قیامت

رسول خدا فرمود: یا اباذر لا خَیْرَ فِی لَذَّةٍ مِنْ بَعْدِهَا النَّارُ وَما شَرُّ
بَشَرٍ بَعْدَها الْجَنَّةُ

در لذت و گناهی که بعدش آتش است خیری نیست و سختی و
مشکلی که بهشت را در پی دارد بد نیست رسول رحمت فرمود خوشا بحال
کسی که وعده‌های قیامت او را ز گناهان دنیایی باز میدارد

۴ - کنترل نگاه

نگاه حرام یکی از تیرهای شیطان است امام صادق (ع) فرمود
أَلَنْظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِیسَ و چه بسا که یک نگاه، حسرت ابدی را
بدنبال داشته باشد سعی کنیم نگاههای خود را کنترل کنیم و از نامحرم و
خانه دیگران چشم بپوشیم امام فرمود پاداش چشم پوشی از حرام لطف حق
است

قطع رابطه با دوستان ناباب، روزه، ورزش و تفریح حلال و مناسب،
حجاب و پوشش خداپسند، پرهیز از مراکز گناه و عکس و فیلمهای محرک
راههای دیگر کنترل غرائز است.

هشت نکته درباره دروغ

۱ — رسول خدا در خانه ای مهمان بود زن صاحبخانه در حالیکه چیزی در دست داشت به کودک گفت بیا جلوتا این را بتوبدهم حضرت فرمود وقتی بچه جلو آمد اگر به او ندهی یک دروغ بحساب تونوشته می شود

۲ — از دروغهای عملی غافل نشویم مثلاً:

تکذیب حرف راست دروغ است

ریا کار دروغگو است

نویسنده دروغ هم دروغگو است

زیبا نشان دادن جنس پست بجای جنس مرغوب دروغ است

اشاره دروغ دروغ است

۳ — از دروغهای نامرئی غافل نشویم

نفاق بالاترین دروغ است قرآن بارها به منافق دروغگو گفته

رُستهای خلاف واقع قیافه های مقدس مآبانه — روشنفکرانه

دروغ است

۴ — سعی کنیم با خدا هم دروغ نگوئیم

در روایت آمده بعضی وقتها شخصی در اول نمازش تکبیر

می گوید خداوند فرشته ای را نزد او میفرستد که به او بگوید (یا کاذب

أَتَخَذُ غُنًى) ای دروغگو مرا گول میزنی آیا الله اکبر تو واقعی است؟ آیا حقیقتاً مرا از هر چیز و هر کس بالاتر میدانی؟ بزرگتر میدانی؟

۵ — وعده دروغ هم دروغ است

پیامبر (ص) فرمود: لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ (بحار ۷۲/ص ۹۶)

رسول خدا (ص) فرمود هر کس که به مردم ظلم روا ندارد و دروغ نگوید و بعد از وعده دادن خلاف نکند از کسانی است که مروت و جوانمردیش کامل و عدالتش آشکار و غیبتش حرام است (بحار ۷۲ ص ۹۲) قرآن میفرماید وَ إِذَا كُفِّيَ الْكِتَابَ إِسْمَاعِيلُ إِنَّهُ صَادَقُ الْوَعْدِ (۵۳ مریم)

۶ — گوش دادن به دروغ هم گناه است

قرآن در مورد منافقین میگوید (سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ) به شایعات دروغ گوش میدهند.

در آیه ای دیگر میفرماید لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ بر گناه همدیگر را کمک نکنید و گوش دادن دروغ کمک به گناهکار است

یکی از ویژگیهای اهل بهشت را قرآن اینگونه بیان میکند لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵ بناء) بهشتیان به سخنان بیهوده و دروغ گوش نمیکنند پس فضای بهشتی فضایی است که آکنده از راستی و صداقت باشد

۷ — با دروغگو دوست نشوید

إِيَّاكَ وَمُصَاحِبَهُ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرِّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يُبَاعِدُ لَكَ الْقَرِيبَ علی علیه السلام فرمود از دوستی با دروغگو پرهیز زیرا حقایق را در چشم تو وارونه جلوه میدهد نزدیک را دور و دور را نزدیک نشان میدهد در نتیجه تصویری کاملاً غلط از زندگی پیدا می کنی

و بر مبنای آن برنامه میریزی که پایان آن شکست است. وعده‌های
دروغگو همچون سرابی است که هر چه می‌روی به آن نمیرسی
۸ — از دروغ بدتر قسم دروغ است، قسم دروغ از گناهان کبیره
است قسم دروغ از صفات منافقین است، قسم دروغ هم نشانه
بی شخصیتی خود انسان و هم توهینی به مقدسات است

نقش زبان

زبان معرف شخصیت انسان است حضرت علی (ع) فرمود
تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد حضرت
 علی (ع) فرمود زبان عضوی است کوچک اما جرائم و گناهانش بزرگ
 است در این درس به بررسی برکات و گناهان زبان می‌پردازیم تا به
 اهمیت این عضو کوچک پی ببریم:

برکات زبان

- ۱ — با زبان خدا را عبادت می‌کنیم.
- ۲ — با زبان کتاب خدا را تلاوت می‌کنیم.
- ۳ — با زبان امر بمعروف و نهی از منکر می‌کنیم.
- ۴ — با زبان از دین و ناموس و وطن خود دفاع می‌کنیم.

گناهان زبان

- ۱ — با زبان طاعتها را می‌ستائیم.
- ۲ — با زبان اشعار و سخنان باطل و بیهوده می‌گوئیم.
- ۳ — با زبان امر به منکر و نهی از معروف می‌کنیم.
- ۴ — با زبان برای اجانب و بیگانگان و کفار تبلیغ می‌کنیم.

برکات زبان

۵ — با زبان بر سر ظالم فریاد
می‌زنیم و از مظلوم حمایت
می‌کنیم.

۶ — با زبان بین دلها پیوند
میزنیم صفا و صمیمیت را برقرار
می‌کنیم.

۷ — با زبان مردم را هدایت و
راهنمایی می‌کنیم.

۸ — با زبان اذان می‌گوئیم، شعار
میدهیم و از دین خدا حفاظت
می‌کنیم.

۹ — با زبان دلی را بدست
می‌آوریم و خاطری را شاد
می‌کنیم.

گناهان زبان

۵ — با زبان مظلوم را تحقیر و
ظالم را تشویق می‌کنیم.

۶ — با زبان سخن چینی و
فحاشی کرده بذر کینه را در دلها
می‌کاریم.

۷ — با زبان جوانان پاک را
منحرف می‌کنیم.

۸ — با زبان شایعه می‌سازیم،
غیبت و تهمت و بهتان می‌زنیم.

۹ — با زبان نیشی به دلها فرو
می‌کنیم و خاطر مردم را رنجیده
می‌کنیم.

مسخره کردن

یکی از بیماریهای روحی مسخره کردن است برای درمان هر بیماری اگر ریشه‌های آن بیماری را کشف کنیم درمان آن آسانتر خواهد شد حالا ببینیم ریشه‌های مسخره کردن چیست؟

۱ — خودبرتربینی: وقتی انسان خودش را از دیگران بالاتر می‌بیند بخاطر سوادش، هنرش، شکلش، ثروتش، قدرتش، پستش به خود اجازه می‌دهد تا زیردست خود را مسخره کند. خودبرتربینی ابعادی دارد:

الف — مالی: **وَيَلُّ لِكَايَ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ**^۱ کسیکه ثروتی روی هم انباشه و پیوسته شمارش میکند او با زبان و چشم به مردم طعنه می‌زند می‌بینید که ریشه این مرض غرور مالی است خداوند برای بنی اسرائیل جوانی فقیر را بعنوان فرمانده جنگ تعیین فرمود بنام طالوت گروهی گفتند **آنَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ... لَمْ يُولَدْ سِعَةً مِنَ الْمَالِ**^۲ فرماندهی به این شخص نیامده او را چه به فرماندهی چون او مال و ثروتی ندارد ثروتمندان بی‌ایمان کمکهای مردمی را به جبهه مسخره میکردند **يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا**^۳

ب — علمی: اگر در کنار تعلیم و تربیت تزکیه نباشد زود انسان به دانش خود مغرور می‌شود چه زیباست این آیه **فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ**

۱ — همزه ۱ و ۲ — بقره ۲۴۷. ۳ — بقره ۲۱۲

الْعِلْمَ وَحَقَّ بِهِمْ مَا كَانُوا يَسْتَهْزِئُونَ^۴ به علم خود دلشاد بودند لذا دیگران را مسخره می‌کردند اگر انسان در مکتب قرآن تربیت شود هر چه علمش بیشتر می‌شود تواضع و فروتنی اش بیشتر می‌شود حضرت مسیح که معلم حواریون بود از شاگردان خواش کرد که پایشان را بشوید تا به آنان تواضع را بیاموزد چه زشت است که انسان به محض یاد گرفتن چند فرمول یا چند بیت شعر خودش را بزرگ دیده و به شخصیت انسان‌ها لطمه بزند

ج - قدرت: قدرت بدنی و یا اجتماعی هم انسان را مغرور می‌کند چون پهلوان است چون ورزشکار است چون به فنون نظامی آگاه است چون پُست و مقام دارد خیلی راحت مردم را تحقیر میکند علی علیه السلام فرمود وقتی قدرت پیدا کردی در راه اطاعت خدا صرف کن دست بینوایی را بگیر. از قدرتت به نفع مظلوم علیه ظالم استفاده کن با این قدرت خدادادی در خدمات اجتماعی خود را سهیم کن فرهنگ زورخانه‌های قدیم فرهنگ تواضع و خدمت به خلق بوده و جوانهای قدرتمند، باید این فرهنگ را احیاء کنند و از قدرت خود سوءاستفاده نکنند.

د - اجتماعی: یکی دیگر از ریشه‌های مسخره کردن طبقه‌بندیهای صنفی و شغلی و منطقه‌ای و اجتماعی است شهری و روستایی، کارمند و بازاری، پزشکی و دامپزشکی، نفتی و شهرداری قرآن میفرماید لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ^۵ دسته‌ای دسته دیگر را مسخره نکنند چه میدانید شاید آنها از شما بهتر باشند این آینده است که روشن خواهد کرد عزیز کیست و ذلیل کی؟ سعید کیست و بدبخت کی؟

تفریح و سرگرمی، حسادت، بغض و کینه از عوامل دیگر استهزاء
و مسخره است.

ایثار و گذشت

یکی از صفات پسندیده اهل ایمان گذشت است که قرآن مجید در آیات زیادی به گذشت از جان، گذشت از مال، گذشت از خواب، گذشت از شهوت و گناه، گذشت از فرزند که اولیاء خدا از خود نشان دادند اشاره دارد

حضرت ابراهیم از فرزند، حضرت داود از جان، حضرت یوسف از گناه، مهاجرین از مال و شب‌زنده‌داران از خواب می‌گذرند و مدال افتخار بندگی از پروردگار عالم دریافت می‌کنند

مسلمان باید طوری تربیت شود که خیلی راحت از جان و مال خود در راه خدا گذشت کند حتماً داستان مصعب بن عمیر اشرافزاده قهرمان آن جوان زیباروئی که از خانواده‌یی ثروتمند بود شنیده‌اید به عشق اسلام از خانه و کاشانه و لباسهای فاخر و غذاهای لذیذ گذشت کرد و نماینده پیامبر در مدینه شد و در پایان عمرش در جبهه‌ها در حالیکه دو دستش قطع شده بود به دیدار معشوق شتافت

در غروب یکی از روزها فقریری به خانه فاطمه زهرا (س) مراجعه کرد حضرت فرمود خود ما هم گرسنه هستیم و بجز غذای بچه‌ها در خانه چیزی نداریم حضرت زینب که دختری کوچک بود و تربیت شده فاطمه زهرا (س) غذایش را نزد فقیر آورد و گفت من امشب غذا نمی‌خورم

و گذشت می‌کنم

قرآن می‌گوید: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ^۱ هرگز به ارزشهای والا نرسید مگر اینکه از چیزهایی که خودتان دوست دارید در راه خدا انفاق کنید

خداوند هزاران نعمت به ما داده نعمت سلامتی، آگاهی و سواد، پدر و مادر، نعمت ولایت اهل بیت، نعمت حکومت اسلامی و شکر این نعمتها در این است که به دیگران هم توجه داشته باشیم اگر می‌توانیم کمک کنیم وگرنه دل محرومان را نسوزانیم در زمان ما ده‌ها هزار جوان بخاطر اسلام و دفاع از کشور اسلامی از جان و مال خود گذشتند یاد اینان را گرامی بداریم و با تلاش و کوشش در حفظ امانتی که بدست ما سپردند بکوشیم.

تَهْمَت

دشمن گاهی جان می‌گیرد می‌شود شهادت
 گاهی مال می‌گیرد می‌شود سرقت
 گاهی دین می‌گیرد می‌شود بدعت
 گاهی آبرو می‌گیرد می‌شود تهمت

شهادت و سرقت قدرت می‌خواهد، بدعت فکر می‌خواهد اما
 تهمت هیچ خرجی ندارد، تهمت زمینه‌ساز آن سه جنایت است
 اگر خواستند کسی را بکشند اول می‌گویند فلان کاره است تا راه
 باز شود بهتان یعنی دروغی که انسان بُهتش میزند
 امام صادق(ع) فرمود: وقتی مومن به دوستش تهمت میزند ایمان
 در قلبش ذوب می‌شود همانگونه که نمک در آب حل می‌شود.
 و آن حضرت فرمود: اولیاء خدا هیچگاه از تهمت‌های مردم در
 امان نبوده‌اند به پیامبرانی چون حضرت یوسف و زنانی پاکدامن چون
 حضرت مریم تهمت زدند باید نوع رفتار و عملکرد ما بگونه‌ای باشد که
 سوژه و بهانه بدست افراد مغرض نیفتد رسول رحمت (ص) فرمود با افرادی
 که تهمت می‌زنند رفت و آمد نکنید چون خودتان هم متهم می‌شوید

مردم و دنیا

- ۱ — گروهی هم از دنیا بهره‌مند می‌شوند هم از آخرت مثل حضرت یوسف و حضرت سلیمان و در حقیقت شعارشان این آیه است:
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
- ۲ — گروهی فقط دنبال دنیا هستند و کاری به آخرت ندارند و شعارشان این آیه است: **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا**^۱ اینان فقط دنیا می‌خواهند حتی نمی‌گویند خدایا حسنه دنیا را بما بده بلکه فقط دنیا را می‌طلبند و کاری به حلال و حرام آن ندارند
- ۳ — گروهی از لذات دنیا بی بهره‌اند اما در آخرت متنعمند مثل مهاجرین فقیر **لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ**^۲ مثل ایثارگرانی که از جان و مال گذشتند و مصائب و سختیها را تحمل کردند. اینان مؤمنین راستین هستند.
- ۴ — گروهی نه دنیا دارند و نه آخرت که قرآن درباره اینان می‌فرماید: **خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**^۳

۱ — بقره ۲۰۱. ۲ — بقره ۲۰۰. ۳ — بقره ۲۷۳. ۴ — بقره ۱۱۴.

بهترین ها کدامند؟

شناخت انسانهای نمونه و ویژگیهای آنان آثار تربیتی دارد در این

درس می‌خواهیم بهترین ها را از دیدگاه ائمه بشناسیم

۱ - علی (ع): خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ^۱ بهترین مردم کسی است که

نفع رسان و نیکوکار باشد

۲ - رسول الله (ص): خَيْرُ النَّاسِ مَنْ دَعَاكُمْ إِلَى الْخَيْرِ^۲ بهترین مردم

کسی است که شما را به راه خیر دعوت کند

۳ - رسول الله (ص): خَيْرُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ اللَّهُ رُبُّوْته^۳ بهترین مردم

کسی است که دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد

۴ - رسول الله (ص): خَيْرُكُمْ مَنْ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحْلِهِ فَتَزَوَّدَهَا^۴ بهترین

شما کسی است که سرعت گذشت دنیا را شناخته و برای

آخرت خود توشه‌ای آماده کرد

۵ - علی (ع): خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي يُسْرِهِ سَخِيًّا وَفِي غُسْرِهِ صَبُورًا^۵

بهترین مردم کسی است که در گشایش و توانایی

سختاوتمند و در تنگی و سختی مقاوم است

۶ - رسول الله (ص): خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَأَفْشَى السَّلَامَ وَصَلَّى

۱ - غررالحکم. ۲ - میزان الحکم ج ۳ ص ۲۱۵.

۳ - میزان الحکمة ج ۳ ص ۲۱۵. ۴ - میزان الحکمة ج ۳ ص ۲۱۵. ۵ - غررالحکم

بِالْإِيلِ وَالنَّاسِ نِيَامٌ^٦ بهترین شما کسی است که اطعام
میدهد و بلند سلام میکند و در حالیکه همه مردم بخوابند در
شب نماز میخواند

۷ - علی (ع): خیر اخوانک مَنْ وَاَسَاک^۷ بهترین دوستان شما کسی
است که با شما همدردی داشته باشد

۶ - میزان الحکمة ج ۳ ص ۲۱۵ ۷ - بحار ج ۷۸ ص ۱۲.

بدترین مردم کیانند؟

۱ - کسی که مردم از شر او میترسند و به او احترام میگذارند
 رسول الله (ص): **شَرُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُكْرِمُونَ
 اتِّقَاءَ شَرِّهِمْ**^۱

۲ - کسی است که آخرتش را بدنیا بفروشد رسول الله (ص): **شَرُّ النَّاسِ
 مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا**^۲

۳ - کسی است که به مردم ظلم میکند و آزار میرساند: **شَرُّ النَّاسِ مَنْ
 يَظْلِمُ النَّاسَ**^۳

۴ - کسی است که برایش مهم نباشد که مردم او را در حال گناه ببینند
 علی (ع): **شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُبَالِي أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئاً**^۴

۵ - کسی است که قدردان نعمتها نیست و احترام افراد را نگه نمیدارد
 علی (ع): **شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ وَلَا يُرَاعِي
 الْخُرْمَةَ**^۵

۶ - کسی است که بدنبال عیب جویی مردم است علی (ع): **شَرُّ النَّاسِ
 مَنْ كَانَ مُتَّبِعاً بِعُيُوبِ النَّاسِ عَنْ مَعَايِبِهِ**^۶

۷ - کسی است که خودش را بهترین مردم بداند قال علی (ع): **شَرُّ**

۱- بحارج ۷۵ ص ۲۸۳ ۲- بحارج ۷۷ ص ۴۶ ۳- غررالحکم ۴- غررالحکم.

۵- غررالحکم ۶- غررالحکم.

التَّاسِ مَنْ يَرَى أَنَّهُ خَيْرُهُمْ^٧

۸- کسی است که خوبی را با بدی پاسخ میدهد قال علی (ع): شَرُّ

التَّاسِ مَنْ كَافَى عَلَى الْجَمِيلِ بِالْقَبِيحِ^۸

۷- غررالحکم. ۸- غررالحکم.

یک نقشهٔ شیطانی

بعضی می‌گویند ما میدانیم خط راست و صراط مستقیم چیست الان که فصل جوانی و لذت بردن است مقداری از راه مستقیم منحرف می‌شویم تا به لذت‌های خود برسیم در اواخر عمر راه را عوض کرده و مجدداً به راه راست ملحق می‌شویم و با رهروان صراط مستقیم با هم وارد بهشت سعادت می‌شویم می‌بینید که نقشهٔ فریبنده و زیبای است اما این نقشه اشکالاتی دارد.

۱ — انحراف به سمت بالا نیست سقوط است، به سمتِ جلو نیست عقب‌گرد است انسان وقتی به گناه آلوده شد سقوط کرده عقب رفته اگر فرصتی داشته باشد مقدار زیادی باید راه برود تا به نقطه‌ای برسد که همراهانش حرکت را شروع کردند

۲ — در این مثلث‌ها پایان خط مشخص است اما پایان عمر، مشخص نیست شاید همین امروز پایان عمر ما باشد چه کسی ضمانت داده که همهٔ انسانها ۸۰ سال عمر می‌کنند مگر ما هر روز شاهد مرگ جوانی کم سن و سال نیستیم

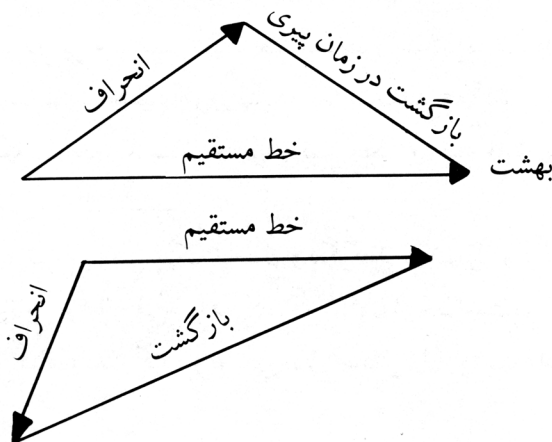
۳ — توبه یعنی یک تحوّل و دگرگونی و تحوّل و دگرگونی بصیرت و توانایی و اراده می‌خواهد کسیکه سالها از خط مستقیم دور شده و روحش با گناه عادت کرده و توانایی‌های خودش را از دست داده با چه

اراده و توانایی می‌خواهد در سن پیری این تحوّل را در خود ایجاد کند درست است توبه در هر سنی پذیرفته است اما توبه که یک لفظ نیست یک تحوّل است توبه یک انقلاب است یک اصلاح اساسی و بنیانی است

۴ — افرادی که گناه سراپای وجود آنان را گرفته قرآن می‌گویند اینها مرده هستند و راه نجات بروی آنان بسته است مریض باید نیم‌نفسی داشته باشد تا پزشک او را معالجه کند و گرنه جایگاه مُرده گورستان است انسان اگر روزی یکی دوتا سیگار بکشد ترکش آسان است اما معتادی که روزی چند بسته می‌کشد ترکش بسیار مشکل است

۵ — توبه تا زمانی مقبول می‌شود که انسان در شرائط عادی و طبیعی باشد و گرنه اگر نشانه‌های مرگ پیدا شد و لحظات جان دادن رسید پشیمانی و بازگشت فایده‌ای ندارد توبه فرعون بر روی آب در حال غرق شدن بی‌اثر است و قرآن می‌گوید مرگ ناگهانی از راه میرسد خبر نمی‌کند تا شما خودتان را آماده کنید

۶ — عاقل خودش را مریض نمی‌کند به امید اینکه سالم شود



سوز و شور

افراد گوناگونی در جامعه وجود دارند. عده‌ای هستند که یک پارچه سوز و حرکت دارند و بسیار ارزشمند، مانند پیامبران.

خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود:

من تو را به مقام پیامبری رساندم؛ چون در توسوزی بود که در دیگران نبود. حضرت رسول (ص) برای مردم می‌سوخت و بی‌تاب بود.

گروه دیگری هستند که بی تفاوت و بی خیال هستند و قرآن از آنان به سنگدل تعبیر فرموده است. قرآن می‌فرماید: شما بهترین امت هستید به شرط آن که نسبت به خوبیها و بدیها متعهد باشید. به خوبیها سفارش کنید و از بدیها جلوگیری نمایید.

لقمان به فرزندش می‌فرماید: «پسرم هم نماز بخوان و هم در جامعه سوز و شوری داشته باش. امر به معروف کن و نهی از منکر نما».

در حدیث می‌خوانیم: اگر مردم بی تفاوت شوند، افراد فاسد بر مردم حاکم می‌شوند و خداوند برکاتش را از مردم سلب می‌کند.

کسی که در برابر فساد با دست و زبان و دل عکس العمل از خود نشان ندهد و همچنان بی تفاوت باشد همانند مرده است در میان زندگان.

اگر کسی بتواند دیگری را از فساد بازدارد ولی بی تفاوت باشد به آن شخص خیانت کرده است. در حدیث می‌خوانیم: هرکس به فکر

مسائل و مشکلات مسلمانان نباشد در حقیقت مسلمان نیست. کسی که اتاق و مسکن دارد و مسلمانی به او مراجعه می‌کند و او نمی‌دهد، خداوند به فرشتگان می‌فرماید:

«شاهد باشید که او در دنیا مسکن به بنده من نداد من هم در قیامت بهشتم را به او نمی‌دهم». کسی که مشکل مردم را حل کند، گویا تمام عمر مشغول عبادت است و کسی که با تلاش جلوسیل و آتش سوزی را بگیرد بهشت بر او واجب می‌شود.

کسی که مشکل مردم را حل کند در قیامت هیچ ناراحتی نخواهد دید. به هر حال انسان باید در جامعه سوز داشته باشد. در حدیث می‌خوانیم که مسلمانان همچون اعضای یک بدن هستند که هرگاه یکی به درد آمد سایر اعضا نیز ناراحت می‌شوند.

سعدی این حدیث را به شعر زیبایی درآورده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

غذا

یکی از وظیفه‌های انبیا (ع) بیان خوردنیها و نوشیدنیها است که چه بخوریم و چگونه بخوریم.

قرآن می‌فرماید: «خوراک شما باید حلال باشد» مطابق میل و طبع و دلپسند و طیب باشد. غذای حرام یا فاسد، در روح و جسم و نسل انسان اثر می‌گذارد. در قرآن هربار که می‌فرماید: بخورید، سفارش دیگری را هم در کنارش دارد. مثلاً بخورید و شکر خدا کنید. بخورید و تقوی داشته باشید. بخورید و به دیگران هم بدهید و...

در حدیث می‌خوانیم: کسی که با شکم سیر بخوابد ولی همسایه‌اش گرسنه باشد ایمان به خداوند ندارد و کسی که زیاد بخورد سنگدل می‌شود. امام باقر (ع) فرمود «چیزی بدتر از شکم پر در نزد خداوند نیست». حضرت علی (ع) فرمود:

سلامت انسان در گرو کم خوردن است. به خصوص سفارش شده است که شبها کم بخورید و اگر در برابر دیگری غذا می‌خورید، حتماً به او هم بدهید.

قبل از غذا دست خودمان را بشوئیم. از غذاهای طبیعی به خصوص نان جو، عدس، سبزیجات و کاهو و شیر بیشتر استفاده کنیم. بدانیم که در تهیه غذا چقدر زحمتهای کشیده شده است. در آماده‌سازی غذا

به دیگران کمک کنیم.

پیامبر اکرم (ص) که با گروهی هم سفر بودند و برنامه غذایی داشتند، هر یک نفر کاری را به عهده گرفت: حضرت فرمود: جمع کردن هیزم با من. همسفران خواستند نگذارند. لیکن پیامبر (ص) با اصرار کار خود را انجام دادند.

در حدیث می‌خوانیم از رحمت خداوند دور باد کسی که هنگام سفره و غذا حاضر است؛ لیکن وقت کار از زیر بارشانه خالی می‌کند. غذارسانی به محرومان یکی از سفارشهای قرآن و یکی از کارهای امامان عزیز ماست.

اهل بهشت از دوزخیان می‌پرسند چرا شما گرفتار جهنم شدید؟
آنها می‌گویند به چند دلیل:

۱ — ما پایبند به نماز نبودیم.

۲ — گرسنگان را سیر نمی‌کردیم.

۳ — در هر محفل و سخنی و در هر یاوه‌سرایی ما هم شریک می‌شدیم.

کسی که سوگند یاد کند ولی به سوگند خود عمل ننماید باید کفاره بدهد و کفاره آن سیر کردن ده فقیر است. در غذا خوردن دستورات زیادی است از جمله آن که غذای داغ نخورید. به غذا فوت نکنید. لقمه کوچک بگیرید. حتی المقدور لقمه را بجوید.

پاکی و نظافت

در اسلام صدها دستور بهداشتی برای خوراک و پوشاک و مسکن و بدن انسان وارد شده است که بعضی از دانشمندان گوشه‌ای از آن دستورات را در چندین جلد کتاب نوشته‌اند و ما به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم. مسواک در اسلام به قدری اهمیت دارد که پیامبر (ص) فرمود: اگر برای ملاحظه حال مردم نبود مسواک را واجب می‌کردم. مسواک در زیاد شدن نور چشم و نریختن موی سر و اشتها و اخلاق انسان و محکم شدن لثه دندان و سفید شدن دندانها موثر است. پیامبر اکرم (ص) در هر وضو مسواک می‌کردند و چوب مسواکشان را گاهی پشت گوش مبارکشان قرار می‌دادند.

حمام رفتن در هر هفته و غسل جمعه کردن و کوتاه کردن موی بدن، بسیار مورد سفارش اسلام است. در حدیث می‌خوانیم مسلمانان قبل از ورود به مسجد پای خود را بشویند تا بوی عرق پا مردم را آزار ندهد و همچنین از خوردن پیاز و سیر و هر غذایی که بوی آن دیگران را ناراحت می‌کند خودداری نمایند. در حدیث می‌خوانیم لباس نظیف بپوشید که حزن و غم را برطرف می‌کند؛ ولی سعی کنید که لباس و تجملات و شیک پوشی به حالت عادت و مدپرستی و اسراف و غرورآور و فخرفروشی درنیاید. ناخنهای خود را بگیرید تا میکرب و کثافت زیر آن جمع نشود و

هرگز با دندان ناخنهای خود را کوتاه نکنید تا زبان و لب شما با آلودگیهای زیر ناخن تماس نگیرد. از سدر در حمام استفاده کنید که برای پوست بدن بسیار مفید است. از خاک کوچه و بازار که آلوده است، برای تیمم استفاده نکنید. رنگ لباس روشن باشد تا هنگام کثیف شدن، انسان متوجه شود و به فکر شستن آن باشد. پس مانده حیوانات را نخورید. از غذای شب مانده حتی المقدور دوری نمایید. میوه را نشسته مصرف نکنید. شب زیر درخت نخوابید. آشغال در آبهای جاری نریزید. آب دهان را در آبهای آشامیدنی و مسجد و مراکز عمومی نیفکنید، زباله را در منزل نگهداری نکنید که مرکز جمع شدن انواع میکربها است. از خوردن غذای داغ دوری کنید. قبل از غذا و بعد از غذا دست خود را بشویید. خانه خود را از تار عنکبوت پاکسازی نمایید.

در روایات اسلامی، کثافت عامل فقر و مرض شناخته شده و از آن به شیطان تعبیر شده است. اسلام آلوده کردن زیر درختان میوه و کنار چشمه ها و نهرها را به شدت نهی فرموده است. درباره شانه و روغن زدن مو و استفاده از بوی خوش سفارشهای زیادی شده است که نقل آن از فرصت ما خارج است.

دعا

بخش بزرگی از معارف دین ما در قالب دعا آمده یکی از افتخارات مکتب تشیع داشتن دعا‌های اہلیت است اگر بخواهیم در چند جمله فلسفۀ دعا را بنویسیم می‌توانیم بگوئیم:

۱ — دعا نعمتها را بیاد انسان می‌آورد تا شکر کند و علاقه‌اش بخدا افزون گردد.

۲ — دعا لغزشها را گوشزد میکند، تا انسان عذرخواهی کرده و گذشته‌ها را جبران کند.

۳ — دعا خطرهای آینده را پیش‌بینی میکند تا خود را آماده کرده و به فکر جهان آخرت باشیم.

۴ — دعا مهر و رحمت خدا را تکرار میکند تا روح امید ما را بحرکت درآورد.

۵ — دعا اُنس با خداست، نجات بخش انسان از تنهایی‌هاست و یاد و انس با خدا مایۀ برکت همه چیز است.

توبه

قرآن مجید بیش از ۸۰ بار سخن از توبه بمیان آورده و صدها روایت از رسول خدا (ص) و ائمه معصومین درباره توبه بما رسیده همانطوریکه از نامش پیداست توبه یک بازگشت است یعنی به اشتباه راهی را رفته ایم حالا می‌خواهیم برگردیم و با این برگشت فکر و اخلاقمان و دوستان و اموال ما و... تغییر اساسی خواهد کرد از حدیثی از رسول خدا (ص) می‌فهمیم که توبه هر گناهی متناسب با همان گناه است ریشه و عامل گناه را باید تشخیص داد و پس از تشخیص گناه را ریشه کن کرد اینک نظر شما را به فرازهایی از آن حدیث جلب می‌کنیم

۱ - توبه کسی که به مردم بدهکار است پرداخت حق مردم است حتی اگر از زمان کودکی چیزی از مال مردم نزد ما مانده و یا به اموال دیگران خسارتی وارد کرده باشیم الان که به تکلیف رسیده‌ایم موظف هستیم با جبران خسارت و جلب رضایت زمینه قبولی توبه را فراهم کنیم

۲ - توبه کسی که دوست نااهل دارد قطع رابطه با اوست و گرنه حسرت ابدی را برای خود خواهد خرید قرآن می‌فرماید روز قیامت کسانی که دوست بد داشته‌اند می‌گویند ای کاش با فلانی دوست نمی‌شدم

يَا وَيْلَتَى لِمَ أَتَّخِذُ فَلَانًا خَلِيلًا^۲

۳ - توبه کسی که به مجلس گناه رفت و آمد میکند تصمیم بر ترک آن مجلس است

۴ - توبه کسی که در انجام عبادات کوتاهی کرده قضای آنها و تصمیم به انجام واجبات است

۵ - کسی که لباسش تحریک کننده است و فضای جامعه را مسموم می کند (رنگ لباس، جنس لباس، دوخت لباس، نازکی لباس) توبه چنین کسی تغییر دادن این لباس است

پس می بینید که توبه هر گناهی با گناه دیگر فرق دارد گناهان مانند امراض جسمی باید شناسائی شده و هر کدام بطور جداگانه درمان و ریشه کن شوند.

غیبت

یکی از گناهان کبیره غیبت کردن است. گناه کبیره آن گناهی است که در قرآن وعده عذاب و دوزخ برای آن آمده باشد. غیبت کردن در قرآن همچون خوردن گوشت مرده برادر است. یعنی همان گونه که اگر از گوشت مرده قسمتی جدا شود جایش پر نمی‌شود، آبروی کسی که با غیبت رفت جایش پر نمی‌شود و همان گونه که مرده نمی‌تواند از خود دفاع کند، شخصی که مورد غیبت است چون حضور ندارد نمی‌تواند از خودش دفاع کند. غیبت حرام است. غیبت شونده چه کودک باشد و یا بزرگ، مرد باشد یا زن، زنده باشد یا مرده، کسی که غیبت کند عباداتش مورد قبول خداوند نیست و از ولایت و لطف خداوند خارج می‌شود.

شنیدن غیبت نیز حرام است. اگر انسان در جایی بود که غیبت می‌شود، باید جلو آن را بگیرد و اگر نمی‌تواند باید از مجلس خارج شود. روز قیامت ثواب کسی که غیبت می‌کند در پرونده غیبت شده و یا گناهان غیبت شده در پرونده غیبت کننده ثبت می‌شود.

انگیزه‌های غیبت:

دلایل یا شرایطی که زمینه‌ساز غیبت است، زیاد است که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - خشم و غضب: گاهی ناراحتی و عصبانیت سبب بدگویی

از مردم می‌شود.

۲ - کینه: گاهی انتقامجویی سبب بدگویی است.

۳ - حسد: گاهی انسان کمال و خوبیهای دیگران را نمی‌تواند تحمل کند لذا با بدگویی از آنها خوبیهایی را که دارند خدشه‌دار می‌کند.

۴ - استکبار: گاهی انسان می‌خواهد خود را بالا ببرد ناچار دیگران را با بدگویی پایین می‌آورد تا خودش را در چشم مردم بالا ببرد.

۵ - ترحم: گاهی انسان دلسوزی می‌کند و می‌گوید دلم به حال فلانی می‌سوزد که این قدر بدبخت است و گرفتار فلان عیب و فلان عیب است.

۶ - تبرئه: گاهی برای اینکه بگوید فلان کار بد را من انجام نداده‌ام غیبت را به دیگران نسبت می‌دهد تا خودش را تبرئه نماید.

البته در مواردی غیبت جایز است: از جمله در حال مشورت که اگر مثلاً از شما پرسند فلانی چطور آدمی است؟ ما می‌خواهیم با او وصلت کنیم یا شریک بشویم. در اینجا باید انسان واقعیت را بگوید و غیبت اشکال ندارد و یا کسی که مورد ظلم قرار گرفته و مظلوم است به نزد شخصی برای دادخواهی می‌رود و ناچار باید بگوید که فلانی ظالم است تا به دادخواهی او برسند در اینجا نیز اشکالی ندارد.

به هر حال حفظ زبان بسیار مهم است و اگر کسی غیبت دیگری را نمود از خداوند عذرخواهی کند. چون خداوند توبه را می‌پذیرد و توبه کار را دوست دارد.

سیمای معامله کنندگان با خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةُ ۱

قرآن کریم میفرماید خداوند جانها و اموال مؤمنان را در قبال بهشت می‌خرد و این معامله مبارک و سودبخشی است در این آیه اوصاف کسانی که خداوند با آنان معامله میکند آمده:

۱ — یقاتلون فی سبیل الله: در راه خدا می‌جنگند، خود را فدای دین خدا میکنند، با دشمن خدا کینه دارند.

۲ — التائبون: دل و جان خود را بوسیله آب توبه از آلودگی گناه شستشو میدهند.

۳ — العابدون: در پرتوراز و نیاز و نماز و وظیفه بندگی خود را انجام میدهند.

۴ — الحامدون: در برابر نعمتها و الطاف و امدادهای الهی سپاسگزارند، ستایشگرند.

۵ — السائحون: پیوسته در حال رفت و آمد در پایگاههای عبادت و مساجدند.

۶ — الراكعون: در برابر عظمت پروردگار خاضع و خاشعند.

۷ — الساجدون: بر آستان خداوند سر می‌سایند.

- ۸ — الامرون بالمعروف: از ارزشهای مکتبی دفاع میکنند، بذر دین خدا را در دلها می‌پاشند.
- ۹ — والناهون عن المنکر: از فساد و فحشاء جلوگیری میکنند بر سرفاسد فریاد میزند بخاطر دینش خودش را بخطر می‌اندازد.
- ۱۰ — والحافظون لحدود الله: حافظ مکتب است پاسدار نظام است نگهبان قانون است.
- (توضیحات از تفسیر نمونه استفاده شده)

میانه روی

در اسلام به میانه روی و اعتدال بسیار سفارش شده است. اگر در عالم هستی توازن و تعادل در کار نبود، گُرّات آسمان و حرکت هریک از آنها به این نظم نبود و همه چیز به هم ریخته و نابود می شد. در ساختمان بدن تعادل هست. مثلاً اگر چشم ما از پی ساخته شده در عوض اشک هم شور است تا این پی فاسد نشود. تولید آب دهان اندازه دارد. اگر کم بود دائماً باید از خارج قطره قطره آب در دهان می ریختیم و اگر زیاد بود دائماً از دهان ما آب بیرون می ریخت. در ساختمان زمین تعادل مشاهده می شود. اگر نرم بود ساختمان سازی مشکل می شد و اگر سفت بود کشاورزی مشکل می شد. در فاصله زمین از خورشید و حرکت زمین به دور خود و خورشید تعادل وجود دارد.

ما در تمام نمازها می گوییم «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی خداوندا همه ما را به راه مستقیم، راهی که در آن افراط و تفریط نیست، هدایت فرما. راه مستقیم، راه خدا و رسول خدا و اهل بیت معصوم اوست. راه مستقیم، بندگی خداست و راه غیرمستقیم، راه هوسهای خود یا دیگران است. در حدیث می خوانیم: «حتی در عبادات خود میانه رو باشید نه بی تفاوت و نه خود را خسته کنید. قرآن می فرماید: «مؤمنین در انفاق کردن نیز میانه رو هستند».

در علاقه و دوستی باید میانه‌رو باشیم؛ نه آن‌قدر رفیق شویم که همه اسرار خود را به دیگران بگوییم نه نسبت به دیگران عبوس و گرفته باشیم. در غذا خوردن به کودک باید میانه‌رو باشیم؛ نه آن‌قدر محبت کنیم که کودک لوس و خودخواه تربیت شود و نه آن‌قدر بی‌مهری کنیم که فرزند کمبود محبت داشته باشد. در قهر و غضب نیز باید متعادل باشیم و لذا قرآن درباره برخورد با مخالفان نیز سفارش کرده که از مرز اعتدال تجاوز نکنیم. در احترام به والدین نیز تعادل مطرح است؛ یعنی احترام و حرف شنوی از پدر و مادر مرز دارد. تا جایی ما باید گوش به سخنان آنان دهیم که ما را منحرف نکنند و چنانچه والدین فرزند را به غیر خداوند دعوت نمودند، ما نباید گوش دهیم. به هر حال تعادل و میانه‌روی در هر حال و در همه چیز مطلوب است؛ حتی در تربیت کودک سفارش شده که ما زیاد او را سرزنش و ملامت نکنیم و گرنه فرزند را لجوج می‌کند. در جامعه، افرادی هستند که خود را کنار می‌کشند یعنی در صحنه حاضر نیستند و برعکس افرادی هستند بدون دلیل در هرکاری دخالت می‌کنند. میانه‌روی و اعتدال به ما می‌گوید دخالت نابجا ممنوع و پا را کنار کشیدن از مشکلات و مسائل مردم نیز ممنوع است.

اسراف

اسراف یعنی بدون جهت اموالی را به هدر دادن که به فرموده امام (ره) از گناهان بزرگ است در قرآن می‌خوانیم خداوند اسراف کاران را دوست ندارد. بزرگترین اسراف هدر دادن عمر و جوانی و ظلم به خود است. اسراف گناه است و باید بدانیم که دور ریختن نصف لیوان آب نیز اسراف است. دور انداختن هسته خرما نیز اسراف است. اگر جلو اسراف در دنیا گرفته شود و هر انسانی به مقدار نیاز واقعی مصرف کند در جهان گرسنه و برهنه ای وجود نخواهد داشت.

در قرآن می‌خوانیم که از خوردنیها و آشامیدنیها استفاده نمایید؛ ولی اسراف نکنید ما در زندگی خود اسرافهای زیادی مرتکب می‌شویم. در لباس و مسکن در خوراک و مرکب و لخرجی های زیادی می‌شود که باید جلو آنها گرفته شود. در حدیث می‌خوانیم: کسانی که منتظر حکومت عادلانه حضرت مهدی (عج) هستند خود را برای زندگی بسیار ساده و دور از تجملات و اسراف کاریها آماده نمایند که حضرت مهدی (عج) از همه این مصرفها جلوگیری جدی خواهند فرمود. یکی از سؤالهایی که در قیامت از انسان می‌شود درباره درآمد و مصرف کردن است که از کجا آوردی؟ و در کجا خرج کردی؟ بنابراین به فرض که انسان دارای درآمد زیادی باشد حق هرگونه مصرف را ندارد. پیامبران بزرگ به اسراف کنندگان

اجازه مصرف بیش از حد نمی‌دادند و مسرفین ناراحت شده و می‌گفتند چرا نمی‌گذارید ما در اموال خودمان به طور دلخواه تصرف کنیم؟ و چرا مانع آزادی در مصرف ما هستید؟ نمونه این صحنه را ما در قرآن می‌خوانیم که به حضرت شعیب (ع) می‌گفتند: آیا نماز تو مانع آزادی مصرف ما می‌شود؟ یکی از حرفهای انبیا در برابر طاغوتها، مخالفت آن بزرگواران با اسراف کاریهای آنان بود و امروز نیز در برابر میلیونها انسان گرسنه پادشاهان و رؤسای جمهوری و طاغوتیان بزرگترین اسرافها را مرتکب می‌شوند.

چگونه حرف بزنیم

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

حضرت علی (ع) فرمود: با سخن گفتن انسان خوشبخت یا بدبخت می‌گردد یعنی زبان سرنوشت انسان را تعیین می‌کند **بِالْكَلَامِ اِتَّيَسَّتِ الْوُجُوهُ وَبِالْكَلَامِ اِسْوَدَّتِ الْوُجُوهُ**^۱ خداوند به رسولش می‌فرماید تو منافقان را می‌توانی از نوع حرف زدیشان بشناسی و **لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ**^۲ وقتی حضرت یوسف (ع) به سخن آمد عزیز مصر او را شناخت و مسئولیت وزارت را بدوش او گذاشت **فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ لَدَيْنَا مَكِينٌ** **اهمين**^۳ در زمینه نحوه سخن گفتن نکاتی را از قرآن و احادیث برمی‌شماریم:

۱ — آگاهانه سخن بگوئیم: قرآن از کسانی که براساس جهل و خیال سخن می‌گویند انتقاد می‌کند **لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ**^۴ حضرت علی (ع) فرمود: **لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ**^۵ چیزی را که از آن اطلاع نداری مطرح نکن و در حدیثی فرمود: مومن ابتدا فکر می‌کند آنگاه سخن می‌گوید

۲ — سخن راست بگوئیم: بارها قرآن صادقین و راستگویان را ستوده **كُونُوا**

۱ — محمد ۳۰. ۲ — محمد ۳۰. ۳ — یوسف ۵۴. ۴ — اسراء ۳۶.

۵ — نهج البلاغه.

مَعَ الصَّادِقِينَ^۶ امام پرهیزکاران امیرمؤمنان سیمای
پارسایان را اینگونه توصیف میکند اِنْ نَظَّفُوا صَدَقُوا^۷

۳- نرم سخن بگوئیم: حضرت لقمان ضمن نصایحی به فرزندش فرمود: وَ
اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنَّ اَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ^۸
صدایت را پائین بیاور همانا زشت‌ترین صداها صدای الاغ
است خدای سبحان وقتی به حضرت موسی و هارون فرمان
میدهد که به سوی فرعون بروید و او را به راه خدا دعوت
کنید میفرماید: با لحنی نرم با او صحبت کنید شاید در او
تاثیر گذاشته هدایت شود فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ
يَخْشَى^۹ خداوند به اهل ایمان میفرماید با پیامبر آرام و نرم
سخن بگوئید لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ
لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ^{۱۰}

۴- سخن حق بگوئیم: حضرت علی (ع) در آستانه شهادت به فرزندانش
فرمود: قَوْلًا بِالْحَقِّ^{۱۱} پیوسته سخن حق بگوئید در حدیثی
دیگر فرمود حرف حق را بزنید گرچه به ضرر شما باشد
سخن حق را بگوئید گرچه تلخ باشد

۵- سخن مفید بگوئیم: حضرت علی (ع) فرمود: بهترین سخن مفیدترین
کلام است، خَيْرُ الْقَوْلِ مَا نَفَعُ^{۱۲} از سخنان بیهوده و بی فایده
که در سعادت ما تأثیری ندارد بپرهیزیم

۶- سخن خود را با عمل همراه کنیم: قرآن میفرماید ای اهل ایمان چرا
سخنانی می‌گوئید که به آن عمل نمی‌کنید این کار موجب

۶- تور. ۱۱۹. ۷- نهج البلاغه خطبه متقین. ۸- لقمان ۱۹.

۹- طه ۴۴. ۱۰- حجرات ۲. ۱۱- نهج البلاغه. ۱۲- غرر.

خشم خدا می شود یا ایها الذین آمنوا لِمَ تَقُولُونَ مَا
لَا تَفْعَلُونَ^{۱۳}

۷ — خوشگفتار باشیم: حضرت علی (ع) فرمود آخِسْنُوا الْخِطَابَ تَسْمَعُوا
جَمِيلَ الْجَوَابِ^{۱۴} نیکو سخن بگوئید تا جواب نیکو بشنوید

بخش چهارم
معارف

عواملی که زیبایی دین را کم می‌کند

۱ - خرافات

۲ - محیط فاسد

۳ - نبود تبلیغات صحیح

۴ - تبلیغات سوء دشمن

۱ - خرافات عامل مهمی هستند : کسی که دوست دارد با مذهب آشنا شود خرافات او را فراری می‌دهد مثل مگسی که توی آب افتاده باشد و انسان رغبت نمی‌کند آن لیوان آب را بخورد دینی که با خرافات همراه شود رغبت‌انگیز و شوق‌آور نیست. لذا مبارزه با خرافات و خرافه‌پرستی کار مصلحان و یکی از وظایف انبیاست.

۲ - محیط فاسد : پیامبر(ص) فرمود **كُلَّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانَهُ وَيُنَصْرَانَهُ وَيُمَجْسَانَهُ** فطرتها براساس توحید آفریده شده، این محیط خانواده و اجتماع است که انسان را به سویی می‌کشانند و بر فطرتش گرد و غبار می‌نشانند و کودک را یهودی یا مسیحی یا زردشتی می‌کند در اسلام ۲ واجب مهم برای سالم سازی محیط و غبارزدایی از فطرت‌ها مقرر شده امر بمعروف و نهی از منکر اگر توانایی مقابله با محیط فاسد را نداشتیم اسلام مسئله هجرت را مطرح می‌کند.

۳ — نبود تبلیغات سالم : امام رضا علیه السلام فرمود اگر مردم معارف دین را از ما می شنیدند عاشق دین می شدند اگر اسلام ناب و صحیح از زبان اسلام شناسی دلسوز گفته شود همه تشنگان را به خود جذب کرده و مکاتب مادی و ضد دینی تعطیل می شود چون مردم می فهمند که سعادت آنها در سایه دین است.

۴ — تبلیغات سوء : امروز دنیای کفر و استکبار جهانی بودجه هنگفتی برای بد جلوه دادن دین، شک ایجاد کردن، در ذهن جوانان کهنه قلمداد کردن دین، مخالفت دین با علم، عدم نیاز انسان به دین در قرن علم و تکنولوژی خرج میکند امروز کشورهای بزرگ تحقیقات گسترده ای در زمینه اسلام میکنند و بطور مرموز با نوشتن کتاب و مقاله و فیلم و نمایشنامه با نام دین، دین را می کوبند با نام اسلام، اسلام را می کوبند و جوانی که بین دوراهی مانده و می خواهد اسلام را بشناسد و با سرچشمه زلال اسلام رابطه ای ندارد و فقط با اینگونه کتابها روبروست وقتی می بیند این کتابها عطش او را رفع نمی کنند از دین و مذهب متنفر می شود.

تسلیم نشانه توحید

هنگامی که بیمار می‌شویم به پزشک مراجعه نموده و دستورات او را انجام می‌دهیم، به عبارتی تسلیم نظر او هستیم حتی اگر تشخیص دهد عضوی باید قطع شود. زمانی که اتومبیل ما خراب می‌شود به نمایندگی مجاز مراجعه می‌کنیم و با آرامش خاطر تعمیر ماشین را به او واگذار می‌کنیم و تسلیم او هستیم زیرا میدانیم زیر نظر سازنده کار میکند. همچنین عقیده داریم چون خداوند آفریدگار ماست بهتر از دیگران از نیازهای ما خبر دارد و دستوراتش براساس مصلحت و خوشبختی ماست معنای اسلام هم تسلیم بودن در برابر احکام الهی است. حضرت ابراهیم هنگامیکه از جانب خدا مامور شد فرزندش اسماعیل را قربانی کند تسلیم امر خدا شد و فرمان را انجام داد اسماعیل جوان هم اطاعت خود را از امر الهی نشان داد اما قرآن گروههایی را معرفی میکند که در مقابل احکام الهی تسلیم نیستند و بی توجه هستند و نق میزنند برای نمونه -

۱ - گروهی میگویند چون فلسفه و دلیل این حکم را نمیدانیم پس تن نمیدهیم.

۲ - گروهی وقتی به دستورات سخت میرسند به بهانه ای شانه خالی میکنند (لَمْ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ)^۱

۱ - نساء ۷۷.

۳ - گروهی بعضی از دستورات را عمل می‌کنند و بعض دیگر را قبول ندارند (تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ)^۲

۴ - گروهی نسبت به رهبری که خداوند تعیین کرده اعتراض دارند مثلاً خداوند حضرت طالوت را برای فرماندهی معرفی کرد گروهی گفتند آئی یَكُونُ لَهُ الْمَلِكُ^۳ او را چه رسد به فرماندهی

۵ - گروهی کمبودها را نمی‌توانند تحمل کنند به حکومت الهی اعتراض می‌کنند هنگامیکه بنی اسرائیل نجات پیدا کردند و جامعه‌ای تشکیل دادند که طبعاً کمبودهای زیادی داشت اما گروهی در مقام اعتراض گفتند لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ ما بر یک نوع غذا صبر نمی‌کنیم غذاهای متنوع می‌خواهیم

بنابراین یکی از نشانه‌های خداپرستان تسلیم بودن آنان در برابر خداوند و احکام او و رهبران آسمانی است.

۲ - نساء ۱۵۰. ۳ - بقره ۲۴۷. ۴ - بقره ۶۱.

مقدّرات الهی

آفرینش جهان و انسان بدست ما نیست ولی خداوند سرنوشت ما را بدست خود ما نیز داده است مثلاً یک لامپی که در منزل شما روشن می‌شود دو عامل دارد.

۱ — کارخانه برق که برق را از منطقه مسکونی شما قطع نکند.

۲ — شخص شما که از این برق استفاده صحیح بکنید یا نکنید.

اگر برق از منطقه قطع شود نور و روشنایی نیست همانگونه که اگر شما کلید را نزید چراغ روشن نمی‌شود معنای (أَمْرُ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ) این است که هم باید خداوند بخواهد و هم شما اراده انجام کاری را داشته باشید البته خواست شما هم پرتوی از خواستِ اوست وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ .

ولی بهر حال خداوند این چنین مقدر کرده که انسان در سرنوشتِ خودش با اراده و تلاش و دعا سهیم باشد.

سؤال: شانس چیست؟

جواب: اگر معنای شانس رسیدن به کمال بدون دلیل است این را نه عقل می‌پذیرد و نه شرع اما اگر منظور رسیدن به کمال بدلائل مخفی و مرموز است قابل قبول است چون در جهان هستی تمام راز و رمزها و عوامل سعادت و شقاوت مادی و معنوی برای همه افراد روشن نیست.

اسلام و فطرت

مکتبی جاوید میماند که براساس فطرت انسانها طراحی شده باشد مثل مکتب اسلام که اصول و فروع و اخلاق و احکامش در فطرت انسانها ریشه دارد برای نمونه بطور خلاصه نگاهی میکنیم به ریشه های معارف اسلام .

الف: اصول دین

۱ - توحید: توحید فطری است انسان فطرتاً احساس تنهایی می کند، احساس وابستگی میکند بدنبال تکیه گاه و مونس میگردد، انسان فطرتاً جستجوگر است می خواهد عوامل و اسباب عالم را بشناسد نان از کجا بوجود آمد از گندم، گندم از زمین، زمین از دانه، دانه از... بالاخره می خواهد بهفمد سرچشمه هستی کجاست؟

۲ - نبوت: نبوت فطری است چون انسان در مسیر زندگی به دوراهی، سه راهی و چندراهی میرسد، متحیر میماند، نمی تواند تشخیص دهد، آینده را نمی بیند، احساس نیاز به راهنمای مطمئن دارد .

۳ - معاد: معاد فطری است انسان فطرتاً دوست دارد همیشه بماند از

نابودی تنفر دارد انسان فطرتاً خوب و بد را یکسان نمیداند
با تمام وجود میگوید مجرم باید تنبیه و محسن باید تشویق
شود باید دادگاهی در کار باشد.

ب: فروع دین

۱ — نماز: نمازی یعنی مدح، نمازی یعنی حمد وقتی ما زیبایی را
می بینیم (منظره زیبا، تابلو زیبا، خط زیبا، کلام زیبا، شعر
زیبا و...) فطرت ما میگوید از زیبایی و آفریننده آن مدح
کن نمازی یعنی ستایش کسی که همه زیباییها از اوست.
وقتی کسی به ما لطفی میکند، هدیه ای میدهد، مشکل ما
را حل میکند از او تشکر می کنیم و این تشکر فطری است
نیاز به آموزش ندارد بلکه خودجوش است در تمام فرهنگها
هست ما هر چه داریم از خداست وجود ما، حیات ما،
اعضاء ما، دنیای ما... همه از خداست نمازی یعنی تشکر از
نعمتها و تشکر فطری است.

۲ — روزه: فطرت خودجوش ما میگوید برای مقاوم شدن در مقابل خطرات
و مشکلات آینده تمرین و آمادگی لازم است روزه یک
اردوی یکماهه است برای یکسال حرکت و تلاش.

۳ — خمس و زکوة: ما انسان هستیم عاطفه داریم نسبت به هموعان خود
احساس تعاون می کنیم خمس و زکوة در فطرت انسانها
ریشه دارد فطرت نودوستی، فطرت تعاون.

۴ — حج: انسان فطرتاً دوست دارد با تاریخ گذشته خود رابطه داشته باشد
دوست دارد خاطرات گذشتگان و قهرمانان تجدید شود حج
نمایش آن خاطرات است.

۵ — جهاد: دفاع از خود دفاع از جسم و جان، مال و فرزند، خانه و کشور
نه تنها فطری است بلکه غریزی هم هست یعنی در حیوانات
هم وجود دارد.

۶ — امر بمعروف ونهی از منکر: انسان فطرتاً طوری آفریده شده که
نمی‌تواند تحمل کند و ببیند انسانی به چاه بیفتد فطرتاً
دلسوز است بدنبال اصلاح است فطرتاً از آلودگی و گناه
تنفر دارد به سلامت محیط علاقمند است.

ج: اخلاقیات

۱ — انسان فطرتاً به مال علاقمند است — اسلام تشویق به
کسب و تجارت و کار و تولید کرده.

۲ — انسان فطرتاً به فرزند علاقمند است — اسلام تشویق به
ازدواج و تربیت فرزند و همسر داری کرده.

۳ — انسان فطرتاً به زمین علاقمند است — اسلام تشویق به
زراعت و کشاورزی و درختکاری کرده.

۴ — انسان فطرتاً به تفریح علاقمند است — اسلام تشویق به
ورزش و مسابقه و مسافرت کرده.

۵ — انسان فطرتاً به دوست علاقمند است — اسلام آداب
معاشرت و دوستیابی را طرح کرده.

۶ — انسان فطرتاً به داستان علاقمند است — در قرآن بیش از
۲۰۰ داستان درج شده.

۷ — انسان فطرتاً به نظافت علاقمند است — اسلام در تمام
عبادات و دستورات بهداشتی گنجانده.

۸ — همچنین فطرت انسان ناراحت است از ظلم و حيله و
خیانت و دروغ و تنبلی و کثافت و تفحص و لجاجت اسلام به شدت از
اینها جلوگیری کرده.

نیاز به پیامبران (با زبانی ساده)

۱ — فرض کنیم شخصی یک تومان در اختیار دارد و در مقابل با مشکلاتی از قبیل تحصیل، تغذیه، مسکن، پوشاک و مخارج سنگین زندگی روبروست آیا توقع رفع اینهمه مشکل را داشتن بدون اینکه کمک مالی به او بشود حکیمانه است؟

۲ — یکنفر را مسئول موسسه ای می‌کنیم و همه کارگران و کارمندان را به سوی او سوق می‌دهیم تا تحت نظر او کار کنند اما چند تومان بیشتر در اختیار او نمی‌گذاریم آیا این حکیمانه است؟

۳ — صدها رشته لامپ را به کنتوری که ظرفیتش محدود است وصل می‌کنیم بدون اینکه دستگاه تقویتی در کنارش قرار دهیم آیا توقع این بار سنگین از این کنتور محدود حکیمانه است؟

با توجه به اینکه خدا حکیم است و انسان ضعیف و غرائز قوی چگونه می‌شود از این انسان ظلوم جهول ضعیف انتظار پا گذاشتن به قله‌های کمال معنوی را داشت؟

مگر اینکه انسان توسط پیامبران تقویت شود تا بتواند بار مسئولیت را بدوش بکشد.

قرآن

همان گونه که ما از خاک، آجر و کوزه می‌سازیم و خداوند از خاک انواع گیاه، گل و میوه‌های رنگارنگ درست می‌کند. ما از حروف الفبا سخنانی می‌گوییم ولی خداوند قادر از این حروف آیات قرآن را ساخته است.

قرآن معجزه پیامبر اسلام است. معجزه است؛ یعنی هیچ کس در هیچ زمانی نمی‌تواند مانند آن را بیاورد. قرن‌ها است که اسلام مخالفانی دارد که هزار حيله و نیرنگ برای کوبیدن اسلام و مسلمین به کار برده‌اند و اگر می‌توانستند مثل قرآن را آورده بودند و به مردم دنیا اعلام می‌کردند که قرآن کتاب مهمی نیست ما مثل آن را آورده‌ایم و همین کار برای ضربه زدن به اسلام از همه بودجه‌ها و حيله‌ها و جنگ‌ها برای دشمن کارسازتر بود.

قرآن از طریق جبرئیل امین بر قلب پیامبر نازل شد. اولین آیه‌ای که نازل شد آیه «إِقرْءْ بِاسْمِ رَبِّکَ» بود یعنی به اسم پروردگارت بخوان. از افتخارات ما همین است که اولین پیام خداوند برای ما مسأله علم و قرائت است، آن هم نه علمی که دنیا با آن کشورهای ضعیف را استعمار کرده نه علمی که سبب غرور شود؛ بلکه علمی که در راه رضای خداوند باشد.

در قرآن بیش از شش هزار آیه در ۱۱۴ سوره به چشم می‌خورد. قرآن به دستور پیامبر اکرم در زمان خودش به همین ترتیب جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه کم و زیادی در آن راه ندارد. برای فهم قرآن باید از رسول اکرم (ص) و اهل بیت او کمک بگیریم. در قرآن تمام مسائل مورد نیاز زندگی مادی و معنوی انسانها مطرح است. یاد گرفتن قرآن بهترین عبادت است و بدون وضو نباید به آن دست بگذاریم. قرآن کتاب زندگی و عمل است.

قرآن علاوه بر اینکه ما را به فکر کردن در نشانه‌های قدرت خداوند و حقانیت رسول اکرم (ص) و معاد دعوت می‌نماید نسبت به همه مسائل نیز ما را راهنمایی می‌کند. از جمله:

۱ — در جامعه چه افرادی حق رهبری و حاکم بودن را دارند و یا ندارند؟

۲ — با مخالفان جنگجو یا مخالفان بی‌آزاری منافقان چندچهره و یا مسلمانان ترسو یا مؤمنان واقعی چگونه برخورد کنیم؟
چه چیز حق است و چه چیز باطل؟ کدام چیز خرافه است و کدام عقیده صحیح؟

۴ — در انتخاب راه فقط با عقل و راهنمایی انبیا باید گام برداریم. کاری به راه نیاکان و مردم نداشته باشیم. زیرا بسیاری از نیاکان ما دنبال خرافات بوده‌اند.

۵ — برای انتخاب همسر و تربیت فرزند و برخورد با مردم و راه کار و تجارت و رسیدن به محرومان جامعه و برخورد شدید با مفسدان، مردمانی که قابل ارشاد نیستند و افراد و گروههایی که حق پیوند با آنان را داریم و یا نداریم و غذاهای حلال یا حرام و بیان الگوهای حق یا باطل و

برای زندگی جهان‌سای دیگر و آخرت و مسئولیت همه ما در برابر خداوند و شیوه رابطه با خداوند و مقدار مالیاتهای اسلامی و مورد مصرف آن و توجه کامل به خداوند و کیفیت نماز و سفارش نسبت به والدین و بستگان و عشق به خوبان و تنفر از بدان و تاریخ پیشینیان و داستانهای آموزنده حقیقی و... بیان شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه رحلت فرمود: من از میان شما می‌روم ولی دو چیز گرانبها را می‌گذارم، قرآن و اهل بیت.

قرآن و امامت

وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ
لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ^۱

به یاد آور که خداوند ابراهیم را با چند حادثه آزمایش کرد و او در
پیش آمدها و حوادث از عهده امتحان روسفید بیرون آمد و خداوند به او
مقام رهبری و امامت مردم را اعطا کرد ابراهیم از خداوند درخواست کرد
که این مقام به فرزندم نیز داده شود خداوند فرمود ما مقام امامت را به
ظالمان نمی‌دهیم.

درس‌هایی که از این آیه می‌گیریم

- ۱ — خداوند بی دلیل به شخصی مقام نمی‌دهد (تا او را امتحان
نکند مقام معنوی عطا نمی‌کند)
- ۲ — آزمایشات الهی متعدد است (بکلمات)
- ۳ — انتخاب امام باید به فرمان خدا باشد (انّی جاعلک)
- ۴ — مقام امامت به ظالم نمی‌رسد گرچه از ذریه پیامبران باشد
(لاینال عهدی الظالمین)

اهل بیت (ع)

همان گونه که انسان نیاز به پیامبر دارد، نیاز به امام نیز دارد، و همان گونه که تعیین پیامبر با خداست، تعیین امام نیز با خداوند است. گرچه قرآن کتاب هدایت است لیکن این کتاب نیاز به تفسیر و مفسر دارد. همان گونه که مصرف دارو باید زیر نظر پزشک باشد فهم و استفاده از قرآن نیز باید زیر نظر امام معصوم (ع) باشد.

پیامبر اکرم (ص) در موارد متعددی به خصوص در سال آخر عمر شریفشان و از جمله در پایان خطبه غدیر خم بعد از آنکه به فرمان خداوند حضرت علی (ع) را برای رهبری بعد از خود نصب کرد فرمود: ای مردم من از میان شما می‌روم ولی دو چیز گرانها را در میان شما می‌گذارم؛ یکی قرآن که باید مورد استفاده شما قرار گیرد و دیگری اهل بیت خودم را که رهبران معصوم هستند؛ همان گونه که در هر مسجدی گوشه‌ای را با کاشی کاری و لامپ و ساختن محراب به عنوان قبله معین می‌کنند تا با قسمتهای دیگر اشتباه نشود. پیامبر اهل بیت را هم به عنوان صراط مستقیم معرفی کرد.

روزی پیامبر اکرم (ص) عبای سیاه خویش را گشود و حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) را زیر آن عبا قرار داد و فرمود فقط اینها اهل بیت من هستند؛ تا دیگران به نام اهل بیت رهبری

مردم را تصاحب نکنند و همان گونه که دو خط آهن تا آخر مقصد از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت به فرموده پیامبر عزیز (ص) از هم جدا نمی‌شوند و همان گونه که تحریف در قرآن راه ندارد انحراف و گناه در اهل بیت راه ندارد و با اینکه اهل بیت پیامبر (ص) دشمنان زیادی داشتند و همه آنان را شهید کردند ولی از سوی هیچ کتاب تاریخی حتی یک گناه هم برای یکی از افراد اهل بیت رسول الله نقل نشده است. اهل بیت رسول الله بر همه رهبران جهان امتیازاتی دارند زیرا:

۱ — سابقه آنان از همه بیشتر است و آن عزیزان از زمان خود پیامبر اکرم (ص) بوده‌اند **السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ**.

۲ — در قرآن می‌خوانیم خداوند هرگونه آلودگی و گناه را از آنان دور کرده و معصوم هستند **أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ**.

۳ — همه آنان در راه خداوند شهید شدند.

و ما به خاطر همین سابقه و عصمت و شهادت، راه و احکام و افکار خود را از آنان می‌گیریم و در دنیا آنان را وسیله خود در درگاه خداوند قرار می‌دهیم و به زیارت مرقد مطهرشان می‌رویم و در آخرت امید به شفاعتشان داریم.

تولی

خداوند و اولیاء خدا را دوست داشته باشیم.

در هر انسان غریزه دوستی و دشمنی هست. اما دوستی و دشمنی برای خداوند ارزش دارد. مسلمان باید بیش از هر چیز خدا را دوست بدارد. چون هستی و تمام نعمتها را او به ما داده است. اوست که عیب ما را می پوشاند. از مرضها شفا می دهد از خطرات حفظ می کند. هوا و خورشید و دریا و زمین و گیاه و حیوان و کوه و جنگل و معدن و آب و... را برای ما آفریده است. کار ما را پاداش چند برابر می دهد. در شکم مادر ما را از ذره ای آفرید. همین که به دنیا آمدیم مکیدن را به ما یاد داد. غذایی کامل و شیرین و خوش رنگ و مجانی در سینه مادر برایمان ذخیره کرد. به ما فهم داد. زبان داد. چشم و گوش و دل و فکر و اراده داد. برای هدایت ما پیامبر فرستاد. کتاب و امام و عقل قرار داد. گناه ما را می بخشد. توبه ما را قبول می کند. در قیامت سر و کار ما با اوست. از هر کس به ما نزدیکتر و از همه بیشتر ما را دوست دارد. اگر ما یاد او باشیم او لطف خودش را به ما بیشتر می کند. اگر کمی به او توجه کنیم او بسیار به ما نظر دارد. اگر لحظه ای ما را به خود رها کند نابود می شویم. اگر بخواهد درختان را خشک، آبها را تلخ و زمین را لرزان و خورشید را تاریک و چشم را نابینا، گوش را ناشنوا، و عمر را تمام و آبرو را می ریزد. ما هم

باید خدا را دوست داشته باشیم و هم از قهر و غضب او بترسیم. همچون
کودکی که هم به پدر و مادر خود دلگرم است و هم هنگام خلاف از
والدین می‌ترسد.

بعد از خداوند باید بیشترین علاقه ما به رسول خدا (ص) و امامان
معصوم (ع) باشد. زیرا آنان واسطه هدایت ما هستند. افرادی که از راه
انبیاء دورند دچار هزاران نوع انحراف هستند. ما باید مسلمانان را در هر
سن و شغلی که هستند دوست بداریم. کودکان را دوست بداریم. چون
گناهانشان از ما کمتر است و بزرگسالان را دوست بداریم چون عبادتشان
از ما بیشتر است. با کسانی که اهل نماز نیستند دوست نباشیم. با کفار و
منافقان قطع رابطه کنیم. بارها قرآن فرموده است که یهود و نصاری و
ستمگران را دوست و سرپرست خود قرار ندهید.

معرفی مرگ

در جهان بینی الهی مرگ نابودی نیست بلکه انتقال به جهان دیگر است. در این درس با ماهیت مرگ از دیدگاه ائمه آشنا می‌شویم.

۱ - مرگ بشارت است: قال علی (ع): **إِنَّمَا بَشَارَةٌ بِتَعْلِيمِ الْآبَدِ أَوْ بَشَارَةٌ بِتَغْذِيبِ الْآبَدِ**^۱

۲ - مرگ لحظه‌ای شادی آفرین است: قال الحسن (ع): **أَعْظَمُ سُورٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَعْظَمُ ثُبُورٍ عَلَى الْكَافِرِينَ**^۲

۳ - مرگ پُل است: قال النبی (ص): **الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هَوَاءٌ إِلَى جَنَّاتِهِمْ وَهُوَ هَوَاءٌ إِلَى جَحِيمِهِمْ**^۳

۴ - مرگ رهایی و آزادی است: علی بن الحسین (ع): **الْمَوْتُ لِلْمُؤْمِنِ كَتَرْتِغِ ثِيَابٍ وَسَخَهُ وَفَكَ فَيُودٍ وَأَغْلَالَ ثَقْلِيَّةٍ**^۴

۵ - مرگ خواب است: قال الباقر (ع): **الْمَوْتُ هُوَ النَّوْمُ الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُدَّتُهُ**^۵

۶ - بوئیدن عطر خوش است: قال الصادق (ع): **الموت للمؤمن كاطيب ريح**^۶

پس مرگ نیستی نیست بلکه یک تحوّل است و ورود به جهانی دیگر است.

۱ - بحار ج ۶ ص ۱۵۴ ۲ - بحار ج ۶ ص ۱۵۴ ۳ - میزان الحکمه (الموت).

۴ - بحار ج ۶ ص ۱۵۵ ۵ - بحار ج ۶ ص ۱۵۵ ۶ - بحار ج ۶ ص ۱۵۲

در جهان بینی الهی مرگ نابودی نیست بلکه انتقال به جهان دیگر است.

ما دو بدن داریم یکی بدن سنگین و دیگر بدن سبک روح ما که فرمانده است گاهی با بدن سنگین و گاهی با بدن سبک کار میکند شبیه راننده ای که دو ماشین دارد یکی تندرو یکی کندرو روح که راننده است گاهی از ماشین کندرو که همان بدن سنگین است پیاده می شود اما ماشین را خاموش نمیکند و سوار ماشین تندرو (بدن سبک مثالی) می شود به این حالت خواب می گویند در حالت خواب دستگاه های بدن مثل قلب بکار خود مشغول هستند اما روح با بدن سبک هزاران کیلومتر دورتر به سفر رفته و با سرعت برمی گردد اما گاهی ماشین اولی را خاموش میکند و سوار ماشین تندرو می شود در مورد انسان اگر این حالت پیش آید مرگ نامیده می شود یعنی دستگاه های بدن سنگین از کار می افتند و روح با بدن سبک پرواز کرده به عالم برزخ می رود.

روزه

بهترین ماهها ماه رمضان است، در قرآن نام رمضان آمده است. مسلمانان باید در این ماه روزه بگیرند.

روزه قبل از اسلام نیز بوده است. عبادت در ماه رمضان بسیار ثواب دارد. روزه سهرآتش است. روزه زکات بدن است.

در ماه رمضان خداوند انسانها را مهمان کرده و با قرآن و روزه و شب قدر و ثوابهای زیاد و بخشش گناهان از آنان پذیرایی می‌کند.

امامان ما قبل از آمدن ماه رمضان منتظر آن بودند. روزه و گرسنگی انسان را به یاد گرسنگان می‌اندازد. انسان را به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت می‌اندازد.

روزه به انسان تجربه می‌دهد که می‌توان نان و آب را دید و نخورد. روزه باعث می‌شود که معده انسان استراحت کند. دعای روزه‌دار قبول می‌شود.

در ماه رمضان ما باید بیشتر قرآن بخوانیم زیرا یک آیه در ماه رمضان مانند خواندن تمام قرآن در ماههای دیگر است.

از کارهای بسیار خوب در ماه رمضان افطاری دادن به مسلمان روزه‌دار است. شب قدر در ماه رمضان است و آن شبی است که در آن

قرآن نازل شده است. شبِ بیداری و شبِ شهادت حضرت علی (ع) و
شبِی است که برنامهٔ یک سالهٔ انسان معین می‌شود.

خمس وزکات

مالک اصلی خداست. او ما را آفریده و با نعمتهایی که به ما داده همه ما را با این نعمتها آزمایش می‌فرماید. پیامبر(ص) فرمود: «شما جانشین خدا هستید. از آنچه خداوند به شما داده است کمی برای رشد و خلاصی خودتان از بخل و قُرب به خدا و نجات مردم انفاق کنید».

اسلام برای کسانی که علاوه بر مخارج سالانه خود درآمدی دارند، مالیاتی به نام خمس تعیین فرموده است و برای کسانی که گندم و جو و خرما و گاو و شتر و گوسفند و طلا و نقره و... از میزان معینی بیشتر دارند مقداری را به عنوان مالیات اسلامی «زکات» معین نموده است.

امام صادق(ع) فرمود: «زکات مخارج فقر است و اگر همه مردم زکات مال خود را بدهند فقری باقی نخواهد ماند» اگر امروز بلای فقر و جهل و گرسنگی و برهنگی در سرتاسر دنیا میلیونها انسان و کودک مظلوم و محروم را از بین می‌برد به خاطر آن است که اغنیا حق آنان را نمی‌دهند. قرآن بارها زکات را در کنار نماز و همچون نماز قرار داده است. اگر کسی زکات ندهد، نمازش قبول نمی‌شود. پیامبر اسلام مسلمانانی را که برای نماز در مسجد حاضر می‌شدند؛ ولی حق فقرا را نمی‌دادند از مسجد اخراج می‌کرد.

زکات وسیله‌ای برای حفظ مال است. همان گونه که قطع کردن بعضی از شاخه‌های درختان، سبب بیشتر شدن میوه‌های آن درخت است. امام باقر (ع) فرمود: «هرگاه مردم زکات ندهند، خداوند برکات زمین را از آنان قطع می‌کند و کسی که زکات مال را ندهد، مسلمان و مؤمن واقعی نیست».

قرآن می‌فرماید: کسانی که بخل کنند و مال محرومان را ندهند در قیامت سکه‌های داغ شده را بر پیشانی و پهلوی پشت آنها می‌گذارند و آنان را می‌سوزانند و به آنان گفته می‌شود این سکه‌ها همان سکه‌هایی است که شما در دنیا ذخیره می‌کردید و به فقرا انفاق نمی‌نمودید. در اسلام علاوه بر خمس و زکات کمکهای دیگری به عنوان قرض الحسنه و انفاق و هدیه آمده است که اگر اغنیا بدانها عمل نمایند، در جهان فقری باقی نخواهد ماند. پیامبر اسلام (ص) فرمود:

«صدقه دادن ده ثواب دارد؛ ولی قرض و وام دادن هیچ‌ده ثواب دارد.» حاکم اسلامی می‌تواند بر چیزهایی مالیات ببندد و یا در شرایطی مقدار مالیات را کم و زیاد کند. مصرف مالیات اسلامی در قرآن بیان شده است که برای فقرا و ورشکستگان و کارکنان و کارگزاران و بردگان و امثال آنهاست.

در پایان ماه رمضان بر هر مسلمان واجب است ۳ کیلوگرم گندم یا برنج یا خرما و یا قیمت آن را به نام زکات فطره به فقرا بپردازد. با پول زکات می‌توان بسیاری از کارهای خیر از قبیل: درمانگاه، پل و مدرسه ساخت با پول زکات می‌توان به فقرای دنیا کمک کرد و دل آنان را به اسلام و مسلمین جذب نمود.

با پول خمس می‌توان به خانواده‌های فقری که از نسل پیامبر اسلام (ص) هستند کمک کرد و می‌توان حوزه‌های علمیه را تقویت نمود

و جوانان را برای شناخت اسلام آماده کرد و به اطراف جهان برای تبلیغ اسلام و ارشاد مردم اعزام نمود.

خمس و زکات پشتوانه اقتصادی مکتب و محرومان است. ناگفته نماند که مراد از محرومان و فقرا کسانی هستند که به طور طبیعی دچار فقر هستند و اگر کسانی تن پروری کنند و به خاطری عاری خود را فقیر نگاه دارند، از مالیات اسلامی به آنها داده نخواهد شد.

امربه معروف ونهی از منکر

اگر انسانی را دیدیم که گناه می‌کند به جای سرزنش یا غیبت و یا سکوت باید با زبان نرم و روی خوش جلو او را بگیریم؛ زیرا گناه یک انسان در همه انسانها اثر می‌کند. همان‌گونه که سوراخ در یک گوشه کشتی سبب غرق شدن تمام مسافران می‌شود.

سفارش به خوبیها را امر به معروف و جلوگیری از بدیها را نهی از منکر می‌گویند.

امام حسین (ع) به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به کربلا رفت و شهید شد.

حضرت علی (ع) فرمود:

«مردمی که امر و نهی نداشته باشند گویا مرده‌اند»

افراد جامعه همه در برابر یکدیگر مسئول هستند. اگر جلود فساد گرفته نشود؛ طاغوتها رشد می‌کنند. اگر از خوبیها قدردانی نشود نیکوکاران دلسرد می‌شوند.

اسلام حق انتقاد و فریاد به هر مسلمانی داده است، کودک یا نوجوان نیز می‌تواند بزرگترها را پند دهد اگر پند دیگران را قبول نکنیم متکبر هستیم.

امام صادق (ع) فرمود:

«بهترین دوست من کسی است که عیب مرا به من بگوید».

امتحان خدا (۱)

در قرآن مجید حدود بیست مرتبه از آزمایش الهی سخن بمیان آمده که از مجموع آنها حتمی بودن امتحان الهی فهمیده می‌شود حال که چنین است پس باید به چند مسئله پاسخ داده شود:

- ۱ - چرا خدا آزمایش میکند؟
- ۲ - ابزار آزمایش خداوند چیست؟
- ۳ - عکس العمل مردم در برابر آزمایشات و حوادث تلخ چگونه است؟
- ۴ - راه موفقیت در امتحان الهی و پیروزی بر مشکلات کدام است؟

اقا پاسخ سؤالات:

۱ - امتحان خداوند برای علم و آگاهی نیست زیرا او همه چیز را میداند بلکه هدف از آزمایش او این است که تا امتحان نشویم وقوت و ضعف ما مشخص نشود و عملی از ما سر نزنند استحقاق پاداش و کیفر را نداریم. اگر خداوند بدون امتحان گروهی را به بهشت و گروه دیگر را به جهنم برد کار حکیمانه‌ای نیست ضمن اینکه خداوند با امتحان حجت را بر بندگانش تمام میکند لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ^۱ بنابراین باید امتحانی باشد تا ما خودمان را در امتحان نشان دهیم آنگاه پاداش بگیریم

۱ - سوره نساء ۱۶۵.

یا کیفر ببینیم.

۲ — ابزار آزمایش خداوند حوادث تلخ و شیرین است گروهی را با دادن بعضی را با گرفتن گروهی را با فراوانی بعضی را با کمبود گروهی را به آسانی برخی را با سختی امتحان میکند وَتَبْلُوکُمْ بِالْأَشْرِ وَالْخَيْرِ^۲ در سوره بقره می خوانیم که خداوند شما را بوسیله مال، جان، ترس از دشمن، گرسنگی، قحطی و آفت محصولات امتحان میکند^۳ وَتَبْلُوکُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ

۳ — بیشتر مردم از امتحان ناراحت می شوند چون سخت است قرآن میگوید مردم در برابر حوادث چهار دسته هستند:

الف: گروهی تا به حوادث تلخ برخورد می کنند فریاد زده لب به اعتراض می کشانند: إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا^۴

ب: گروهی در مقابل سختیها صبر می کنند وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ^۵ در آیه ای دیگر می خوانیم: وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ^۶

ج: گروهی مصیبتها و سختیها را هدیه آسمانی دانسته در برابر آن خدا را شکر می کنند وقتی رسول خدا خبر شهادت حضرت علی (ع) را به آن حضرت داد پرسید علی جان صبر تو چگونه خواهد بود حضرت پاسخ داد شهادت از موارد صبر نیست بلکه شهادت بشارتی آسمانی است که باید در قبال آن شکر کرد^۷ در پایان زیارت عاشورا می خوانیم: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ خدایا مثل کسانی که در مقابل مصیبتها شکرگزاری کردند ترا سپاس می گویم و ستایش می کنم.

د: گروهی به استقبال سختیها می روند در تاریخ پرافتخار صدر اسلام به جوانانی کم سن و سال برمی خوریم در حالیکه اشک می ریختند

۲ — انبیاء ۳۵. ۳ — بقره ۱۵۵. ۴ — معارج ۲۰. ۵ — بقره ۱۵۵. ۶ — بقره ۱۷۷

۷ — لیس هذا من مواطن الصبر بل من مواطن البشری والشکر

به پیامبر (ص) التماس می‌کردند که ما را مسلح کنید و به جبهه بفرستید^۸
 قهرمان توحید حضرت علی علیه السلام از خداوند درخواست میکند که
 خدایا مرا در میدانهای مسابقه و آزمایش قرار بده **وَاجْعَلْنِي فِي مَيَادِينِ**
السَّابِقِينَ^۹ خلاصه اینکه در برابر امتحانات الهی و مشکلات دنیا گروهی
 جیغ می‌زنند بعضی صبر میکنند برخی شکر می‌کنند و دسته‌ای به استقبال
 آن می‌روند حضرت علی فرمود از خداوند نخواهید که شما را امتحان نکند
 چرا که امتحان حتمی و همگانی است بلکه از او استمداد بطلبید تا شما
 را در امتحان موفق بدارد.^{۱۰}

۸- توبه ۹۲. ۹- دعای کمیل. ۱۰- نهج البلاغه.

امتحان خدا (۲)

راههای موفقیت در امتحانات الهی کدامند؟

۱ - آشنایی با سرگذشت قبول شدگان، مطالعه تاریخ پیامبران و طرفداران آنان سبب افزایش روحیه ما می شود خداوند به رسول اکرم میفرماید **فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ**^۱ مقاومت و صبر پیامبران بزرگ را چراغ راه قرار بده و همچون آنان شکیبا باش به نمونه هایی از قبول شدگان توجه کنید.

الف: حضرت ابراهیم، بت شکنِ موحد در برابر آزار مشرکان فرمود: ما در مقابل تمام شکنجه ها و اذیت ها صبر خواهیم کرد **وَلَتَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا آذَيْنٰهُنَا**^۲

ب: حضرت اسماعیل هنگامیکه پدرش مسئله قربانی کردن را مطرح کرد گفت: پدرجان ماموریت الهی را انجام بده انشاء الله مرا از صابران خواهی یافت **يَا اَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِيْ اِنْشَاءَ اللّٰهِ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ**^۳

ج: یوسف صدیق امتحانات زیادی را پشت سر گذاشته و در همه آنها مدال قبولی را دریافت کرد وقتی صحنه گناه برایش پیش آمد گفت خدایا به تو پناه میبرم **قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ**^۴

۱- احقاف ۳۵. ۲- ابراهیم ۱۲. ۳- صافات ۱۰۲. ۴- یوسف ۲۳.

د: ساحران دربار فرعون قبل از اینکه با حضرت موسی مواجه شوند در مقابل طاغوت تعظیم کرده و از او تمناى مزد میکردند اما همینکه حقانیت حضرت موسی را دیدند به دنیا و زرق و برق آنها پشت پا زده و حتی جان خود را در معرض خطر گذاردند و تسلیم حق شدند و آنگاه که فرعون آنان را به اعدام تهدید کرد گفتند هر حکمی می‌خواهی بده زیرا نهایت حکم تو این است که زندگی دنیایی ما را بگیری ما به جهان آخرت ایمان آورده‌ایم و از شهادت باکی نداریم **فَافِضْ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا**

امتحان خدا (۳)

راههای موفقیت در امتحان الهی کدامند؟

در درس قبل به یکی از راههای موفقیت اشاره شد در این درس نظر شما را به نکاتی دیگر جلب می‌نمائیم.

۲ — توجه به اینکه امتحان همگانی و عمومی است، تنها تونیستی که امتحان میدهی کودک کی که از واکسن و آمپول میترسد اگر صف بچه‌ها را ببیند که آستینها را بالا زده آماده واکسن زدن هستند آرام می‌شود قرآن میفرماید: آیا گمان می‌کنید بدون امتحان و سختی وارد بهشت می‌شوید در حالیکه مردمان قبل از شما هم امتحان دادند و سختی کشیدند تا شایستگی پیدا کردند **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ**^۱ حتی قرآن وقتی میفرماید روزه بر شما واجب شد بخاطر اینکه سختی روزه بر ما آسان شود میفرماید **كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ**^۲ همانگونه که بر امتهای قبلی واجب شده بود.

۳ — یکی دیگر از کلیدهای موفقیت توجه به حضور خداوند است وقتی انسان احساس کند ناظری قدردان او را می‌بیند با تمام توان تلاش می‌کند و از مشکل نمی‌ترسد خداوند به حضرت موسی و هارون که دست خالی به جنگ طاغوت زمان یعنی فرعون می‌رفتند فرمود: نترسید من با شما

۱ — سوره بقره ۲۱۴. ۲ — بقره ۱۸۳

هستم شما را می بینم و سخنان شما را می شنوم لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا
أَسْمَعُ وَأَرَى^۳ و راستی که با این پیام چقدر روحیه گرفتند.

ماموران حکومت عباسی یکی از یاران امام هفتم علیه السلام را
دستگیر و بر درختی آویزان کرده بودند و بنا بود صد ضربه شلاق به او
بزنند تا دوستانش را معرفی کند او تا بیست ضربه را تحمل کرد تصمیم
گرفت اسامی یاران امام را افشا کند که صدایی از بین جمعیت به
گوشش رسید و آن جمله سبب شد که در کمال آرامش و سکوت صد
ضربه شلاق را تحمل کند آن کلام این بود: اَذْكُرْ مَوْقِفَكَ عِنْدَ اللَّهِ
فراموش نکن که در پیشگاه خدا هستی

حضرت حسین علیه السلام بالاترین مصیبتها را تحمل کرد و روز
عاشورا ساعت به ساعت رنگش برافروخته تر می شد چونکه می فرمود تمام
این صحنه ها در محضر خداست.

حضرت نوح (ع) سالیان دراز مردم را دعوت کرد تا اینکه مامور شد
کشتی بسازد مردم او را مسخره میکردند پیام آسمانی او را تسکین داد
وَاضْبَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا؛ کشتی را در حضور ما بساز

۴ — توجه به پاداش یکی دیگر از عوامل دستیابی به موفقیت است
کارگری که شب بیداری می کشد و روز عرق میریزد خوشحال
است چون مزد کار خود را دریافت میکند امام صادق علیه السلام فرمود:
پاداش فراوان در سایه کارهای مشکل و سخت بدست می آید. مومن چون
یقین دارد پاداش بی اندازه در انتظار اوست حاضر است در هر شرائطی
جان فشانی کند زنی از حضرت فاطمه (س) سوالی پرسید حضرت جواب
داد سائل گفت نفهمیدم حضرت دومرتبه جواب داد سائل گفت نفهمیدم

حضرت برای دفعه سوم پاسخ داد تا ده مرتبه پس از مرتبه دهم آن زن شگفت زده پرسید چگونه بود که شما ناراحت و عصبانی نشدید و با خوشروئی ده مرتبه یک مسئله را برای من توضیح دادید حضرت فرمود از پدرم رسول الله (ص) شنیدم که فرمود: اگر مطلبی به کسی بیاموزی خداوند به اندازه ای که بین زمین و آسمان را پر از گوهر کنند به تو پاداش می دهد.

۵ — جهان بینی الهی و نوع بینش انسانها در تحمل سختیها مؤثر است اگر ما ایمان داشته باشیم که:

دنیا محل عبور است، دنیا پُل است، دنیا مزرعه است، دنیا فانی و موقتی است.

آخرت دار بقاست، آخرت روز مزد و پاداش است، آخرت جاوید است سختی ها عامل رشد و کمال هستند.

هر چه داریم از خداست، بر سر خوان نعمت پرودگار نشسته ایم.

بنده خدائیم و در مقابل خداوند از خود استقلال نداریم.

این نوع بینش صبر ما را افزایش خواهد داد.

تأثیر عمل در عمل

گاهی کارهای خوب و بد در یکدیگر اثر میگذارد.
گاهی یک قاشق سم خوردن تمام مراعات بهداشت های انسان
را محو میکند.

گاهی یک حرف زشت دوستی چند ساله را از بین میبرد
کفر کار خوب را از بین میبرد این را در قرآن حبط میگویند یعنی
اعمال بدی که اعمال خوب قبلی را نابود می کند.

ولی گاهی یک عمل خوب بدی ها را از بین میبرد مثلاً

استغفار واقعی و توبه حقیقی گناهان را محو میکند.

وام دادن و خدمت به مردم لغزشها را پاک میکند.

نماز سیئات و گناهان را می شوید إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

السَّيِّئَاتِ^۱ در فرهنگ قرآن به این کار تکفیر یعنی پوشش گفته می شود

امام علیه السلام فرمود نگذارید گناهان جمع شود بلکه بلافاصله با نماز

صفحه دل را از آلودگی گناه پاک نگه دارید.

چرا بعضی از دعاها مستجاب نمی‌شود؟

آیا تاکنون برای شما پیش آمده که دعائی بدرگاه خداوند کرده و درخواستی را مطرح کرده باشی اما به نتیجه نرسیده باشید در این درس با علل مستجاب نشدن دعا آشنا می‌شویم.

۱ — خود حرف زدن با خداوند یک توفیق است که شامل هرکس نمی‌شود مثل اینکه کنارِ باغ و گلستان بودن یک ارزش است گرچه از میوه آن باغ استفاده نکنیم.

۲ — بسیاری از دعاهاى ما خیرخواهی نیست ولی گمان می‌کنیم خیر است بهمین دلیل مدتی که گذشت شادی می‌کنیم که چه خوب شد دعایمان مستجاب نشد به قول قرآن عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ^۱ چه بسا چیزی را زشت میدانید در حالیکه خیر شما در آن است.

۳ — گاهی استجاب دعا بنا به مصلحتی به تأخیر میافتد نه اینکه بگلی تعطیل شود.

۴ — آداب دعا را مراعات نمی‌کنیم.

۵ — لقمه حرام مانع استجاب دعا می‌شود.

۶ — چه بسا دعا در موضع استجاب قرار می‌گیرد ولی دعاکننده مرتکب گناهی می‌شود در نتیجه استجاب لغو می‌شود درست مثل کسی

۱ — بقره ۲۱۰.

که در حال عمل کردن به نسخه پزشک کاری انجام میدهد که اثر دارو را
خشی می‌کند.

چرا نعمتها گرفته می‌شود؟ (رمز زوال نعمتها)

خداوند مهربان و حکیم است هم ما را دوست دارد و هم بر مبنای حکمت نعمتی را بما میدهد و یا نعمتی را از ما می‌گیرد چه خوب است که رمز زوال نعمتها را بدانیم تا شایستگی داشتن نعمتها را از دست ندهیم قرآن مجید عناوین زیر را عوامل زوال نعمتها میداند.

۱ — کفران نعمت: فَكَفَرْتُ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخُوفِ^۱ نسبت به نعمتهای خداوند کفران ورزیدند پروردگار بدبختی گرسنگی و ترس را بر آنان چشاند.

۲ — تن‌پروری: وقتی حضرت موسی (ع) از مردم خواست تا با ستمکاران و جباران به جهاد برخیزند پاسخ دادند ای موسی تو و خدایت به جنگ آنان بروید ما در انتظار نشسته‌ایم اِذْ هَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ^۲ خداوند بدنبال این تن‌پروری بنی اسرائیل چهل سال آنان را سرگردان بیابانها کرده و از نعمت‌ها محروم کرد فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً^۳.

۳ — غفلت: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا^۴ و هرکس

۱ — نحل ۱۱۲. ۲ — مائده ۲۲. ۳ — مائده ۲۳. ۴ — طه ۱۲۳.

که از یاد خدا روی گردان شود زندگی سختی پیدا خواهد کرد.

۴ - گناه و معصیت: **مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَاراً**^۵ مردم زمان

حضرت نوح بخاطر گناهان غرق شدند و وارد آتش گردیدند.

۵ - تغییر روش: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**^۶ خداوند

سرنوشت مردمی را عوض نمی‌کند مگر اینکه خودشان روش

خود را تغییر دهند.

یک درس قرآنی

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنْ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ^۱

آنچه از خوبیها به تو رسید از خداوند است و آنچه از بدی به تو رسید از خود توست .

به یک مثال توجه کنید .

کره زمین هم به دور خود می‌گردد و هم به دور خورشید و دائماً قسمتی از آن در برابر خورشید و قسمتی دیگر تاریک است در اینجا می‌توان گفت زمین هر چه از روشنی دارد از خورشید است و آنچه از زمین تاریک است از خود اوست خداوند قدرت را در بدن ما قرار داد ولی اگر ما با این قدرت بدیگران ظلم کردیم بدی مربوط به انتخاب خود ماست .
قدرت هدیه الهی است و سوءاستفاده از قدرت از ماست .

آب

ما با آب زنده هستیم. آب وسیلهٔ پاکی است. باران از نعمتهای خداست. سبز بودن نباتات، صافی هوا، زندگی تمام موجودات زنده از آب است. برق را از آب تولید می‌کنند. دریاها بهترین راههای آبی برای کشتیها هستند.

دریا بهترین محلّ پرورش ماهی و خوراک انسانها است. پیامبر اسلام (ص) فرمود:

«هر گروهی آب و خاک داشته باشند ولی کشاورزی نکنند و در فقر و بدبختی زندگی نمایند مورد لعنت خداوند متعال هستند».

اسلام می‌فرماید:

«آب‌رسانی به درختان همچون سیراب کردن انسان پاداش

دارد».

حضرت علی (ع) در جنگ دستور داد آب را، حتی به روی دشمنان قطع نکنند و هرگز آب دشمن را مسموم ننمایند.

هرگاه آب می‌نوشیم به یاد خدا باشیم. قرآن می‌فرماید:

«اگر بخواهیم آب را تلخ و شور و زندگی شما را فلج می‌کنیم».

هنگام سیراب شدن امام حسین (ع) را یاد کنیم. اسراف کردن

در آب همچون موارد دیگر حرام است. ما باید در حفظ آب بکوشیم.

شخصی که تصمیم داشت وارد چاهی شود و خود را شستشو دهد امام او را نهی کرد و فرمود: «آب آشامیدنی مردم را آلوده مکن» آب دادن به تشنگان از بزرگترین عبادات است. از زمان قدیم آب دادن به زائران خانه خداوند در مکه یکی از مقامها بود.

بسیاری از امراض به خاطر مراعات نکردن بهداشت است. ما باید روی ظرف آب سرپوش بگذاریم. و در جوی آب چیزی نشویم و بدانیم که نگاه کردن به آب پاک روح انسان را شاد می‌کند. امام رضا (ع) می‌فرماید:

«در وضو کردن نظافت و نشاط و قرب به خداوند است.»

باید میان چاه آب آشامیدنی و چاه فاضلاب فاصله باشد.

اگر مردم ایمان به خداوند داشته باشند و از خطاهای خود توبه کنند و به سراغ کار خیر روند، خداوند آب فراوان و گوارا برای آنان می‌فرستد.

خلاصه آنکه آب مایه زندگی انسانها، حیوانات، گیاهان و تمام موجودات زنده است. (وَمِنْ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ)^۱.

ابر و باران

باران هوا را صاف می‌کند. باران از نعمتهای بزرگ خداوند است. گاهی خداوند با قطع باران، قهر خود را به مردم نشان می‌دهد. اگر مردم از کارهای بد خود توبه کنند، خداوند باران رحمت خود را بر آنان نازل می‌کند.

باران گیاهان را می‌رویاند. هرگاه قطرات باران به هم متصل شوند، جویها و نهرها را تشکیل می‌دهند. انسان می‌تواند از مهار کردن این آبها در پشت سدها برق تولید کند. قرنهای آسیابهای آبی وسیلهٔ آرد کردن گندمها بود.

باران از ابرها می‌بارد. همین که ابرها به هم فشرده و سرد شدند، تبدیل به باران می‌شوند. ابرها از بخار دریاها و اقیانوسها تشکیل می‌شوند. بخار دریاها از تابیدن آفتاب است. در اسلام سفارش شده که اگر باران قطع شد، مردم در بیابان جمع شوند و نماز باران بخوانند. خداوند برای آنان باران می‌فرستد. نماز باران با نمازهای دیگر فرق دارد که فعلاً جای گفتن آن نیست.

مردم همین که به حضرت نوح(ع) ایمان نیاوردند و سالها، دعوت او را نپذیرفتند، نوح(ع) به آنان نفرین کرد و خداوند به وسیلهٔ بارانهای

زیاد وتند و جوشیدن آب از زمین چنان سیلی به راه انداخت که همه
کافران را غرق کرد.

باد

باد یکی از نعمتهای خداوند است. باد ابرها را جابه‌جا می‌کند؛ تا باران به تمام نقاط برسد. باد وسیلهٔ آبستن شدن گیاهان است. باد از آیات و نشانه‌های قدرت الهی است. باد کشتیها را به حرکت درمی‌آورد و هوای آلوده با باد دور می‌شود. اگر باد نباشد پرمردگی همه چیز را می‌گیرد. اگر باد نباشد گرمی خورشید بسیاری از موجودات را آزار داده و می‌سوزاند. حرکت بادها بر دریاها و جنگلها به صورت نسیمی خنک برای مردم مناطق گرمسیر است.

بادها می‌توانند وسیلهٔ قهر خداوند باشند همان‌گونه که قوم عاد به وسیله باد شدید از بین رفتند.

داستان قوم عاد

قوم عاد در یمن سکونت داشتند و دارای شهرهای آباد و زمینهای سرسبز و خرم بودند. از نظر جسمی افرادی قوی و جنگاور بودند و در ناز و نعمت زندگی می‌کردند؛ ولی چنانکه شیوه بیشتر دنیا طلبان است که دنیا آنها را مست و مغرور می‌سازد و شروع به ظلم و ستم به دیگران می‌کنند، آنان نیز چنین رفتاری را پیش گرفتند و به دیگران ظلم و ستم کردند و به هنگام دعوت حضرت هود با او به مخالفت برخاستند و به او نسبت جنون

دادند و او را تهدید کردند که با بتهایشان مبارزه نکند. اما حضرت هود (ع) همچنان مقاوم به دعوت توحیدی خود ادامه داد و سرانجام توانست گروهی را هدایت نماید. اما بسیاری از آنها بر عناد و لجاجت خود اصرار ورزیدند.

خداوند طوفانی شدید و بسیار کوبنده به مدت هفت شب و شش روز بر آنها مسلط کرد که قصرهای آنها را درهم کوبید و اجسادشان را همچون برگهای پاییزی به اطراف پراکنده ساخت و تنها آنها که ایمان آورده بودند نجات یافتند و سرنوشت آنها درسی بزرگ برای همه جباران و ظالمان شد که انسان ضعیف هنگامی که مختصر قدرتی در خود احساس کند سر به طغیان برمی دارد و حتی به مبارزه با قدرت خدا برمی خیزد و خداوند بزرگ با قدرت خویش همه آنها را درهم می کوبد و به هلاکت می رساند.

بخش پنجم
احکام

تقلید

در اسلام اصل بر تحقیق است و هر مسلمانی باید اصول دین را از روی دلیل بداند، قرآن مجید از تقلید کورکورانه انتقاد میکند. ولی در مورد دستورات عملی اسلام مانند: نماز و روزه و حج و... که برای همه مردم فرصت تحقیق نیست باید به کارشناس دینی یعنی فقیه عادل مراجعه کنیم به اینکار تقلید می‌گوئیم و این نوع تقلید مسئله‌ای عقلی است و در زندگی روزمره ما دائماً بچشم می‌خوریم، مریض می‌شویم به پزشک مراجعه می‌کنیم، لباس خود را نزد خیاط می‌بریم، برای تعمیر ماشین به نمایندگی مجاز مراجعه می‌کنیم و خلاصه اینکه در هر رشته‌ای که اطلاعاتی نداریم به کارشناس آن رشته مراجعه می‌کنیم و بدستورات او عمل می‌کنیم هرچه موضوع مهمتر باشد در انتخاب کارشناس بیشتر دقت می‌کنیم یک دل درد ساده را به هر پزشکی نشان می‌دهیم اما وقتی خطری متوجه قلب شد دامنه تحقیق را وسیعتر و دقیقتر می‌کنیم. به نظر شما حیات دنیا مهمتر است یا آخرت ما برای سعادت دنیا و آخرت خود می‌خواهیم به دستورات کارشناسی عمل کنیم طبیعی است که باید بیش از هر چیز دقت کنیم و وقتی مرجع تقلید را که همان فقیه عادل است انتخاب کردیم سعی کنیم دستوراتش را بیاموزیم و به آنها عمل کنیم.

توجه: اگر در گذشته عبادات ما بدون تقلید انجام گرفته در

صورتی که بوظیفه خود عمل کرده باشیم مثلاً مطابق با فتوای مجتهدی که وظیفه داشته ایم از او تقلید کنیم باشد صحیح است.

مطهرات

فطرت انسان از آلودگی متنفر است بهمین دلیل اسلام آلودگیها را (مثل بول، غایط، خون و...) نجس دانسته و برای پاک کردن آنها مطهرات را قرار داده (مثل: آب، آفتاب، باران، زمین و...) در این درس نظر شما را به نکاتی دربارهٔ باران و آفتاب و زمین جلب می‌کنیم:

- ۱ — اگر باران به زمین و فرش و لباس نجس ببارد پاک می‌شود
- ۲ — آفتاب زمین و ساختمان و چیزهائی مانند درب و پنجره که در ساختمان بکار رفته را با چند شرط پاک می‌کند:

الف: عین نجاست برطرف شده باشد

ب: هنگام تابش آفتاب قسمتِ نجس، تر باشد

ج: آفتاب مستقیماً بتابد نه از پشت ابر و شیشه

د: آفتاب به تنهایی خشک کند نه همراه با باد یا وسیلهٔ دیگر

- ۳ — زمین ته کفش یا کف پا را که نجس باشد به چند شرط

پاک می‌کند:

الف: مقداری روی زمین خشک راه برود (بهتر است حداقل

۱۵ قدم باشد)

ب: عین نجاست برطرف شده باشد

ج: زمین طبیعی باشد نه آسفالت و موزائیک و چوب

تطهیر

پس از ادرار کردن محل بول حتماً باید با آب شُسته شود و با کاغذ و پارچه و سنگ پاک نمی‌شود. ولی محل غائط هم با آب پاک می‌شود و هم با پارچه و سنگ. و همین اندازه که عین نجاست رفع شد پاک می‌شود^۱ در مورد نحوه ادرار کردن مردها دستوراتی تحت عنوان استبراء آمده که توصیه می‌کنیم به رساله مراجعه کنید. (مسئله ۷۲) خودداری از بول اگر برای بدن ضرر داشته باشد حرام و گرنه مکروه است. اگر کسی وضو دارد و نماز جماعت هم بر پا شده اما ادرار دارد بهتر است از ثواب نماز جماعت صرف نظر کرده اول به دستشویی رفته سپس وضو بگیرد و نماز فردای بخواند. مستحب است قبل از خواب انسان به مستراح برود.

۱ — امام: نماز خواندن با آن اشکال ندارد (م ۶۸) — آیت الله گلپایگانی و اراکی: باید با سه قطعه سنگ و یا پارچه باشد (م ۱۱).

حتی مستراح رفتن دستور دارد

پزشک خوب پزشکی است که وقتی نسخه میدهد به سلامت تمام اعضاء توجه داشته باشد اگر برای اعصاب دارو میدهد مراعات معده و دندانها و چشم را بکند.

از آنجا که اسلام دین جامعی است در احکامش به تمام ابعاد توجه شده جالب اینکه نه تنها درباره مسائل کلی و مهم مثل جهان بینی و اقتصاد و سیاست بلکه در مسائل بسیار ساده و عادی زندگی هم اسلام دقت هایی کرده است مثلاً در مورد آداب مستراح رفتن دهها دستور دارد که هریک اشاره به موضوعی دارد.

۱ — برای حفظ حقوق مردم، ادرار کردن و مستراح رفتن در ملک مردم و کوچه های بن بست را حرام دانسته.

۲ — برای سلامت و حفظ محیط زیست، ادرار کردن و مستراح رفتن در معابر عمومی و پای درختان و در آبهای راكد و جاری و سوراخ حشرات را نهی فرموده.

۳ — برای سلامت بدن انسان، ادرار کردن در حالت ایستاده و روی زمین سفت و نگهداشتن ادرار را نهی فرموده.

۴ — برای احترام مقدسات و حفظ حریم آنها: نشستن رو به قبله و پشت به قبله را در مستراح حرام دانسته.

۵ — برای حفظ کرامت انسانی و ادب و اخلاق فرموده در جای محفوظ که کسی انسان را نبیند باشد.

پس می‌بینید اسلام عزیز برای یک مسئله بظاهر کوچک به تمام نکات حقوقی، زیستی، بهداشتی، اخلاقی و معنوی توجه داشته است.

احکام آب ها

آب از نعمتهای الهی است. حیات موجودات به آب بستگی دارد، طهارت و بهداشت ما وابسته به آب است برای وضو و غسل و پاک کردن چیزهای نجس باید از آب خالص استفاده کرد و آب گِل آلود و یا آبی که با چیزی مخلوط شده باشد گرچه زیاد باشد برای این موارد قابل استفاده نیست.

آب از نظر مقدار ۲ نوع است آب کر و آب قلیل.
آب گُر آبی است که مقدار آن (طبق هر سه فتوی) ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم تقریباً ۴۰۰ لیتر می باشد آب کر چیز نجس را پاک میکند و اگر چیز نجس را در آب کر برزنیم تا رنگ و بو و مزه آب تغییر نکرده پاک است.

آب قلیل آبی است که کمتر از آب کر باشد باید توجه داشته باشیم که چیز نجس را در آب قلیل نزنیم چون نجس می شود بلکه آب قلیل را روی لباس یا چیز نجس بریزیم تا پاک شود.
آب باران، آب جاری و آب چاه مثل آب کر پاک کننده هستند.

چند مسئله درباره پاک کردن چیزهای نجس

- ۱ - اگر چیز پاک به چیز نجس برسد در صورتی نجس می‌شود که هردو یا یکی از آنها تر باشد بطوریکه تری منتقل شود.
- ۲ - فرش و لباس نجس اگر یکبار در آب کریا جاری فرو برند بطوریکه آب به تمام آن برسد پاک است و فشار دادن پارچه و فرش واجب است.
- ۳ - کسیکه چیز نجسی با دست خود آب می‌کشد پس از آب کشیدن آن چیز دستش هم پاک می‌شود.
- ۴ - اگر مسلمانی چیز نجسی را شست باید بگوئیم پاک است گرچه ندانیم خوب شسته یا نه.

واجباتِ وضو

۱- نیت

۲- شستن صورت

۳- شستن دستها

۴- مسح سر

۵- مسح پاها

توضیحات

۱- نیت گفتنی نیست نیت یعنی توجه داشتن به دو چیز

چه می‌کند؟ برای کی اینکار را انجام می‌دهد؟

پس اگر حواسش پرت باشد که نمی‌داند مشغول چکاری است و یا برای خودنمایی و ریا و یا خوش آمد این و آن وضو بگیرد باطل است.

۲- قبل از وضو مستحب است دستها را تا مچ بشوئیم.

۳- شستن دستها و صورت باید از بالا به پائین باشد.

۴- کسانی که ریش دارند اگر ریش کوتاه و پوست صورت

پیدا است باید پوست صورت شسته شود و اگر ریش بلند است و روی صورت را گرفته لازم نیست آب را به پوست صورت برسانند.

۵- قبل از وضو باید جاهائی را که می‌شوئیم و مسح می‌کنیم

پاک باشد و مانعی مثل گچ، چسب، رنگ و... نباشد.

شرایط صحیح بودن وضو

- ۱- آب وضوپاک باشد
- ۲- آب مطلق باشد
- ۳- آب مباح باشد
- ۴- ظرف آب غصبی نباشد
- ۵- اعضاء وضوپاک باشد
- ۶- وقت برای وضو و نماز کافی باشد
- ۷- به قصد قربت باشد
- ۸- به ترتیب وضو بگیرد
- ۹- پی در پی و پشت سرهم باشد
- ۱۰- خودش انجام داده و کسی به او کمک نکند مگر در مواقع اضطرار
- ۱۱- آب برایش ضرر نداشته باشد
- ۱۲- در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

چند مسئله درباره وضو

- ۱ — کسی که شک کند وضویش باطل شده یا نه باید بگوید باطل نشده
- ۲ — کسی که شک کند وضو دارد یا نه سه حالت دارد
- الف: قبل از نماز شک کند — باید وضو بگیرد
- ب: در حال نماز شک کند — باید نماز را رها کرده و وضو بگیرد
- ج: بعد از نماز شک کند — نمازی که خوانده صحیح است برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد
- ۳ — برای تمام نمازهای واجب و مستحب وضو لازم است

تذکراتی درباره وضو

- ۱ — جای مسح باید خشک باشد اما دستها و صورت اگر قبل از وضو تر باشد اشکال ندارد
- ۲ — اگر غیر از اعضای وضو جای دیگری از بدن نجس باشد وضو اشکالی ندارد
- ۳ — در مسح سر باید مواظب باشیم آب دست به آب صورت متصل نشود
- ۴ — مسح سر روی موها کافی است مگر برای کسانی که موهایشان بقدری بلند است که وقتی شانه می‌کنند به صورت و اطراف سر میریزد در این صورت باید فرق باز کرده و به بن مو یا پوست سر مسح کند
- ۵ — وضو گرفتن با آبیکه نمیدانیم صاحبش راضی است یا نه باطل است
- ۶ — اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد برای وضو باید زیر ناخن تمیز شود

وضوی جبیره

به پارچه ای که روی زخم و شکستگی می‌بندند و به روغن و پمادی که روی زخم و سوختگی می‌مالند جبیره گفته می‌شود اگر در دستها و صورت، پاها و سر، شکستگی و یا جراحی باشد احکام ویژه‌ای پیدا می‌کند که به آن وضوی جبیره می‌گویند که در این درس به طور فشرده به این احکام اشاره داریم

۱ — اگر زخم باز است و یا در صورتیکه پارچه را برداریم ضرری ندارد باید بطور طبیعی وضو بگیریم

۲ — اگر روی زخم بسته است و باند و پارچه ای که بسته شده نجس است باید پارچه ای پاک روی آن ببندیم

۳ — نحوه انجام وضوی جبیره بدین صورت است که مثل همیشه وضو می‌گیریم وقتی رسیدیم به قسمتی که باندپیچی شده دست تر روی پارچه و باند می‌کشیم

۴ — جبیره یا در جاهای شستنی وضو است یا در جاهای مسح کردنی که حکم هر کدام جداست با همان تری آب وضو

الف : قسمتی از عضو — وضوی جبیره	۱ - در دستها و صورت	} جبیره
ب : تمام عضو — وضوی جبیره + تیمم		
الف : امکان مسح هست ولو روی پارچه	۲ - در پاها و سر	
← وضوی جبیره + تیمم		
ب : امکان مسح نیست مثلاً سوختگی شدید		
است — تیمم		

غسل

یکی از دستورات اسلام غسل است که علاوه بر انجام فرمان خداوند آثار بهداشتی و تربیتی و معنوی هم دارد. امامان به مناسبت‌های مختلف بما سفارش غسل داده‌اند تا هم بدنی تمیز و سالم داشته باشیم و هم روحی بانشاط و نورانی و همزمان با زدودن آلودگی‌های جسمی بیاد توبه و پاکیزه کردن قلب هم بیفتیم.

روز جمعه، روز عید فطر و قربان و عید غدیر، نیمه شعبان، تولد پیغمبر اسلام، هنگام ورود به مکه و مدینه و حرم ائمه غسل مستحب است حضرت علی (ع) درباره غسل جمعه خیلی سفارش میفرمود و خودش هرگز ترک نمی‌کرد وقت غسل جمعه از اذان صبح تا ظهر جمعه است و اگر موفق نشد تا غروب جمعه می‌تواند غسل کند، نحوه انجام تمام غسل‌های واجب و مستحب یکسان است بین غسل وضو تفاوتی است که دانستن آن مفید است

۱ — در وضو باید دستها و صورت را از بالا به پائین بشوئیم اما در غسل از هرطرفی باشد اشکالی ندارد

۲ — در وضو شستن اعضا باید پشت سرهم انجام شود اما در غسل اگر فاصله شود اشکالی ندارد مثلاً اگر سر و گردن را بشوید پس از ساعتی سمت راست بدن را بشوید اشکالی ندارد

غسل

غسل دو نوع است:

ارتماسی و ترتیبی

غسل ارتماسی یعنی بعد از پاک کردن بدن یکدفعه تمام بدن را زیر آب ببریم^۱

غسل ترتیبی یعنی اول سر و گردن و بعد نصف راست بدن که شامل دست و پای راست و نصف بدن می شود و بعد سمت چپ را می شوئیم
چند تذکر

۱ - اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته یکی از سه حالت را دارد

این قسمت

اگر سمت چپ بوده — فقط همان قسمت را می شوید

اگر سمت راست بوده — آن قسمت را شسته دوباره سمت چپ را می شوید

اگر در سر و گردن بوده — آن قسمت را شسته بعد سمت راست بعد سمت چپ را می شوید

۱ - شخص روزه دار و کسیکه در اعضای بدنش جیره باشد نمی تواند غسل ارتماسی بکند.

چند مسئله درباره غسل

۱ - آب غسل باید پاک و حلال باشد پس اگر حمامی یا صاحب آب راضی نباشد و یا بخواهد پول حمامی را از مال حرام بدهد غسل باطل است .

۲ - اگر بیش از حد معمول آب مصرف میکند و نمیداند صاحب حمام راضی است یا نه غسلش باطل است (مگر اذن بگیرد: آقای گلپایگانی).

۳ - اگر شک کند غسل کرده یا نه باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شک کند که غسلش درست بوده یا نه لازم نیست دوباره غسل کند .

۴ - می شود به نیت چند غسل یک غسل انجام داد .

مثلاً یک غسل انجام دهد و نیت غسل جمعه، جنابت و ... کند .

۵ - با غسل جنابت می توان نماز خواند و وضو لازم نیست ولی با غسلهای دیگر نمی توان نماز خواند .

تیمم

قرآن میفرماید در شرائطی که دسترسی به آب ندارید و یا استعمال آب برای شما ضرر دارد بر خاک پاک تیمم کنید **وَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً**.

ممکن است کسی بگوید زدن دست بر خاک کثیف و مالیدن بر چشمها خلاف بهداشت است.

جواب میدهم

اولاً : خاک باید پاک باشد.

ثانیاً : بعد از زدن دستها بخاک بهتر است دستها را بهم بزنیم.

ثالثاً : در تیمم دستها را به چشم نمی کشیم بلکه به پیشانی می کشیم و دو طرف پیشانی.

رابعاً : این عمل علاوه بر انجام فرمان خداوند اثر تربیتی دارد. انسان را بیاد خاک میندازد به او میگوید تو خاک بودی خاک میشوی از خاک خلق شدی در خاک دفن میشوی روزی مجدداً از خاک بیرون می آیی و باید حساب پس بدهی شاید رابطه انسان با خاک در هر سجده رمز توجه بهمین آثار باشد.

دستور تیمم

۱ - نیت، باید توجه داشته باشیم که تیمم بجای وضو است یا بجای غسل و تیمم می‌کنیم قربةً الی الله .

۲ - کف دودست را هم زمان به چیزی که تیمم بر آن صحیح است (مثل خاک، شن، سنگ) می‌زنیم.

۳ - کف دست‌ها را به پیشانی و دو طرف پیشانی می‌کشیم از جائیکه موی سر روئیده تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید روی ابروها را هم بکشیم.

۴ - کف دست چپ را به تمام روی دست راست می‌کشیم.

۵ - کف دست راست را به تمام روی دست چپ می‌کشیم.

چند نکته:

۱ - قبل از تیمم باید مواظب باشیم اگر دست‌ها و صورت نجس است پاک کنیم و اگر مانعی از رسیدن به آب در دست‌ها و صورت هست مثل چسب و کچ و رنگ برطرف کنیم.

۲ - قبل از تیمم حلقه و انگشتر و... را از دست بیرون آوریم.

در چند مورد بجای وضو و غسل باید تیمم کرد

۱ - تهیه آب ممکن نباشد مثلاً

- الف: آب در دسترس نیست در منطقه بی آب گرفتار شده
ب: آب هست ولی وسیله برداشت آب مثل طناب و سطل وجود ندارد
ج: آب هست ولی کم است و فقط به اندازه خوردن خود و خانواده و همراهان است
د: آب هست ولی بدن یا لباس نجس است و این آب به اندازه تطهیر بدن و لباس است
ه: آب هست ولی از ترس دزد و جانور نمی تواند به آب دست پیدا کند

۲ - استعمال آب برای انسان ضرر دارد

- یا مریض می شود
یا مرضش شدت پیدا می کند
یا مرضش طولانی می شود

۳ - وقت تنگ است

سؤال: به چه چیزهایی سجده صحیح است؟
به چه چیزهایی تیمم صحیح است؟

چون غالباً بین این ۲ مورد اشتباه می‌شود آشنایی با این ۲ سؤال مفید است

خاک	}	۱ - چیزهایی که سجده بر آن صحیح است
سنگ		
شن و گل پخته مثل آجر و کوزه		
گچ و آهک		
چوب		
برگ درختان بشرطی که خوردنی نباشد	}	

خاک	}	۲ - چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است
ریگ		
سنگ		
گل پخته مثل آجر و کوزه		
سنگ، گچ، آهک		

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد پس اگر ناچار شد در کشتی، هواپیما، قطار و اتومبیل نماز بخواند بقدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند او هم به طرف قبله برگردد

نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و قطار و مانند اینها وقتی ایستاده اند مانعی ندارد و یا اینکه در حال حرکتند ولی حرکت آنها طوری است که سبب اضطراب بدن نمازگزار نمی شود

اگر از روی جهل یا غفلت یا فراموشی در مکان غضبیه نماز بخواند باطل نیست

اگر خود زمین غضبیه نباشد ولی فرشی که روی آن انداخته اند غضبیه باشد نماز باطل است و برعکس اگر فرش حلال باشد زمین غضبیه باشد نماز باطل است

مکان نمازگزار

- ۱ — باید غصبی نباشد
 - ۲ — در حال اختیاری حرکت باشد
 - ۳ — سقفش کوتاه نباشد
 - ۴ — پاک باشد (البته اگر نجس باشد و خشک باشد اشکال ندارد)
 - ۵ — پست و بلند نباشد (جای پیشانی و سرزانه‌ها و انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته بالا و پائین نباشد)
- نماز خواندن زن و مرد برابر هم یا مقدم بودن زن بر مرد کراهت دارد و در این مسئله فرقی میان محرم و نامحرم نیست حتی زن و شوهر اگر جلوتر بایستد و یا فاصله بیش از ۵ متر باشد و پرده‌ای حائل شود این کراهت برداشته می‌شود
- بودن زن و مرد نامحرم در جای خلوت مکروه است و احتیاط شدید در ترک آن است و احتیاط در نماز نخواندن در آنجاست.
- (مسئله ۸۸۹)

در این مکانها نماز خواندن مستحب است

۱ — مسجد، طبق روایات بهترین مکان برای نماز مسجد است و مساجد هم دارای درجاتی است

مسجد الحرام — مسجد النبی (ص) — مسجد کوفه — مسجد

بیت المقدس — مسجد جامع — مسجد محله — مسجد بازار

ثواب نماز در مسجد الحرام برابر با یک میلیون نماز

در مسجد النبی (ص) برابر با ده هزار

در مسجد کوفه و بیت المقدس برابر هزار نماز

در مسجد جامع برابر صد نماز

در مسجد محله برابر ۲۵ نماز

در مسجد بازار برابر ۱۲ نماز

(مسئله ۸۹۴)

۲ — نماز در حرم امامان و مسجدی که نمازگزار ندارد طبق

روایت از نماز در مسجد بهتر است نماز در حرم امیرالمومنین برابر دویست

هزار نماز است (مسئله ۸۹۵)

۳ — در حرم انبیاء و جایگاه اولیاء و صلحا و علماء گرچه زنده

باشند (عروة الوثقی)

در این مکانها نماز خواندن مکروه است

- ۱- در حمام (هم داخل حمام و هم رختکن)
- ۲- در جاهای کثیف
- ۳- مقابل آتش و چراغ
- ۴- مقابل عکس و مجسمه (در جایی که عکس باشد گرچه روبرو نباشد)
- ۵- مقابل قبر و در قبرستان
- ۶- جایی که مقابل نمازگزار چیزی باشد که حواسش را پرت نماید مثل نوشته و نقاشی
- ۷- در کوچه و خیابان اگر زحمت نباشد اما اگر زحمتِ عابرین باشد حرام است ولی باطل نیست
- ۸- روبروی انسان

مسئله ۸۹۸

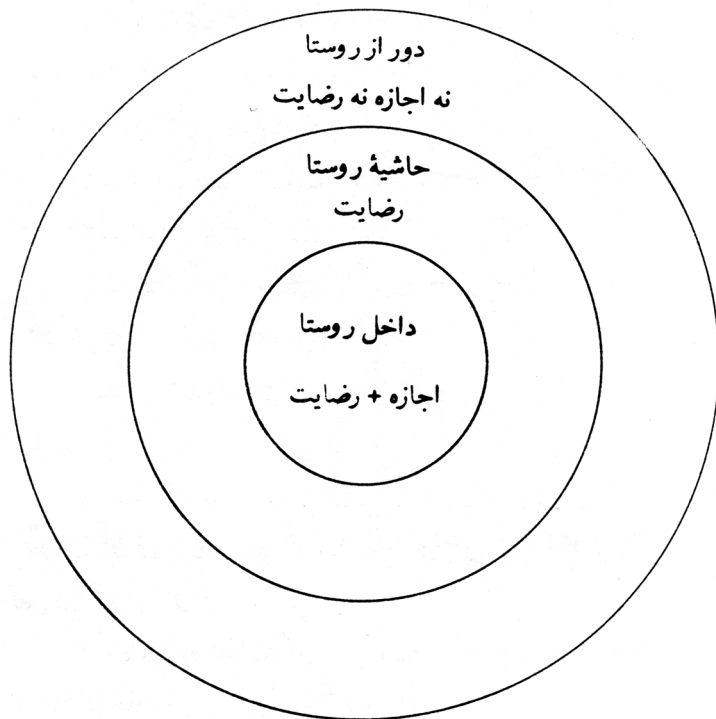
سؤال: آیا در زمینهای کشاورزی حواشی جاده‌ها و باغات مردم می‌شود نماز خواند؟

جواب: زمینهای کشاورزی سه حالت دارد و به سه حکم: داخل روستا - حاشیه روستا - دور از روستا.

- ۱ - اگر زمین و باغ داخل روستاست و حفاظ و دیوار دارد باید اجازه گرفت و رضایت صاحبش را جلب نمود
- ۲ - اگر در حاشیه روستاست نماز خواندن و نشستن اشکال ندارد و اجازه لازم نیست ولی اگر صاحبش پیدا شد و اظهار نارضایتی کرد نمی‌توانیم نماز بخوانیم
- ۳ - زمینهای کشاورزی دور از روستا نه اجازه لازم دارد و نه رضایت

(مسئله ۸۷۹ رساله امام)

البته این مسئله بمعنای خسارت وارد کردن به محصولات مردم نیست بلکه نماز خواندن و وضو گرفتن و تصرفات جزئی اشکال ندارد



آداب مسجد

مسجد خانه خدا و مرکز عبادت و پایگاه توحید و کلاس تعلیم و تربیت و محل اجتماع مسلمانان و رسیدگی به مشکلات جامعه اسلامی است.

درباره ساختن مسجد، نظافت مسجد، آبادانی مسجد، روشنایی مسجد، رونق دادن به مساجد و رفت و آمد زیاد به مساجد روایات زیادی بما رسیده در این درس به چند ادب از آداب مسجد اشاره می‌کنیم

۱- با طهارت وارد مسجد شویم

۲- قبل از ورود کفشهای خود را واری کنیم

۳- هنگام ورود ابتدا پای راست خود را داخل مسجد گذاشته و

صلوات بفرستیم

۴- از صحبت کردن درباره کارهای دنیایی و بلند حرف زدن

پرهیزیم

۵- هنگام مسجد رفتن لباس نظیف پوشیده خود را معطر کنیم و

اگر دهانمان بوی بد میدهد (مثل بوی سیر و پیاز) از رفتن به مسجد خودداری کنیم

لباس نمازگزار

لباس نمازگزار باید پاک و مباح بوده و از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد

پوشیدن لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و استعمال بوی خوش برای نمازگزار مستحب است امام صادق علیه السلام فرمود وقتی لباس نو خریداری میکنید چه خوب است اول دو رکعت نماز در آن بخوانید پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباس کسیکه از نجاست پرهیز نمیکند و باز بودن تکه‌های لباس مکروه است

رسول خدا (ص) لباس مخصوص نماز داشت (مستدرک ۳/۲۳۳)
امام مجتبی علیه السلام بهترین لباسهایش را وقت نماز می‌پوشید
دلیلش را پرسیدند فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي خُداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد من برای خدای خودم، خودم را زینت کرده‌ام
قرآن میفرماید خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ بهننگام رفتن به مسجد خود را زینت کنید

پیامبر از کسانی که وقت نماز از پوشیدن لباسهای خوبشان پرهیز می‌کنند بدگوئی کرد (مستدرک ۳/۲۲۷) (بعضی برای اینکه اطوی شلوارشان بهم نخورد لباسهای زیبا را بیرون می‌آورند)

خانمها واجب است در نماز به جز گردی صورت و دستها و پاها تا میچ تمام بدن را بپوشانند و اگر نامحرم حضور دارد واجب است پاها را هم بپوشانند امام صادق علیه السلام فرمود: اگر زن در نماز چادر سرتاسری بپوشد بهتر است از لباس نازک و لباسی که حجم بدن زن را نشان دهد نهی شده است (الصادق (ع): لَا تُصَلِّيْ قِيَمًا شَقَّ أَوْ وَصَفَ) (وافی ۳۹۰/۷)

در احادیث بویژه نسبت به لباس امام جماعت سفارش شده که تمیز و سفید باشد و عبا و عمامه داشته باشد (وافی ۳۸۳/۷)

پیامبر (ص) فرمود یا علی به همسرت بگو در حال نماز با لباس خوب و زینت حاضر شود

نماز در لباس عکس دار و لباس سیاه و سرخ‌رنگ مکروه است

الصادق (ع): كَرِهَ أَنْ يُصَلِّيَ وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ فِيهِ تَمَائِيلُ (وافی ۳۹۱/۷)

از بس لباس نمازگزار مقدس است امامان ما وصیت میکرده‌اند که لباس نمازشان را کفن آنان قرار دهند و امام باقر (ع) فرمود:

يُسْتَحَبُّ أَنْ يُكَفَّنَ نِيْمًا كَانَ يُصَلِّي فِيهِ (جامع الاحادیث ۲۴۱/۳)

استفاده از ابریشم خالص و طلا برای مرد در نماز حرام است.

لباس نمازگزار

کسی که با خدا می‌خواهد صحبت کند باید با لباس پاک، قلب پاک و فکر پاک باشد.

اسلام فقط قلب پاک نمی‌خواهد بلکه مسلمان باید ظاهر نظیف و آراسته داشته باشد امامان ما لباس مخصوصی برای نماز داشته‌اند مستحب است لباس نمازگزار سفید و تمیز باشد.

حالا به سراغ چند مسئله در مورد لباس نمازگزار می‌رویم.

۱ - اگر نمازگزار نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است ولی اگر قبل از نماز میدانسته که نجس است و فراموش کرده اگر بین نماز یا بعد از نماز یادش آمد باید دوباره آن نماز را بخواند.

۲ - کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد می‌تواند با همان لباس نماز بخواند.

۳ - اگر لباس نمازگزار غصبی باشد گرچه نخ یا تکه‌اش باشد نماز باطل است.

۴ - اگر در حین نماز بفهمد لباس او غصبی است در صورتیکه می‌تواند فوراً لباس را بیرون آورد بطوریکه نظم نماز بهم نخورد اما اگر طوری است که نمی‌تواند باید نماز را رها کرده لباس را بیرون آورده و با

لباسی دیگر نماز بخواند.

۵ - اگر شک داشته باشد جنس لباسش از حیوان حرام گوشت است یا حلال گوشت می‌تواند با آن نماز بخواند.

۶ - لباسهای کوچک مثل جوراب، کلاه و دستمال و یا اشیاء همراه نمازگزار اگر نجس باشد اشکال ندارد.

۷ - در صورت اضطرار و ناچاری نماز با بدن یا لباس نجس اشکال ندارد.

پس در نماز هم باید به فکر پاکی و طهارت ظاهری باشیم و هم پاکی باطنی.

قبله

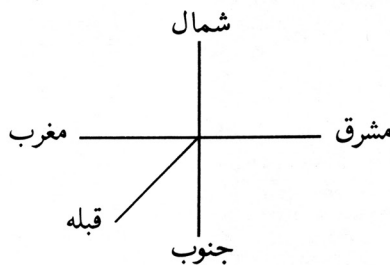
خدایی که ما را آفریده همه جا هست قرآن میفرماید بهر سمتی که رو کنید خدا هست اگر در عبادت سمت و جهتی مشخص نگردد هرکس بسویی ایستاده و خدا را عبادت می کند پس شاید برای اینکه خداپرستان تشکل و انسجامی داشته باشند و از این هماهنگی استفاده کنند قبله ای معین شد، قبله یهودیان بیت المقدس و قبله مسیحیان زادگاه حضرت عیسی علیه السلام است مسلمانان در سالهای اول موظف بودند به سوی بیت المقدس نماز بخوانند اما چون یهودیان نیش میزدند خداوند کعبه را بعنوان قبله مستقل مسلمین معرفی کرد مسلمانان باید نمازهای خود را به سمت کعبه بخوانند تا ناز دیگران را تحمل نکنند (لَّئِلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ) و هنگام ذبح حیوانات حلال گوشت حتماً باید حیوان را به سوی کعبه ذبح کنند وگرنه آن گوشت حرام است .

مستحب است تلات قرآن، دعا و ذکر، خوردن و خوابیدن رو به قبله باشد تا ما یک ارتباط دائمی با مرکز وحی و خانه خدا داشته باشیم حتی وقتی می میریم ما را به سمت قبله در قبر قرار میدهند .

راه پیدا کردن قبله

از آنجا که نماز برخلاف جهت قبله باطل است باید تلاش کنیم قبله و جهت صحیح سمت کعبه را بدست آوریم.

۱- برای پیدا کردن قبله در شب از راه شیری که به راه مکه معروف است و ستاره قطبی که نشانگر قطب شمال است استفاده می‌کنند و در روز اگر بتوانیم محل طلوع خورشید را پیدا کنیم تشخیص قبله راحت است مثلاً در کشور ایران در بیشتر شهرها قبله جنوب غربی است اگر طوری بایستیم که دست چپ ما به مشرق و راست به سمت مغرب باشد و بروی ما جنوب و پشت سر ما شمال خواهد بود وقتی جنوب را پیدا کردیم در ایران مقداری به سمت راست متمایل می‌شویم قبله بدست می‌آید.



۲- بسیاری از نمازگزاران در مسافرت به همراه خود قبله نما می‌برند تا هم در وقت نماز استفاده کنند و هم هنگام دستشویی رفتن به گناه نیفتند چون تخلی روزه قبله و پشت به قبله حرام است.

۳ - اگر هر چه تلاش کردیم قبله را پیدا نکردیم باید به چهار طرف نماز بخوانیم.

۴ - بعد از نماز اگر فهمیدیم نماز ما پشت به قبله بوده گرچه بعد از تحقیق باشد نماز باطل است اما اگر تا ۹۰ درجه اختلاف داشته نماز صحیح است.

قبله

نمازگزار اگر ایستاده یا نشسته نماز می‌خواند باید صورت و سینه‌اش به طرف قبله باشد

اگر نمازگزار خوابیده نماز می‌خواند در صورتیکه می‌تواند باید به پهلوی راست طوری که جلو بدنش رو به قبله باشد نماز بخواند اگر نمی‌تواند باید به پهلوی چپ طوری که جلو بدنش رو به قبله باشد نماز بخواند و اگر نمی‌تواند باید به پشت بخوابد بطوریکه سینه و صورت به طرف آسمان و کف پا بطرف قبله باشد.

اذان

اذان و اقامه بر مرد و زن پیش از نماز مستحب است (م ۹۱۶)
 اذان شعاری است ۱ - سکوت شکن ۲ - موزون ۳ - کوتاه ۴ -
 برمحتوا ۵ - سازنده که دربر دارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و
 جهت گیری عملی است

اذان اعلام موجودیت و فریاد مسلمین علیه معبودهای خیالی است
 این سرود آسمانی با الله شروع و با الله پایان میپذیرد تنها صدایی است که
 به آسمانیان میرسد صدایی است که شیطان از آن فراری است مؤذن در
 اجر و پاداش نمازگزاران شریک است

مستحب است شنوندگان هم بدنبال مؤذن جملات را تکرار
 کنند. اولین مؤذن در اسلام بلال حبشی که افتخار اذان گفتن را تا پایان
 عمر پیامبر (ص) داشت. قبل از اذان به بالاترین نقطه نزدیک مسجد
 میرفت و مناجات میکرد و بهنگام اذان با بلندترین صدا نام خدا را در فضا
 طنین مینداخت

اگر مشغول نماز شدیم و قبل از رکوع فهمیدیم اذان و اقامه
 نگفته ایم می توانیم نماز را رها کرده اذان و اقامه دهیم.

وقت نماز

احکام نماز هر کدام نوعی سازندگی برای ما دارد مثلاً وقت نماز ما را منظم، برنامه ریز و باتدبیر تربیت می کند بطور ناخود آگاه، یک مسلمان نماز گزار در زندگی نظم و برنامه دارد. وقت نماز انسان را با آیات الهی مثل زمین و آسمان، مشرق و مغرب، ماه و خورشید، طلوع و غروب، شب و روز آشنا می کند و روحیه خداپرستی و شکرگزاری را پیوسته در ما تقویت می کند

اذان سرود اعلان اول وقت است مسلمانان با شنیدن اذان در جریان اوقات نماز قرار می گیرند در این درس با وقت نمازهای پنجگانه آشنا می شویم

۱- وقت نماز صبح : از سپیده صبح (اذان صبح) تا طلوع

آفتاب

۲- وقت نماز ظهر: از زمانی که خورشید به بالای سر ما

میرسد (و سایه به کمترین مقدار خود می رسد) تا به اندازه یک نماز عصر مانده به غروب آفتاب

۳- وقت نماز عصر: بعد از نماز ظهر تا غروب آفتاب

۴- وقت نماز مغرب: از مغرب تا به اندازه یک نماز عشا

مانده به نیمه شب شرعی

۵ - وقت نماز عشاء: بعد از نماز مغرب تا نیمه شب

شرعی

چند تذکر:

۱ - پایان نماز صبح طلوع آفتاب است نه طلوع خورشید و پایان

نماز عصر غروب آفتاب است نه غروب خورشید

۲ - نصف شب شرعی در طول سال تغییر می کند قاعده کلی این

است که اگر یازده ساعت و ربع به ظهر شرعی اضافه کنیم نصف شب

شرعی حاصل می شود

۳ - اگر از روی سهو و غفلت و یا از روی معصیت نماز مغرب یا

عشاء تا نصف شب خوانده نشد لازم است تا اذان صبح بدون اینکه قصد

ادا یا قضا نماید بخواند

واجبات نماز، قرائت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیة انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند ولی اگر وقت کم باشد یا ناچار باشد نباید سوره را بخواند

در نمازهای مستحب خواندن سوره لازم نیست

بر مرد واجب است حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و در مورد زن اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می تواند بلند بخواند

بر مرد وزن واجب است حمد و سوره را در نمازهای ظهر و عصر آهسته بخواند

اگر حمد و سوره یا یکی از اینها را فراموش کند بخواند و بعد از رسیدن برکوع بفهمد نمازش صحیح است

۴ سوره قرآن که آیه سجده واجب دارد نباید در نماز بجای سوره خواند و اگر عمداً بخواند نماز باطل است

اگر از روی فراموشی یا نداشتن مسئله نمازهای آهسته را بلند و نمازهای بلند را آهسته بخواند نماز صحیح است.

قرائت نماز

زبان جهانی مسلمانان عربی است و در هرکجای دنیا مسلمین می‌توانند بوسیله نماز باهم رابطه برقرار کنند اگر هرکسی بزبانی نماز می‌خواند رشته وحدت از هم گسیخته می‌شد مسلمان مسلمانی را نمی‌شناخت حتماً شنیده‌اید خلیانها زبان واحدی دارند و در هرکجای دنیا بخواهند پرواز کرده یا فرود آیند با همان زبان ارتباط برقرار می‌کنند خیلی روشن است اگر نماز را غلط بخوانیم این ارتباط برقرار نمی‌شود کلمات نماز باید درست ادا شود مثل کد تلفن شهرستانها اگر فقط در یک شماره اشتباه کنیم بجای شیراز چه بسا اصفهان و تبریز جواب دهد نماز ۱۷ کلمه بیشتر ندارد و بقیه کلمات تکراری یا مستحب است و حیف است نمازگزار این کلمات را بخوبی یاد نگیرد بخصوص تحصیلکرده‌های ما با کمی دقت و تلاش می‌توانند برای همیشه نمازی صحیح بخوانند سعی کنیم قرائت نماز خود را نزد کسی که میداند یا یکی از اهل علم درست کنیم و خجالت نکشیم و بدانیم که اگر نماز را غلط بخوانیم گرچه دهها سال گذشته باشد باید دوباره قضا نمائیم خداوند دوست دارد ما او را اینگونه و با این کلمات ستایش کنیم از آنجائیکه زبان عربی بسیار دقیق است بطوریکه با جابجایی حرکات و صداها معانی عوض می‌شود سعی کنیم از همین امروز قرائت نماز خود را درست کنیم.

گوشه‌ای از آداب نماز

به جز ارکان و واجبات، نماز آدابی دارد که رعایت آنها باعث تزیین و کمال عبادت می‌شود در این درس به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم

۱ — گفتن الله اکبر در اول هر نماز واجب است اما بالا بردن دستها مستحب، چه خوب است این مستحب را درست انجام دهیم باید در حالیکه انگشتان دست بسته و دستها روی رانهاست گفتن الله اکبر را شروع کنیم همراه با شروع الله اکبر دستها را بالا می‌بریم بطوریکه کف دستها به طرف قبله باشد با تمام شدن الله اکبر باید سر انگشتان به کنار گوشها برسد.

۲ — در حالت ایستادن باید راست بایستیم و سر کمی خم و چشمها به محل سجده باشد.

۳ — در حالت رکوع کاملاً خم شویم و در حالیکه انگشتان دست باز است سر زانوها را بگیرد.

۴ — در حالت قنوت کف دستها به سمت آسمان و دستها بهم چسبیده و انگشتان دست به جز انگشت شست بسته باشد.

۵ — در حالت سجده انگشتان دست بسته، دستها به سمت قبله و نزدیک گوشها باشد.

البته مستحب است آقایان ساعد و آرنج خود را بلند کنند و بانوان

ساعد و آرنج خود را بر زمین بگذارند.

۶ — مستحب است نمازگزار اگر مرد باشد وقتی می‌خواهد از حالت ایستاده به سجده برود اول دستها را بر زمین بگذارد بعد پاها را و در مورد بانوان برعکس و وقتی می‌خواهد برای قیام بلند شود اول پاها را بلند کند بعد دستها را و در مورد بانوان برعکس.